

قطعه‌نامه سراسری تظاهرات
میتینگ‌ها و آکسیون‌های سراسری
انجمن‌های دانشجویان مسلمان
بمناسبت ۱۹ بهمن
پنجمین سالروز عاشورای مجاهدین
«حماسه اشرف و موسی»

در صفحه ۴۲



نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)

جمعه ۲۴/بهمن/۱۳۶۵ (۱۳/فوریه/۱۹۸۷)
تک شماره معادل نیم دلار (۵۰ ریال)

۲۰ جمادی الاخر (۳۰/بهمن)

خجسته میلاد فاطمه زهرا (ع)

بانوی اول اسلام انقلابی و الگوی

عقیدتی-تاریخی زنان قهرمان مجاهد خلق

رابعه پیر و ان پاکباز آن حضرت تهنیت می‌گوئیم

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

- * در جریان یک درگیری گسترده و حماسی بین رزمندگان مجاهد خلق و پاسداران خمینی در خیمه در منطقه ابرانشهر-سراوان فرمانده مزدوران و ۱۵ تن از آنان بهلاکت رسیدند و دهها تن از پاسداران بشدت زخمی شدند
- * قائم مقام فرمانده سپاه ضد خلقی خمینی در جابه‌جاری و باسدار مزدور محافظ وی با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند
- * ۴ تن از مزدوران سرکوبگر خمینی در پاسگاه سالار، واقع در دوراهی ابرانشهر-بمبور با آتش سلاح ستم‌سوز رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند
- * رزمندگان یک واحد رزمی مجاهد خلق پاسگاه بازرسی دشمن در نزدیکی شهرستان بم را با آتش مسلسل درهم کوبیده و به آتش کشیدند (در صفحات ۸ و ۹)

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت

بمناسبت هشتمین سالگرد

انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

(قسمت اول)

(در صفحات ۲ تا ۷ و ۴۴ تا ۵۱)

پاسخ برادر مجاهد مسعود رجوی

به سوال خبرنگار رادیو صدای مجاهد درباره پیام اخیر خمینی

و لجن پر اکنی یزد پلید جماران علیه مجاهدین

در صفحه ۵۳

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پر طنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی

تظاهرات حدود ۷,۰۰۰ تن از هموطنان در بَن یک حرکت کاملاً بیسابقه در تاریخ مبارزات خارج کشور بود. در واشنگتن ۳,۰۰۰ تن، در دهلی نو بیش از ۲,۵۰۰ تن، در سوئد بیش از ۱,۵۰۰ تن و در لندن بالغ بر ۱,۰۰۰ تن راهپیمایی کردند و هزاران هموطن دیگر نیز در تظاهرات میتینگ‌ها و آکسیون‌های سایر کشورها شرکت نمودند. گزارشات این تظاهرات توسط خبرگزاری‌ها و مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های کشورهای مختلف وسیعاً منعکس گردید.

(در صفحات ۱۱ تا ۱۹ و ۳۸ تا ۴۳)



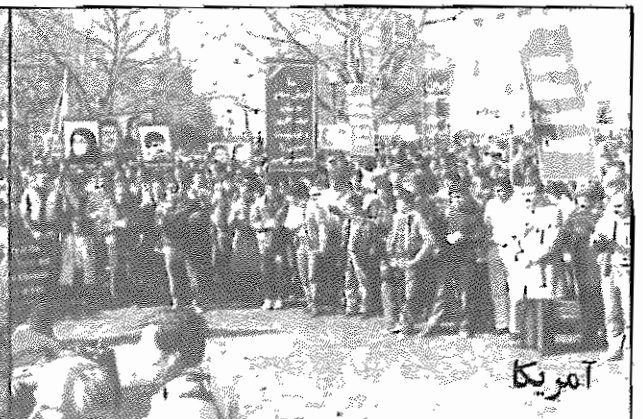
ایران



آلمان



آمریکا



پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران (قسمت اول)

بنام خدا
بنام ایران و بنام آزادی
بنام انقلاب نوین و رهاش بخش
خلق قهرمان ایران

هموطنان عزیز،
مردم آگاه و مبارز ایران؛

با ایقان به پیروزی انقلاب نوین ایران و سرنگونی محتوم و تردیدناپذیر دیکتاتوری دجال و ضدبشری خمینی؛ که وحشیانه ترین و سفاکترین استبداد تاریخ ما را تحت لوای دین برپا داشته است؛ هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی و سقوط دیکتاتوری دستنشاندهی شاه گرامی باد.

یاد بنیانگذاران، پیشتازان و همهی شهیدان و اسیران و خانواده های داغدار انقلاب شگوهمند ضدسلطنتی بخیر. بویژه یاد رهبران پیشتاز و پرچمداران مبارزه ی مسلحانه ی انقلابی که سنگ بنای آن انقلاب را بنیاد گذاشتند. قهرمانان پاکباز و بن بست شکنی همچون محمد حنیف نژاد، سعید محسن، امیر بدیع زادگان، مسعود احمدزاده، پرویز پویان و بیژن جزنی که بر قلعه های هزاران شهید و اسیر مجاهد و فدایی دیگر، طلسم سازش و تسلیم و توهم زبوانه ی ضربه ناپذیری شاه و ساواک دژخیم او را برغم همه ی احزاب فرصت طلب و سازشکار، برغم میانه بازیان فرومایه و برغم آخوندهای ارتجاعی درهم شکستند.

آری بقول پدر طالقانی این روح راستین و مردمی انقلاب ضدسلطنتی، آنچنانکه در رثای شماری از مجاهدین شهید خاطر نشان نمود؛ پرچمداران مبارزه ی مسلحانه با نثار خون خود راه مبارزه و جهاد گشودند. چنین بود که راه جنبش عمومی خلق هموار شد و سرانجام در موقعیت مناسب طوفان ها و سیلاب ها بپاخواست و طومار حیات دیکتاتوری دستنشانده را درهم پیچید.

اما در سالروز ۲۲ بهمن یک چشم مردم ایران خندان و چشم دیگر گریان است. چون این سالروز از یکسو یادآور فرود آمدن بهمن شگرف اراده ی خلق ما و سرنگونی ابدی نظام ستمشاهی است. اما از سوی دیگر متأسفانه در همین سرفصل بود که به شیخ سالاری میدان داده شد. غفلتی عظیم در گانون آن بهمن

شگرف و خودجوش که همه ی عقب ماندگی ها، و ناآگاهی های جامعه و تاریخ ما را یکجا برملا نمود و بیش از پیش مبین سازمان یافتگی انقلاب ضدسلطنتی و فقدان یک سازمان رهبری کننده ی انقلابی و مردمی در قلب آن بود. آخر چندی قبل از ربوده شدن رهبری - یعنی سرنوشت سازترین و تعیین کننده ترین موضع در هر انقلاب - توسط بزرگترین دزد تاریخ ایران (خمینی) فرصت طلبان چپ نما سازمان مجاهدین خلق ایران را در یک مقطع متلاشی کرده و حتی شماری از اعضای مقاوم آنرا با شکنجه و ترور و سوزاندن نابود کرده بودند.

"انقلاب"، "اسلام"، "استقلال"، "آزادی" و "جمهوری" و... پیاپی خواروبی مقدار و مبتذل و بی ارزش شدند. خمینی بساط دجالیت پهن نمود و انبوه شارلاتان ها و میوه چینان سیاسی و دین فروشان حرفه ای گرداگرد کجاوه ی خلافت و ولایت فقیه او را گرفتند. چنین بود که وقتی خمینی امام و راهبر شد، شورای ارتجاع را "شورای انقلاب" نامیدند و دولت موقت تاجرپیشه نیز دولت امام زمان نام گرفت! چندی بعد نمایشات گروگانگیری به صحنه آمد که هدف آن اساساً مات کردن قوای انقلابی در آستانه ی رفراندوم قانونی اساسی و انتخابات ریاست جمهوری و

افسوس و صدافسوس که در خلا رهبری ذیصلاح و در فقدان سازمان رهبری کننده ی انقلابی و یک جانشین دمکراتیک و مردمی لشکر اوباش و اراذل به رهبری خمینی که از این پیشتر بندوبست های استعماری را در نوفل لوشاتو بپایان رسانده بود، از راه رسید و شد آنچه که در این هشت سال سیاه تمامی مردم ایران طعم تلخ آنرا بسختی چشیدند. وقتی خمینی راهبر و "امام" گردید در قدم اول "کلمه" ذبح و عاری از محتوی و مفهوم شد. کلمات ارزشمند همچون "انقلاب"، "اسلام"، "استقلال"، "آزادی" و "جمهوری" و... پیاپی خوار و بی مقدار و مبتذل و بی ارزش شدند. خمینی بساط دجالیت پهن نمود و انبوه شارلاتان ها و میوه چینان سیاسی و دین فروشان حرفه ای گرداگرد کجاوه ی خلافت و ولایت فقیه او را گرفتند.

مجلس بود. سپس خائنانه ترین قرارداد استعماری تاریخ ایران درست در شرایطی به امضاء رسید که بوق و کرنا ی مبارزه ی ضدامپریالیستی به سبک خمینی گوش فلک را گر کرده بود. ملیت های تحت ستم بشدت سرگوب شدند. منطق یا روسری یا توری در همه جا بوسیله ی چماقداران خمینی بکار گرفته شد. دانشگاه ها را بستند و کودتای سیاه ضد فرهنگی را "انقلاب فرهنگی" نام نهادند.

از راه نرسیده ۱۲۰ میلیارد تومان سود خالص توسط تاجر باند خمینی بالا کشیده شد، اما تا بخواهید در اوصاف "امید مستضعفان جهان" نعره زدند و یقه درانی کردند. بر وحشیانه ترین شکنجه ها نام "تعزیر" گذاشتند و تا توانستند تحت لوای دین و "مشروع" دست بریدند و چشم درآوردند و سنگسار کردند. روزنامه ها و اجتماعات مسالمت آمیز را تعطیل و سرگوب کردند. زندان ها و شکنجه گاه ها در ابعادی صدمبار بیشتر از رژیم شاه بازگشوده شد.

حال اینکه در آن زمان نیز سازمان مجاهدین خلق ایران تنها سازمان سیاسی - نظامی و تنها نیروی دمکراتیک - انقلابی بود که در شرایط خاص ایران از پشتوانه ی ایدئولوژیک - تاریخی و از ظرفیت اجتماعی و تشکیلاتی لازم برای تشکیل یک جانشین دمکراتیک و مستقل برخوردار بود و می توانست در ارائه ی چنین جانشینی نقش محوری برعهده بگیرد و بدینوسیله مانع سلطه ی مجدد ارتجاع و استعمار گردد.

بهرحال، افسوس و صدافسوس که در خلا رهبری ذیصلاح و در فقدان سازمان رهبری کننده ی انقلابی و یک جانشین دمکراتیک و مردمی لشکر اوباش و اراذل به رهبری خمینی که از این پیشتر بندوبست های استعماری را در نوفل لوشاتو بپایان رسانده بود، از راه رسید و شد آنچه که در این هشت سال سیاه تمامی مردم ایران طعم تلخ آنرا بسختی چشیدند.

وقتی خمینی راهبر و "امام" گردید در قدم اول "کلمه" ذبح و عاری از محتوی و مفهوم شد. کلمات ارزشمند همچون

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

را روا نشمرد.

پس مأموریت و نقش ضدتاریخی خمینی این بوده که آتشفشان گدازان انقلاب ضدسلطنتی را سرد و خاموش کند و آنرا دقیقاً از همان نقطه ضعف رهبری‌کننده‌اش به فساد و انهدام بکشد و جامعه و تاریخ ما را بطور مضاعف به عقب برگرداند و اگر توانست میهنمان را نیز از هم بپاشد... بنابراین امسال نیز باید تکرار کنم:

یقیناً خمینی بزرگترین بلیه‌ی سیاسی و اجتماعی و مذهبی تاریخ ایران است. آزمایش "وجود" و "لاوجود" ایران و ایرانی است. بقا یا فناء فرهنگ و میهن و تاریخ و تمامیت ایران لاجرم به غلبه یا شکست ما در نبرد با این ارتجاع ضدتاریخی، مشروط می‌شود. یعنی مردم ایران امروز درگیر سهمگین‌ترین نبردها و پنجه‌درپنجه‌ی درنده‌ترین گرگ‌های تاریخ این سرزمین‌اند. دشمنی که قدرت سیاسی و مذهبی و اقتصادی را تماماً در یک نقطه در چنگ گرفته و صرف سرکوب خلق ما می‌کند.

هموطنان عزیز،

در روزهای اخیر زعمای رژیم خمینی به صحنه آمدند و به زبان‌های مختلف بیانی از ۸ سال حکومت خمینی ارائه کردند:

از جمله رفسنجانی سخنگو و کارگزار شماره یک خمینی در نمایش جمعه ۱۰ بهمن اظهار داشت که اگر مسائل جنگ نبود ما اکنون می‌توانستیم ارقام و آمار بسیار عظیمی در مورد پیشرفت‌های اقتصادی و عمرانی بدهیم...

رفسنجانی سپس افزود: "اکنون ما شاهد تحولات بسیاری در سطح جهان هستیم. در ترکیه مسئله‌ی حجاب مطرح است و در پاکستان تظاهرات ضدآمریکایی می‌شود..." رفسنجانی در پایان تاکید کرد که اکنون مردم ما برای خوابیدن و خوردن زنده نیستند. و اگر همگی ما گرسنه هم باشیم مسئله‌ای نمی‌تواند باشد...

ملاحظه می‌کنید؟! مردم گرسنه باشند مسئله‌ای نیست! می‌توانند به این دلخوش کنند که در ترکیه مسئله‌ی حجاب مطرح شده و در پاکستان تظاهرات ضدآمریکایی صورت گرفته! اگر چه خمینی و دارودسته که این جلوه‌ی (ضدامپریالیستی) در محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند با آمریکا و

مشروعیتی و در شمار هواداران شیخ فضل‌الله نوری خصم مجاهدان آزادی‌ستان صدر مشروطه بوده است. و بنا به مندرجات یکی از کتاب‌هایش در سال‌های بعد از شهریور/۱۳۲۰ نیز نه فقط هیچ مخالفتی هم با اساس سلطنت نداشته بلکه مؤید آن نیز بوده است. سپس در آستانه‌ی کودتای ۲۸ مرداد در سلک افراد آخوند کاشانی به ضدیت با پیشوای نهضت ملی ایران دکتر مصدق فقیه برخاسته و هنوز هم بقول خودش از "سیلی خوردن" مصدق توسط دربار شاه و استعمارگران حامی آن شاد و ممنون است.

سپس در سلک حامیان کودتای استعماری ۲۸ مرداد (۱۳۳۲) تا سال ۴۲ باز هم ساکت و سربزیر بوده. ولی به

فحشاء و اعتیاد و بیگاری در کنار صنعت پاسدارسازی و پرورش گمیتچی رواج بی‌سابقه‌ای پیدا کرد. صدور تروریسم برای منحرف کردن اذهان از گسترش تروریسم و سرکوب داخلی اوج گرفت و زمینه‌ی جنگ‌افروزی شد. آنگاه جنگ‌کثیف و وحشی "موهبت الهی" نام گرفت...

در حالیکه رشیدترین فرزندان این میهن را پس از حلق‌آویز یا تیرباران در پرچم آمریکا می‌پیچاندند، نگو که خود تا خرخره با "شیطان بزرگ" و "رژیم اشغالگر قدس" رفته بودند! ای ننگ و نفرین بر این خمینی و شجره‌ی خبیثه‌ی او که پرپرکننده‌ی امید و اعتماد شکوفای خلق ایران بود.

مأموریت و نقش ضدتاریخی خمینی این بوده که آتشفشان گدازان انقلاب ضدسلطنتی را سرد و خاموش کند و آنرا دقیقاً از همان نقطه ضعف رهبری‌کننده‌اش به فساد و انهدام بکشد و جامعه و تاریخ ما را بطور مضاعف به عقب برگرداند و اگر توانست میهنمان را نیز از هم بپاشد... بنابراین امسال نیز باید تکرار کنم:

یقیناً خمینی بزرگترین بلیه‌ی سیاسی و اجتماعی و مذهبی تاریخ ایران است. آزمایش "وجود" و "لاوجود" ایران و ایرانی است. بقا یا فناء فرهنگ و میهن و تاریخ و تمامیت ایران لاجرم به غلبه یا شکست ما در نبرد با این ارتجاع ضدتاریخی، مشروط می‌شود. یعنی مردم ایران امروز درگیر سهمگین‌ترین نبردها و پنجه‌درپنجه‌ی درنده‌ترین گرگ‌های تاریخ این سرزمین‌اند. دشمنی که قدرت سیاسی و مذهبی و اقتصادی را تماماً در یک نقطه در چنگ گرفته و صرف سرکوب خلق ما می‌کند.

هنگام یکپایه‌شدن رژیم شاه و دربار او یعنی به هنگام استقرار دیکتاتوری سرمایه‌داری وابسته و چرخش شاه بجانب آمریکا و اولویت دادن به آن در قبال انگلیس و پایگاه‌های فتودالی داخلی آن، خمینی یکباره سر برمی‌دارد و از موضع قرون وسطایی و مادون سرمایه‌داری از جمله از موضع مخالفت با آزادی زنان و تقسیم اراضی بنای مخالفت با دیکتاتوری شاه می‌گذارد...

سپس چنانکه می‌دانیم خمینی به تبعید می‌رود و سرانجام پس از آنهمه دروغ و ریا در پاریس و پس از بسیاری بندوبست‌های پشت‌پرده که شمه‌ای از آنها تاکنون آشکار شده همچون بلایی عظیم و محنتی بی‌پایان بر مردم ایران نازل می‌شود. می‌زند و می‌بندد و می‌خورد و پایمال می‌کند. می‌گیرد و می‌گذد و می‌سوزاند و ویران می‌کند. برآستی که اشتباهی خمینی برای خونریزی سیری‌ناپذیر است. همین خمینی که در آن سال‌های شاه با مبارزه‌ی مسلحانه و "جاری شدن خون" مخالفت می‌ورزید و هیچگاه آن

باشد که در آینده‌ای نه‌چندان دور با سوزاندن ریش‌وریشی او و رژیمش هر دو چشم مردم ایران در چنین سالروزی روشن و خندان گردد. باشد که با موکب صلح و آزادی امیدها و اعتمادهای پرپر شده و آن شور شگفت و همدلی و همنوایی بی‌مانند روزهای انقلاب ضدسلطنتی با آگاهی و عمقی صدرابر، به گوری چشم خمینی از سرگرفته شود. راستی که خمینی شوم‌ترین ارمغان ارتجاعی و استعماری معاصر است.

مأموریت تاریخی این شخص را می‌توان در یک کلام در خراب کردن انقلاب ضدسلطنتی بر سر نیروهای محرکه‌اش و به بند کشیدن مجدد انقلاب و اجتماع ما خلاصه کرد. بگذریم که به یمن مجاهدت شهدا و اسرای انقلاب نوین ایران این مأموریت ارتجاعی و ضدتاریخی قرین توفیق نبوده و نخواهد بود.

سوابق زندگی خمینی نیز شایان تأمل و تردیدبرانگیز است. وی تا پنجاه و چند سالگی در میدان سیاست چندان حضوری نداشته و در سلک ارتجاعی‌ترین آخوندهای

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

از اظهارات مسئولین شکنجهگاهها و زندانهایش نیز برمی آید - در این فاصله (و یا حتی قبل از آن) سیاست جدیدی پیشه نموده و در ازای رها کردن گروههایی از دستگیرشدگان که در اساس یا آنها را بی جهت دستگیر کرده بود و یا بدلائل مختلف نگهداریشان را در زندان مصلحت ندیده؛ زندانیانی را که خطرناکتر تشخیص می داده دسته دسته به جوخه های اعدام سپرده است.

بهرحال برخی از مسئولین رژیم در محافل خصوصی تعداد اعدامها را حدود ۷۰,۰۰۰ ذکر کرده اند که حدود ۹۰٪ آنها در کل کشور از مجاهدین هستند. آمار جدید شهدا و زندانیان سیاسی توسط سازمان مجاهدین خلق ایران در دست

ضدگرزبای ۵ را یکمدهزار و تعداد تانکهای منهدم شده و به غنیمت گرفته شده ی طرف عراقی را در مجموع ۸۰۰ عدد ذکر نمود. حال اینکه شب قبل (یعنی پنجشنبه شب ۱۶ بهمن ماه) سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ خمینی تلفات طرف عراقی را (اعم از گشته و مجروح) پنجاه هزار و "تعداد تانکها و ماشینهای جنگی منهدم شده" را فقط ۶ دستگاه ذکر کرده بود!

ملاحظه می کنید که اعداد و ارقام وقتی یک دست می چرخد و از ستاد تبلیغات جنگ تا خامنه ای که رئیس شورای عالی دفاع رژیم نیز هست طی طریق می کند، اینقدر اضافه می شود و البته از روی آن می توان حدس زد در مسیری که اعداد و ارقام طی نموده تا به ستاد تبلیغات رژیم برسد چه بر سرش آمده!

تا ۳۰/ خرداد سال گذشته بر اساس گزارشات مستند و ارزیابی های ارائه شده توسط سازمان مجاهدین خلق ایران تعداد شهدای مقاومت را حدود ۵۰,۰۰۰ تن و تعداد اسرا را ۱۴۰,۰۰۰ نفر برآورد می کردیم. اما ضمن یکسال ونیم گذشته مستمراً به گزارشات و نمونه هایی برخورد کرده ایم که بر اساس آنها تعداد شهدا اکنون خیلی بیشتر از عدد اعلام شده ی قبلی برآورد می شود. بنظر می رسد که دشمن ضدبشری در این فاصله سیاست جدیدی پیشه نموده و در ازای رها کردن گروههایی از دستگیرشدگان زندانیانی را که خطرناکتر تشخیص می داده دسته دسته به جوخه های اعدام سپرده است.

بهرحال برخی از مسئولین رژیم در محافل خصوصی تعداد اعدامها را حدود ۷۰,۰۰۰ ذکر کرده اند که حدود ۹۰٪ آنها در کل کشور از مجاهدین هستند.

بررسی و تحقیق است و در آینده همراه با فهرست تکمیلی یا فهرست جدید اعلام خواهد گردید.

*

در مورد شکنجه های سبعانه و توصیف ناپذیر که تاکنون بیش از شصت و چند مورد آنها با ذکر تمامی جزئیات شماره کرده ایم علاوه بر مواردی که در پیام های پیشین نام برده ام گاه به مواردی برمی خوریم که موی بر اندام هر آدمی راست می کند، پشت را می لرزاند و جگر را می خراشد. چه بسا حیوانات موزی نیز رؤیت شکنجه های خمینی را طاقت نیاورند:

از قبیل "زنده سوز" آنچنانکه در پائیز ۶۴ در شکنجهگاه شهر اردبیل در مورد مجاهد شهید مرتضی قاسمی نژاد انجام شده است. دژخیمان خمینی او را زنده زنده سوزاندند. خواهر این مجاهد شهید، پس از شنیدن خبر این

حال اگر از خمینی و زعمای رژیمش بخاطر کثرت جنایات و تبهکاری هایشان بیلان و عدد و رقم درست بیرون نمی آید، اجازه بدهید خود با اختصار تمام نظری به بیلان ۸ ساله ی رژیم خمینی در برخی از زمینه ها بیندازیم:

۱- گشتار و تیرباران و حلق آویز کردن دهها هزار تن از رشیدترین فرزندان این آب و خاک، طلایه داران انقلاب رهائیبخش و نوین مردم ایران که انبوهی از آنها در زیر سبعانه ترین شکنجه های ضدبشری جان باخته اند.

تا ۳۰/ خرداد سال گذشته بر اساس گزارشات مستند و ارزیابی های ارائه شده توسط سازمان مجاهدین خلق ایران تعداد شهدای مقاومت را حدود ۵۰,۰۰۰ تن و تعداد اسرا را ۱۴۰,۰۰۰ نفر برآورد می کردیم. اما ضمن یکسال ونیم گذشته مستمراً به گزارشات و نمونه هایی برخورد کرده ایم که بر اساس آنها تعداد شهدا اکنون خیلی بیشتر از عدد اعلام شده ی قبلی برآورد می شود بنظر می رسد که دشمن ضدبشری - آنچنانکه

اسرائیل کار دیگر می کنند!!

جمعه ی گذشته (۱۷/ بهمن ماه) خامنه ای رئیس جمهور رژیم نیز - که مانند سایر رئیس جمهورهای خمینی مقامی باسمه ای پیش نبوده و نیست - به ارائه ی بیلان "دستاوردهای" ۸ ساله ی رژیم پرداخت و گفت: "پیشرفت نظام جمهوری اسلامی ایران در کار رسیدگی به روستاها، رسیدگی به امر آموزش و پرورش، رسیدگی به قشرهای مختلف مستضعف و درهم کوبیدن ثروتمندان و سازندگی داخل جامعه و اخلاقیات است..." آنچه را رئیس جمهور فاسد و علیل خمینی، دربارهی پیشرفت روستاها و آموزش و پرورش گفته است بعداً بیشتر مورد اشاره قرار خواهیم داد، اما عجالتاً باید دانست که دولت خمینی در همین امسال بطور متوسط روزی ۴۱۰ میلیون تومان از درآمدهای خود را صرف جنگ و سرکوب داخلی نموده. این رقم در مجموع طی سال جاری ۷۹٪ ستون درآمدهای دولت خمینی را در بودجه ی سالیانه اش تشکیل می دهد که از روی آن می توان میزان رسیدگی به آموزش و پرورش و رسیدگی به روستاها را دریافت. بگذریم که این ۴۱۰ میلیون تومان یومیه، فقط عدد رسمی است و عدد واقعی که صرف جنگ و سرکوب شده بسا بیشتر از این است.

دربارهی "رسیدگی به قشرهای مختلف مستضعف و درهم کوبیدن ثروتمندان" نیز خوبست خاطر نشان کنیم که چندی پیش وزیر برنامه و بودجه ی رژیم مشخصاً اعلام نمود که درآمد تجار و بازرگانان (دارودسته ی خمینی) معادل بودجه ی کل کشور است! (*) جالب اینکه این سودخواری و ثروت اندوزی نجومی که به چند صد میلیارد تومان بالغ می شود در کشوری است که بخش اعظم اقتصاد آن (حدود ۹۰٪) از نفت و گاز و مس و پتروشیمی گرفته تا راه آهن و ذوب آهن و شیلات و دخانیات و بانکها و دهها رشته ی دیگر منحصرأ در اختیار دولت است.

بنظر می رسد رئیس جمهور رژیم خمینی حتی نیازی به قرائت اظهارات وزیران و اطلاعیه های رسمی دوایر اجرایی که وی در روی کاغذ ریاست همه ی آنها را برعهده دارد، احساس نمی کند، والا در بهم بافتن اراجیف قدری رعایت می کرد! خامنه ای در همین سخنرانی جمعه (۱۷/ بهمن) تعداد کشته ها و مجروحین عراق در تهاجم

پاورقی:

(*) - وزیر برنامه و بودجه - ۶۵/۶/۸ در استان لرستان

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

دستگیری های گسترده و بی حساب و کتاب توسط ارگان های سرکوبگر رژیم اشاره کنیم: بعنوان مثال از مجموعه ای آمار و ارقام اعلام شده توسط کمیته های ضد خلقی چنین برمی آید که در فاصله ی زمانی فروردین ۶۴ تا مرداد ۶۵ فقط آمار دستگیری های کمیته (اعم از موارد سیاسی و غیرسیاسی) که در هر حال مبین درجه ی شگفتانگیز اختناق و سرکوب عمومی نیز می باشد بیش از یکمدهزار نفر در کل کشور بوده است. چنانکه می دانیم دستگیری آنها نه فقط دستگیری موارد سیاسی، بلکه دستگیری مردم عادی و عابریان گوچه و خیابان به بهانه های بسیار مبتذل در حکومت خمینی امر بسیار رایجی است. آنگاه درصدی از دستگیرشدگان با پرداخت رشوه آزاد می شوند. بهانه ی بسیاری دستگیری های دیگر جرایم عمومی و اخلاقی و قاچاق است. حال اگر فقط تنها ده درصد از دستگیرشدگان مورد ظن سیاسی واقع شده باشند طی مدت مورد بحث تنها یک ارگان سرکوبگر یعنی کمیته ی ضد مردمی ۱۰۰،۰۰۰ تن را دستگیر و لاجرم برای چند هزار نفر از آنها تشکیل پرونده داده است.

برای آشنایی بیشتر به آمار دستگیری ها کفایت یادآور شویم که کمیته ی استان خراسان در اردیبهشت ماه گذشته ی خود اعلام نمود که در سال ۶۴، حدود ۲۸،۰۰۰ مورد دستگیری داشته است.

کمیته ی استان آذربایجان شرقی تعداد دستگیری های خود از مهر ۶۴ تا مرداد ۶۵ را ۱۶،۶۰۰ نفر اعلام کرده است. آمار دستگیری های استان همدان در سال ۶۴ متجاوز از ۷،۰۰۰ است و در شهر تهران از خرداد ۶۴ تا خرداد ۶۵ بیش از ۱۰،۰۰۰ تن توسط کمیته های ضد مردمی دستگیر گردیده اند. آمار متوسط ماهیانه در شهر گرج ۵۰۰ نفر می باشد.

اما آمار دستگیری سیاسی در مرزهای غرب کشور که اساساً پس از انتقال مقر مرکزی مقاومت مسلحانه ی سراسری به خاک عراق فعال گردیده بطور متوسط در ماههای اخیر متجاوز از ۲۷۰۰ تن (در ماه) بوده است. ساواک خمینی و کمیته های ضد مردمی در این مناطق دارای پست های بازرسی متعدد هستند که بسیاری از آنها جدیداً تأسیس شده است.

پاورقی:

(*) - کیهان خمینی ۶۵/۵/۱

شکنجه های خمینی در مورد خواهران و زنان قهرمان ما هم براستی باورنکردنی است و گویا که از مافی الضمیر حیوانی این دژخیم ضد بشر تراوش می کند. بی گمان یک روز مردم ایران خواهند فهمید که خمینی در واحد شکنجه ی موسوم به "واحد مسکونی" در زندان قزل حصار با خواهران ما چه کرده است... فقط از عمق وجود، با تمام توش و توان و از بُن استخوان سوگند می خورم، به شرف خلق قهرمان ایران و مجاهدین خلق ایران سوگند می خورم که تا وقتی یک مجاهد نیز در این جهان وجود داشته باشد این رژیم سفاک و عقال خون آشام آنها را با هر وسیله ی ممکن از بُن برخواهیم کند. وحشیگری و جنایت دشمن ضد بشری جز آنکه بر قهر و کین سوزان و خروشان مقاومت مسلحانه ی

در مورد شکنجه های سبانه و توصیف ناپذیر که تاکنون بیش از شصت و چند مورد آنها با ذکر تمامی جزئیات شماره کرده ایم علاوه بر مواردی که در پیام های پیشین نام برده ام گاه به مواردی برمی خوریم که موی بر اندام هر آدمی راست می کند، پشت را می لرزاند و جگر را می خراشد. فقط از عمق وجود، با تمام توش و توان و از بُن استخوان سوگند می خورم، به شرف خلق قهرمان ایران و مجاهدین خلق ایران سوگند می خورم که تا وقتی یک مجاهد نیز در این جهان وجود داشته باشد این رژیم سفاک و عقال خون آشام آنها را با هر وسیله ی ممکن از بُن برخواهیم کند. وحشیگری و جنایت دشمن ضد بشری جز آنکه بر قهر و کین سوزان و خروشان مقاومت مسلحانه ی انقلابی بیفزاید و اراده هایمان را صیقل بزند هیچ حاصل دیگری برای خمینی و خمینی صفتان نخواهد داشت.

انقلابی بیفزاید و اراده هایمان را صیقل بزند هیچ حاصل دیگری برای خمینی و خمینی صفتان نخواهد داشت. در تابستان گذشته یکی از وزرای خمینی (بهزاد نبوی مزدور) با اشاره ی تلویحی به همین قهرمانی ها و مقاومت افزاینده ی مجاهدین در برابر مسیر بی حاصل و آبرو باختگی رژیم تصریح کرد که "قهرمانی که درست کرده ایم مقابل خودمان ایستاده و خلاصی نداریم" (*)

پس ننگ و تفرین بر خمینی و همه ی فرومایگان و دناست پیشگانی که عاری از درد و رنج مردم ایران بالاخص در دیار فرنگ مقاومت مسلحانه و مشروع و عادلانه ی مردم ما را به انحاء طرق "تروریسم" می خوانند! یقین داریم که این خیانتکاران فرصت طلب از خورشق های زبوانه ی خود برای امپریالیسم و ارتجاع، طرفی نخواهند بست جز اینکه هر چه بیشتر مطرود و منفور تاریخ و خلقمان واقع شوند.

*

در همین مبحث ضروری است به

جنایت وحشیانه و توصیف ناپذیر، در حالیکه باردار بود دچار حمله ی قلبی گردید و به برادر شهیدش پیوست.

"جوجه گباب" یکی دیگر از آخرین ره آورد های خمینی جنایتکار در امر شکنجه است. آنچنانکه در شکنجه گاه نجف آباد بر روی تعدادی از مجاهدین اعمال شده، اسیر را در حالت درازکش به میله ی آهنی درازی می بندند و سپس وی را روی شعله ی آتش می چرخانند.

"نوگ بریدن" نیز همچنانکه مواردی از آن در شکنجه گاه قزل حصار دیده شده از دیگر ابداعات دژخیم پلید جماران است. در این شکنجه نوگ زبان اسیر را می بزنند.

"چشم در آوردن" در آستانه ی اعدام نیز یکی

از جدیدترین شیوه های رایج در زندان های این جانی ددمنش است. بدین وسیله از چشم زندانیان برای پیوند زدن به چشم پاسدارانی که در جبهه های جنگ ضد میهنی نابینا می شوند استفاده کرده و سپس آنها را به جوخه های اعدام می سپارند.

"تخت تاشو" یک مدل دیگر است. اسیر را با شکم بر روی تخت می خوابانند و دست و پایش را محکم به دو انتها می بندند. آنگاه تخت تدریجاً از وسط به سمت بالا تا می خورد. در این وضعیت فشار خردکننده ی بر روی ستون فقرات و مهره های کمر اسیر وارد می شود. گاه تا بگوش رسیدن صدای شکستن استخوان ها شکنجه ادامه می یابد. غالباً رگ های چشم و گوش رزمنده ی اسیر نیز بر اثر فشار وارده پاره شده و دچار خونریزی می گردد.

تیرباران در حال اعتصاب غذا نیز چنانکه بعنوان نمونه در ۲۶/۴ آذرماه گذشته در مورد ۴۰ تن از اسرای مقاومت در شکنجه گاه اوین اجرا شد، داغ ننگ پاک نشدنی دیگری بر پیشانی دشمن پلید ضد بشری است.

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

ایران بی‌پاسخ خواهد ماند و از اینرو با تمام وجود از رژیم خمینی بیزار و متنفرند. همین رژیم ضد مردمی که با سرکوبی هفت‌ساله، بسا شهادت‌ها، اسارت‌ها، خانه‌خرابی‌ها و کوچ‌دادن‌های اجباری به آنان تحمیل کرده است.

روشن است که سرکوب ضد بشری رژیم خمینی خاص فارس یا گُرد نبوده و عموم مردم ایران را از ترک و ترکمن تا بلوچ و عرب‌زبان و از شیعه و سنی گرفته تا مسیحی و کلیسی و زرتشتی و پیروان سایر ادیان و مکاتب و مذاهب دربرمی‌گیرد و درست به همین دلیل بر همه‌ی مردم ایران است تا دست‌درست یکدیگر برای صلح و آزادی و برای احراز استقلال و حاکمیت ملی و مردمی علیه دشمن تمامی خلق قیام کنند. تا در ایران

توطئه و جنایتی فروگذار نگردند. اما از آغاز هم قرار نبوده است که راه صلح و آزادی و استقلال و جاده‌ی پیروزی سهل و هموار باشد. و راستی کدام مشکل و گرهی است که در پرتو حمایت خلق قهرمان ایران و هموطنان آزاده و شریفان در داخل و خارج کشور نتوان آنرا با عزم و اراده‌ی پولادین انقلابی از هم بازگشود و به پیش رفت. بگذریم که مقاومتی که در آستانه‌ی جهش به آخرین منزل‌هاست، در برابر توطئه‌ها و ناردمی‌های مکرر و مستمر سالیان پیشین - آنهم در غربت فرنگ و در معرض همه‌ی یورش‌های ارتجاعی و امپریالیستی و فرصت‌طلبانه - به قدر کافی با چنگ‌زدن به ریسمان رهاشیش مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی و مردمی آسیب‌ناپذیر و روئین‌تن

هم‌اکنون در مجموع ۱۹۴ پست بازرسی در گلوگاه‌های شهری و جاده‌های اصلی کل کشور وجود دارد که رژیم خمینی اساساً آنها را بمنظور مقابله با مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی ایجاد کرده است. اضافه بر این، بسیج ضد مردمی نیز ۲۱۵ مقر اختناق در تهران و حدود ۱۲۰۰۰ مقر سرکوبگر دیگر در سایر نقاط کشور ایجاد کرده است. بتازگی نیز کمیته‌ی ضد خلقی مرکز، یک گردان ویژه ضد شورش دایر نمود.

افتتاح دانشگاه‌ی جدید ساواک خمینی زیر نظر وزارت ساواک او نیز از تازه‌ترین شاهکارهای رژیم است. برآستی که با مختصر دقتی در بیلان سرکوب و اختناق خمینی بار دیگر بوضوح می‌توان نتیجه گرفت که: اولاً - جنگ‌طلبی خارجی درواقع سرپوشی است بر سرکوب و اختناق داخلی.

ثانیاً - بدون جنگ و اختناق رژیم منفور خمینی هیچ شانس برای ادامه‌ی حکومت ندارد.

اما از همه‌ی اینها مهمتر، این حقیقت است که اگر رژیم شاه توانسته باشد به مدد شکنجه و ساواک بر اریکه‌ی قدرت باقی بماند و سرنگون نگردد، رژیم خمینی نیز خواهد توانست از دست مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران پگریزد و جان سالم بدر ببرد! لذاست که قویاً باید تأکید کنم: ولو خمینی هر روز چند پست بازرسی و مقر جدید گمیت و بسیج دایر کند، رزمندگان مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی اکنون قادرند هر سد و دیوار نظامی و حلقه‌ی پلیسی را درهم شکسته و با انهدام دژخیمان سرکوبگر راه قیام خلق را هموار کنند.

همچنین تأکید می‌کنم که بدنبال انتقال مقر مرکزی ما به خاک همسایه و استقرار رزمندگانمان در قرارگاهها و پایگاههای جدید مرزی، چشم‌انداز پیشرفت و اعتلای این مقاومت عادلانه‌ی تاریخی پیوسته روشن و روشن‌تر می‌گردد و دور نیست روزی که دشمن پلید ضد بشری به آن اذعان کند. دور نیست که دسته‌دسته رزمندگان پرشور آزادی به آمادگی‌های لازم دست یابند.

البته طی مدت گذشته برای احراز آمادگی بیشتر و هموار گردن راه پیشروی با شداخت و تنگناهای فراوان مواجه بودیم. دشمن و مزدوران و متحدان رسمی و غیررسمی او نیز برای کند کردن پیشرفت‌های انقلاب نوین ایران از هیچ

اگر رژیم شاه توانسته باشد به مدد شکنجه و ساواک بر اریکه‌ی قدرت باقی بماند و سرنگون نگردد، رژیم خمینی نیز خواهد توانست از دست مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران پگریزد و جان سالم بدر ببرد! لذاست که قویاً باید تأکید کنم: ولو خمینی هر روز چند پست بازرسی و مقر جدید گمیت و بسیج دایر کند، رزمندگان مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی اکنون قادرند هر سد و دیوار نظامی و حلقه‌ی پلیسی را درهم شکسته و با انهدام دژخیمان سرکوبگر راه قیام خلق را هموار کنند.

همچنین تأکید می‌کنم که بدنبال انتقال مقر مرکزی ما به خاک همسایه و استقرار رزمندگانمان در قرارگاهها و پایگاههای جدید مرزی، چشم‌انداز پیشرفت و اعتلای این مقاومت عادلانه‌ی تاریخی پیوسته روشن و روشن‌تر می‌گردد.

آزاد و دمکراتیک و پیشرفته، عاری از هرگونه تبعیض و ستم مضاعف، به جمیع حقوق حقه و مساوی خود دست یابند.

۳ - ادامه و تشدید جنگ ضد میهنی با عراق.

مواضع دائماً اعلام‌شده‌ی مقاومت ایران راجع به نحوه‌ی زمینه‌سازی یا چگونگی اوج‌گرفتن جنگ ایران و عراق و قضایای مربوط به صدور بیانیه‌ی صلح در دیماه سال ۶۱ (مابین نایب نخست‌وزیر عراق و مسئول شورای مقاومت ایران) و طرح صلح شورا و پذیرش آن بعنوان مبنای قابل قبولی برای آغاز مذاکرات صلح از سوی طرف عراقی نیازمند تکرار نیست. همچنین فکر می‌کنم همگان از دیدار صلح در بغداد (مابین اینجانب و رئیس‌جمهور عراق) و اطلاعیه‌ی رسمی مربوط به آن مطلعند و می‌دانند که من در آن دیدار نیز از سوی مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران تصریح کردم که البته ما هنگامی که قوای عراقی در خاکمان بودند با آنها

شده است که از مشکلات مسیر بیم و باکی به دل راه ندهد.

اکنون اجازه بدهید بیلان عملکردهای رژیم خمینی را پیگیری کنیم.

۲ - سرکوب مستمر ملیت‌های محروم و اقلیت‌های مذهبی و ملی در سراسر کشور یکی دیگر از سیاهترین عملکردهای حکومت ۸ ساله‌ی خمینی است. بالاخص در کردستان که پیشمرگان مقاوم و مردم زحمتکش آن از آغاز گناهی جز درخواست رفع ستم مضاعف و برخورداری از حق بدست گرفتن اداره‌ی امور داخلی منطقه‌ی خود و خودمختاری در چارچوب وحدت و تمامیت ارضی میهنمان نداشته و ندارند و عاری از هرگونه سیاست‌پیشگی و مذاکره‌جویی و سازش‌پذیری اغلب به ضرورت حیاتی پیوند مقاومت منطقه‌ای با مقاومت انقلابی سراسری وقوف دارند و آینده‌ی خود را نیز در آن می‌بینند. این مردم ستمگشیده و بی‌آلایش دز تجربه‌ی طولانی و مستمر خود بخوبی دریافته‌اند که دستیابی به حقوق حقه‌شان جز با یک جانشین دمکراتیک و مردمی برای کل

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

نمی بینم. هر گس رنج در بیدری و خانه بدوشی را ولو برای مدت کوتاهی گشیده باشد، می تواند وضعیت آوارگی دائمی و چادر نشینی و فقدان حداقل های بهداشتی و رفاهی را دریابد و حالت اهل و عیال و زن و فرزند مردم بی پناه در چنین شرایطی را دریابد. بخصوص وقتی که خانه و خانواده از سوی کمیته چپی و پاسدار و حزب الهی و آخوند و سایر باج گیرها که پیوسته در جان و مال و نوامیس هموطنان جنگ زده ی ما طمع می ورزند، در معرض تهدید باشد. ای ننگ بر خمینی!

در مورد خسارات مالی در طرف ایران باز هم ارقام برسام آور و نجومی است. تا سال گذشته ۳۰۰۰ روستا و ۵۰ شهر ویران شده بود و چنانکه می دانید ویرانی های دائم التزاید همچنان ادامه دارد. در میان انبوه خسارات وارده بر صنایع نفت که تا پایان پنجمین سال جنگ به ۱۶۰ میلیارد دلار بالغ می شد می توان از ۳۰ مخزن نفتی در جزیره ی خارک که جز معدودی از آنها باقی نمانده و ۸ اسکله (از ۱۲ اسکله) که بکلی از میان رفته نام برد.

سال گذشته وزیر کشور خمینی مجموعه ی خسارت های مادی جنگ را ۳۵۰ میلیارد دلار اعلام نمود. امسال وزیر خارجه و نخست وزیر پیشین اسرائیل (*) هزینه های ایران در جنگ با عراق را ۴۰۰ میلیارد دلار اعلام کرد.

حقیقت اینست که خسارات مالی را تا امروز دست کم باید از سر دولت خمینی خائن که هنوز هم به این جنگ ضد میهنی ادامه می دهد حدود ۵۰۰ میلیارد دلار بر آورد کرد. علاوه بر این بودجه ی رسمی جنگ را هم باید در نظر گرفت که تاکنون محققاً از ۷۵۰ میلیارد تومان در گذشته است...

ولی هنوز گنج نشود! کمی صبر کنید تا با ذکر شمعی از اخاذی ها با ابعاد زیان های ناشی از جنگ لعنتی خمینی بیشتر آشنا شویم:

بر اساس محاسبه ی یک کارشناس بانکی میزان این اخاذی ها دست کم معادل بقیه در صفحه ی ۴۴

پاورقی: (*) - شیمون پرز ۳۰ دیماه ۱۳۶۵ نقل از خبرگزاری ها

"عاشورا" و "الفجر" نمود که حدود ۴۵۰۰۰ کشته و ۸۵۰۰۰ مجروح و معلول بر جای گذاشت. روندی که در تمامی سال ۶۳ و قبل از آن نیز ادامه داشت.

بله البته باور کردن عدد ۱/۵ میلیون که نیمی از آنها باید کشته به حساب آورد مشکل است. اما اگر کسی به گورستان های مختلف شهرها و روستاهای ایران نظر کند و یا دقایقی به تماشای فیلم های تلویزیونی مربوط به صحنه های جنگ بنشیند ابعاد فاجعه را بهتر در خواهد یافت.

بنیاد موسوم به شهید در اواخر سال ۶۴ به خمینی گزارش کرده بود که می تواند ۲۳۰،۰۰۰ خانوادگی قربانیان جنگ را با لطایف الحیل و با اعمال فشار به ملاقات خمینی بیاورد. این تعداد البته تمامی

جنگیدیم، اما از روزی که عراق در اواخر بهار سال ۶۱ (یعنی ۴ سال قبل از دیدار صلح) خاک ما را تخلیه نموده و موکداً و مکرراً صلح خواهی خود را اعلام کرد؛ بر آن بوده و هستیم که دیگر هیچ موجبی برای ادامه ی جنگ باقی نمانده است و لذا از آن پس این جنگ دیگر رژیم خمینی با عراق است و نه جنگ مردم ایران با کشور همسایه شان.

در همین راستا در پیام ۲۲ بهمن سال گذشته نیز تأکید کرده بودم که ما بعنوان جانشین رژیم خمینی و بمثابة دولت موقت انتقالی بر همزیستی مسالمت آمیز با همه ی همسایگانمان صرف نظر از ماهیت و نوع رژیم های حاکم بر آنها بر اساس اصول

در این مختصر نمی خواهم مواضع دائماً اعلام شده ی مقاومت ایران راجع به نحوه ی زمینه سازی یا چگونگی اوج گرفتن جنگ ایران و عراق و قضایای مربوط به صدور بیانیه ی صلح در دیماه سال ۶۱ و طرح صلح شورا و پذیرش آن بعنوان مبنای قابل قبولی برای آغاز مذاکرات صلح از سوی طرف عراقی را تکرار کنم. همچنین فکر می کنم همگان از دیدار صلح در بغداد و اطلاعاتی رسمی مربوط به آن مطلعند و می دانند که من در آن دیدار نیز از سوی مقاومت عادلانه ی مردم ایران تصریح کردم که اگرچه ما هنگامی که قوای عراقی در خاکمان بودند با آنها جنگیدیم، اما از روزی که عراق در اواخر بهار سال ۶۱ خاک ما را تخلیه نموده و موکداً و مکرراً صلح خواهی خود را اعلام کرد؛ بر آن بوده و هستیم که دیگر هیچ موجبی برای ادامه ی جنگ باقی نمانده است و لذا از آن پس این جنگ دیگر جنگ رژیم خمینی با عراق است و نه جنگ مردم ایران با کشور همسایه شان.

خانواده های قربانیان را شامل نمی گردید و تنها ۱/۵ خانواده های ثبت شده را در بر می گرفت. بگذریم که انبوهی از قربانیان همچنان مفقود الاثرند.

درباره ی اسرای جنگی نیز باید گفت که بسیاری از این هموطنان ۷ سال است در اسارت بسر می برند و دور از شهر و دیار و خانمان و عزیزان خود نگران آنند که این جنگ لعنتی تا کی ادامه خواهد یافت.

یادآور می شوم که رئیس جمهور عراق در دیدار صلح تابستان گذشته اطمینان داد که به مجرد آمادگی خمینی برای آزاد کردن اسرای عراقی، عراق گلیه ی اسرای ایرانی را آزاد خواهد نمود و تا آن تاریخ نیز تا آنجا که امکان پذیر باشد هموطنان اسیر ما همچون میهمان تلقی خواهند شد.

درباره ی ۳ میلیون آواره ی جنگی نیز - که در مواقع بمباران لااقل ۲ میلیون نفر دیگر از سایر شهرها به آنها اضافه می شود - نیازی به توصیف وضعیت دلخراش آنان

استقلال کامل، تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر تأکید می کنیم. پس جنگ ما یعنی جنگ هر ایرانی میهن پرست و آزاده تنها با دیکتاتوری ضد ملی و ضد مردمی خمینی است که بی دریغ زوزه ی "جنگ، جنگ، اختناق" می کشد.

اما تلفات این جنگ ضد میهنی اکنون تنها در طرف ایران به ۱/۵ میلیون کشته و مجروح و معلول بالغ شده است.

تنها در تهاجم "ضد گریلای" ۵، که البته هنوز رسماً پایان نیافته، خمینی حدود ۱۰۰،۰۰۰ کشته و مجروح و معلول برجای گذاشت.

۲ هفته ی قبل از آن ۵۰،۰۰۰ کشته و مجروح و معلول دست آورد تهاجم "ضد گریلای" ۴ بود. تلفات تنور جنگ خمینی در سال ۶۵ علاوه بر اینها ۳۰،۰۰۰ کشته و ۶۰،۰۰۰ مجروح و معلول دیگر را نیز در بر می گیرد که مربوط به "ضد گریلای" های قبلی است.

در سال ۶۴ نیز خمینی مبادرت به تهاجماتی تحت عناوین "قدس" و "ظفر" و با اصطلاح

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

در جریان یک درگیری گسترده و حماسی بین
رزمندگان مجاهد خلق و پاسداران خمینی دژ خیم
در منطقه ایرانشهر - سراوان فرمانده مزدوران
و ۱۵ تن از آنان بهلاکت رسیدند
و دهها تن از پاسداران بشدت زخمی شدند

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق در استان
سیستان و بلوچستان، روز ۱۹ / بهمن ماه جاری، طی یک درگیری حماسی و
گسترده میان گروهی از رزمندگان دلاور مجاهد خلق با دهها تن از
پاسداران جنایتکار خمینی در حدفاصل ایرانشهر - سراوان، فرماندهی
جنایتکار پاسداران و ۱۵ پاسدار دیگر با آتش سلاح ستمسوز مجاهد خلق
در دم بهلاکت رسیدند و دهها تن دیگر نیز بشدت مجروح گشتند.
این درگیری هنگامی روی داد که سه خودروی حامل رزمندگان مجاهد
خلق، در ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح به تور گستردهی پاسداران ضد مردمی
خمینی که تعداد آنها حداقل به ۶۰ تن می رسید برخورد کردند.

رزم آوران آهنین عزم مجاهد خلق بمحض برخورد با گمین پاسداران
جنایتکار، بر اساس اصل طلبی حداکثر تهاجم، بر مزدوران زبون خمینی
تهاجم کردند و با آتش رگبارهای بی امان سلاح های خود در اولین یورش
حداقل تعداد زیادی از مزدوران را از پای در آورده که ۱۵ تن از آنان
بهلاکت رسیدند. پاسداران زبون که از تهاجم برق آسای رزمندگان مجاهد
خلق بشدت سراسیمه شده بودند، پا به فرار گذاشته و در ارتفاعات اطراف
جاده موضع گرفتند. از این لحظه به بعد و با موضعگیری متقابل رزمندگان
دلاور مجاهد خلق، نبرد سنگینی میان دو نیروی نابرابر آغاز شد که تا
ساعت ۱۱ ادامه یافت.

در جریان این درگیری، پاسداران سرکوبگر، از انواع سلاح های
سبک و نیمه سنگین و منجمله موشک انداز R.P.G تفنگ نارنجک انداز
و تیربار قناسه استفاده نمودند. اما رزمندگان دلاور مجاهد خلق با اتکا
به تهور و جنگندگی بی مانند خود مزدوران زبون دشمن را که بویژه پس
از هلاکت فرمانده شان، روحیهی خود را بشدت باخته بودند، ناچار به
عقب نشینی و فرار زبوانه از صحنهی نبرد کردند.

در جریان این درگیری علاوه بر فرماندهی مزدوران، یک پاسدار
شور و جنایتکار منطقهی سراوان بنام علیرضا خمت که بدلیل سوابق
ننگین و جنایت بارش در تمامی منطقهی بلوچستان و برای مردم
ستمیدهی این خطه چهره ای شناخته شده و منفور است نیز بهلاکت
رسید.

همچنین در این درگیری دو خودروی مزدوران توسط رزمندگان
مجاهد خلق به آتش کشیده شد و بکلی منهدم گردید.

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق در
سیستان و بلوچستان، در جریان این نبرد حماسی و قهرمانانه، دو
تن از رزمندگان مجاهد خلق بنام های مهرداد گلای (ناصر) و
عبدالمجید سلامی (مسیح) و همچنین یکی از هواداران دلیر سازمان
در بلوچستان بنام یارمحمد دلیری، اهل سراوان، شهادت رسیدند،
و سایر رزمندگان پس از عقب راندن و به فرار واداشتن نیروهای
بزدل خمینی، سرفرازانه به پایگاههای خود بازگشتند.

شایان ذکر است که مجاهد شهید یارمحمد دلیری، در جریان
تظاهرات قهرمانانهی مردم ایرانشهر در تاریخ ۱۵ آذرماه گذشته نقش
فعال ایفا نمود

• • •

قائم مقام فرمانده سپاه ضد خلقی خمینی در چاه بهار
و ۲ پاسدار مزدور محافظ وی
با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند

* جواد کریمی جنایتکار قائم مقام فرماندهی سپاه سرکوبگر خمینی در
چاه بهار در حالیکه در مسیر ایرانشهر - چاه بهار در حال تردد بود
مورد تهاجم انقلابی رزمندگان دلاور مجاهد خلق قرار گرفت و به
سزای جنایات ننگین ضد خلقی اش رسید.

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق در
استان سیستان و بلوچستان، یک واحد از رزمندگان دلاور مجاهد
خلق، طی یک عملیات متهورانه قائم مقام جنایتکار فرماندهی سپاه
ضد مردمی خمینی در چاه بهار و ۲ پاسدار محافظ وی را بهلاکت
رساندند.

بر اساس این گزارش در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه روز ۱۵
بهمن ماه جاری، یک واحد از رزمندگان دلاور مجاهد خلق با
متوقف ساختن خودروی فرماندهی سپاه پاسداران ضد خلقی
چاه بهار که در مسیر ایرانشهر - چاه بهار در حال تردد بود،
جواد کریمی جنایتکار قائم مقام فرماندهی سپاه جنگ و جنایت
خمینی در چاه بهار بسزای جنایات ضد خلقی اش رساندند در
جریان این عملیات انقلابی ۲ تن از پاسداران مزدوری که وی را
محافظت می کردند بهلاکت رسیدند. فرماندهی جنایتکار سپاه
ضد مردمی در شهرستان "پیشین" بنام غلامی نیز که سرنشین
همین خودرو بود، با آنکه مسلح بود، در اثنای تهاجم رزم آوران
دلاور مجاهد خلق، زبوانه پا به فرار گذاشته و موقتاً جان سالم
بدر برد.

فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق در سیستان و
بلوچستان در ادامه ی گزارش خود می افزاید: "رزم آوران دلاور
مجاهد خلق پس از مصادره ی انقلابی خودرو فرماندهی سپاه
ضد خلقی در چاه بهار و مصادره ی سلاح های کریمی جنایتکار و
دو پاسدار محافظ او اقدام به عقب نشینی از صحنه ی عملیات
نمودند. در مسیر عقب نشینی خودرو دچار سانحه گردید و یکی
از رزمندگان مجاهد خلق در این سانحه بشهادت می رسد.
بنا به گزارش رسیده، دشمن ضد بشری که از ضربات که
دریافت کرده بود، بشدت وحشت زده و سراسیمه شده بود، در
شرایطی که بخاطر تهاجم دلاورانه ی دو روز پیش رزمندگان
مجاهد خلق به پاسگاه سالار ایرانشهر و گشته و مجروح شدن
چندین تن از مزدورانش در حالت بسیج و آماده باش بسر
می برد، نیروهای خود را جمع آوری کرده و اقدام به تعقیب
رزمندگان مجاهد خلق نمود.

رزم آوران مجاهد خلق پس از سانحه و از دست دادن
خودرو، به کوه های اطراف منطقه ی "سرباز" رفته و در این
منطقه موضع می گیرند و طی یک درگیری گسترده و نابرابر با
نیروهای دشمن ضد بشری درگیر می شوند.

در این نبرد سنگین، دو تن از رزمندگان قهرمان مجاهد
خلق پس از آنکه تا آخرین گلوله با مزدوران جنایتکار خمینی
می جنگند و شماری از آنان را بهلاکت می رسانند، خود در قله ی
شرف و افتخار به شهادت رسیدند.

فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق در سیستان و

بقیه در صفحه ی بعد

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

۴ تن از مزدوران سرکوبگر خمینی

در پاسگاه سالار، واقع در دوراهی ابرانشهر - بمپور

با آتش سلاح ستم‌سوز رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند

رزمندگان يك واحد رزمی مجاهد خلق

پاسگاه بازرسی دشمن در نزدیکی شهرستان بم را

با آتش مسلسل درهم کوبیده و به آتش کشیدند

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق در استان کرمان، رزمندگان دلاور مجاهد خلق در تاریخ ۱۶/بهمن طی یک تهاجم انقلابی به پاسگاه بازرسی بروات واقع در محور کرمان - ابرانشهر، این پاسگاه را با رگبار مسلسل‌های خود درهم کوبیدند.

در تهاجم متهورانه‌ی یک واحد از رزم‌آوران دلاور مجاهد خلق در پست بازرسی پاسداران جنایتکار رژیم، در ورودی شهرستان بم رزمندگان مجاهد خلق مخزن بنزین پاسگاه را نیز هدف رگبار خود قرار دادند که در اثر آن، مخزن مزبور با صدای مهیبی منفجر گردید و شعله‌های سرکش آتش پاسگاه را طعمه‌ی خود ساخت.

گزارش فرماندهی - سیاسی نظامی مجاهدین خلق در استان کرمان حاکیست که رزمندگان دلیر مجاهد خلق پس از پایان این عملیات پیروزمندانه سالم به پایگاه خود بازگشتند. از شمار تلفات دشمن هنوز اطلاع دقیقی نرسیده است.

قائم‌مقام فرمانده سپاه ضد خلقی خمینی در چابهار

و ۲ پاسدار مزدور محافظ وی

با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد خلق

بهلاکت رسیدند

بقیه از صفحه‌ی قبل

بلوچستان در پایان گزارش درباره‌ی این عملیات با نثار دروهای آتشین به رزمندگان دلیر و قهرمان مجاهد خلق که در جریان این عملیات و درگیری قهرمانانه و حماسی بشهادت رسیدند، به مزدوران سرکوبگر خمینی منطقه‌ی بلوچستان که بمنظور خوش‌رقصی برای دژخیم جماران، دست به خون‌رشدترین فرزندان مجاهد خلق آغشته‌اند، قویاً اخطار کرده است که خلق ما از خون فرزندانش هرگز نخواهد گذشت و رزمندگان مجاهد خلق سوگند می‌خورند که مزدوران سرکوبگر را به مجازاتی که شایسته‌ی آنند خواهند رساند. همچنانکه در همین عملیات و درگیری قهرمانانه، بسیاری از مزدوران و منجمله قائم‌مقام فرماندهی سپاه سرکوب و جنایت خمینی در چابهار به مجازات رسیدند.

و سیعلم‌الذین ظلموا ائی منقلب ینقلبون

* * *

* مزدوران سرکوبگر خمینی در این پاسگاه هنگامی که قصد بازرسی یک واحد عملیاتی مجاهد خلق را داشتند مورد تهاجم انقلابی رزمندگان مجاهد خلق قرار گرفتند و ۴ تن از آنان بهلاکت رسیدند و چند تن دیگر مجروح شدند.

"در این نبرد نابرابر یک رزمنده‌ی مجاهد خلق با انفجار متهورانه‌ی نارنجک خویش قهرمانانه بشهادت رسید و چند تن از مزدوران را نیز از پای درآورد.

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق در استان سیستان و بلوچستان، طی یک درگیری مسلحانه میان رزمندگان دلیر مجاهد خلق و مزدوران سرکوبگر خمینی در پاسگاه "سالار" واقع در دوراهی ابرانشهر - بمپور، ۴ تن از مزدوران با سلاح ستم‌سوز رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسیدند و چند تن دیگر از آنان منجمله یک آخوند خمینی صفت بنام نجاتی مجروح شدند.

این درگیری در ساعت ۳ بعد از ظهر دوشنبه ۱۳/بهمن‌ماه جاری و هنگامی که مزدوران سرکوبگر مستقر در این پاسگاه قصد بازرسی و ایجاد مزاحمت برای یک واحد عملیاتی رزمندگان مجاهد خلق را داشتند، روی داد.

در این نبرد نابرابر یکی از رزمندگان مجاهد خلق بنام "خلیل صاحب‌الزمانی" (جمشید) هنگامیکه مجروح شده بود و مزدوران قصد دستگیری وی را داشتند، با انفجار نارنجک خویش و با گشته و مجروح کردن تعدادی از افراد دشمن، قهرمانانه بشهادت رسید. مزدوران دشمن ضدبشری چنان از این اقدام قهرمانانه وحشت‌زده شده بودند که تا هفت ساعت پس از شهادت خلیل قهرمان نیز به‌خاطر ترس از انفجار یک نارنجک دیگر، جرات نزدیک شدن به پیکر بیجان او را نداشتند. در جریان این درگیری دلیرانه، یکی دیگر از رزمندگان مجاهد خلق با مصادره‌ی یک اتومبیل اقدام به خروج از صحنه‌ی نبرد کرد این رزمنده‌ی مجاهد خلق، بر اساس اطلاعات واصله، فردای آنروز به اسارت مزدوران رژیم درآمد.

این عملیات قهرمانانه که طی آن حداقل چهارتن از مزدوران رژیم بهلاکت رسیده و گروهی مجروح شده‌اند، موجی از شادی و سرور در میان مردم محروم و ستم‌دیده‌ی بلوچستان بویژه اهالی ابرانشهر برانگیخته است، کارگزاران پلید و ضد‌مردمی خمینی که از این تهاجم انقلابی بشدت وحشت‌زده شده بودند با اعزام نیروهای سرکوبگر از سایر شهرها به ابرانشهر تلاش نمودند تا شهر را تحت کنترل بگیرند و از انجام عملیات بیشتر توسط رزمندگان مجاهد خلق یا بروز حرکتهای اعتراضی توسط مردم دلیر و بجان‌آمده‌ی ابرانشهر جلوگیری نمایند. ترس و وحشت این مزدوران از فضای ملت‌هت شهر بحدی است که پاسداران وارداتی از سایر شهرها بدلیل بی‌اعتمادی شدید به نیروهایشان، کمیته‌چی‌های محلی را نیز دستگیر می‌کنند.

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

آخرین طرح‌های جنایتکارانه رژیم به منظور اعزام اجباری و به کشتن دادن هر چه بیشتر دانش آموزان در جبهه‌های مرگ

روانه‌ی جبهه‌های مرگ سازند. در این سمینار که روز هشتم بهمن‌ماه و با حضور چندی از فرماندهان جنایتکار سپاه ضد مردمی، معاون امور جنگ وزارت آموزش و پرورش و اعضای ستاد جنگ مدارس تشکیل شده بود، تصمیم گرفته شد که در سطح تمامی دبیرستان‌ها و مدارس راهنمایی پسرانه، حداقل ۲۰ دانش‌آموز و ۲ معلم و پرسنل آموزشی به جبهه‌ها اعزام گردند.

بر اساس بخشنامه‌ای که در ارتباط با این سمینار به کلیه مدارس ابلاغ شده شرکت اعضای ستاد جنگ در این سمینار الزامی تلقی شده بود. در این گردهمایی چگونگی اعزام اجباری دانش‌آموزان، چگونگی اخاذی بیش از پیش از دانش‌آموزان و فرهنگیان مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفت.

در سمینار مزبور همچنین مقرر گردید که دانش‌آموزان اعزامی بایستی سه‌ماه را در جبهه‌های مرگ بگذرانند.

می‌شوند، دانش‌آموزان را با حيله‌های رذیلانه و از طرقی غیر از مدرسه روانه جبهه‌های مرگ می‌نمایند.

کارگزاران جنایتکار خمینی در آموزش و پرورش علاوه بر تعیین سهمیه، بعضی استان‌های کشور را مکلف کرده‌اند که ۵ درصد از دانش‌آموزان اعزامی آنها بایستی اعزام مجدد باشند تا بدون فوت وقت به جبهه‌های مرگ اعزام شوند.

از سوی دیگر کارگزاران جنگ و جنایت رژیم، در سمیناری که بمنظور تسریع در اعزام اجباری دانش‌آموزان و به کشتن دادن آنها در حسینه‌ی ارشاد برگزار کردند، بر اساس دستور خمینی تصمیم گرفتند که مطابق سهمیه‌های تعیین شده، دانش‌آموزان را بطور ضربتی و تا تاریخ بیستم بهمن‌ماه جاری به زور

اعزام اجباری وجود دارد، از گردآوری این تعداد نیرو اظهار عجز کرده‌اند و گفته‌اند نهایتاً با استفاده از هر شیوه‌ی سرکوبگرانه و ضد مردمی، نمی‌توانند بیش از یک‌چهارم سهمیه‌ی مزبور را برای اعزام اجباری تأمین نمایند. در اولین اعزام سپاهیان ضد حضرت محمد بیش از ۴۰٪ از نیروهای اعزامی را دانش‌آموزان تشکیل می‌دادند اما در مراحل دوم و سوم تعداد نیروهای اعزامی و منجمله دانش‌آموزان بنحو چشمگیری کاهش یافت. بطوریکه کارگزاران جنایتکار اعزام اجباری برای حفظ ظاهر، گروهی از نیروها را که برای گذراندن مرخصی از جبهه‌ها آمده بودند بعنوان نیروهای جدید جا زدند.

گزارش رسیده از استان فارس حاکیست که برای این استان یک سهمیه ۹,۰۰۰ نفره تعیین شده و برای گردآوری این میزان نیرو تاکنون چندین جلسه در اداره‌ی کل آموزش و پرورش شیراز برگزار شده است. برای استان زنجان نیز یک سهمیه ۳,۸۰۰ نفری تعیین شده است.

از سوی دیگر مقاومت در قزوین در برابر اعزام اجباری بسیار بالاست بطوریکه در مرحله‌ی دوم و سوم اعزام سپاهیان ضد محمد هیچ نیرویی از این شهر به جبهه‌ها اعزام نشد و تنها روز ششم بهمن‌ماه در یک نوبت ۶۰ نفر از دانش‌آموزان و ۴۰ نفر از معلمین و فرهنگیان بزور روانه‌ی جبهه‌های مرگ شدند.

مجموع اعزامی‌های آموزش و پرورش قزوین از اوایل آذرماه تاکنون به ۲۰۰ نفر می‌رسد. کارگزاران جنایتکار خمینی در آموزش و پرورش وقتی با تجمع خانواده‌ها در مدارس و ادارات آموزش و پرورش و اعتراضات آنان مواجه

گزارشات موثق حاکیست که بدنبال شکست مفتضحانه‌ی رژیم در تهاجمات ضد کربلای ۴ و ۵ و تلفات سرسام‌آور آن که تمامی نقشه‌ها و دعاوی رژیم را نقش بر آب ساخت، بدستور خمینی، کارگزاران جنایتکار رژیم طرح‌های تازه‌ای را بمنظور اعزام اجباری دانش‌آموزان به مسلخ جنگ تدارک دیده‌اند. یکی از این طرح‌های ضد مردمی تعیین سهمیه‌ی اعزام اجباری برای آموزش و پرورش کلیه استان‌های کشور است.

سهمیه‌ی هر استان که توسط وزارت آموزش و پرورش و در مرکز تعیین شده طی بخشنامه‌های مجرمانه‌ای به مدیران کل استان‌های مختلف ابلاغ شده است. بر اساس اطلاعات بدست آمده سهمیه‌ی تعیین شده برای برخی استان‌ها در دهه‌ی موسوم به فجر از این قرار است: استان تهران ۱۴,۵۰۰ نفر، استان مرکزی ۲,۲۰۰ نفر، سهمیه‌ی کل استان کرمان ۵,۰۰۰ نفر که ۱,۶۰۰ تا ۱,۲۰۰ نفر از آنان سهمیه‌ی آموزش و پرورش می‌باشد و سهمیه‌ی کردستان ۲,۰۰۰ نفر، در مورد میزان زیاد سهمیه‌های تعیین شده حتی مدیران کل آموزش و پرورش استان‌های مختلف کشور نیز با توجه به جو مقاومت در میان دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان از گردآوری این تعداد دانش‌آموزان برای جبهه‌های جنگ ابراز ناامیدی کرده و بعضاً مخالفت خود را اظهار کرده‌اند.

بنا بر همین گزارشات برای استان آذربایجان شرقی یک سهمیه‌ی ۱۱,۵۰۰ نفره تعیین شده است که قسمت عمده‌ی آنرا آموزش و پرورش باید تأمین کند، اما کارگزاران جنایتکار رژیم در آموزش و پرورش آذربایجان شرقی با توجه به مقاومت گسترده‌ای که در مقابل

جدیدترین دستورالعمل‌های

نخست وزیر جنایتکار خمینی

جهت اعزام اجباری کارکنان مؤسسات دولتی

به جبهه‌های مرگ

شوم و ضد میهنی "ادای وظیفه‌ی الهی" توصیف گردیده، تأکید شده است که سازمان‌ها و مؤسسات دولتی علاوه بر اعزام حداکثر نفرات به جبهه‌های مرگ، بایستی حداکثر امکانات خود را نیز به منظور تأمین تدارکات جنگ‌افروزی‌های مورد نظر به جبهه‌ها اختصاص دهند. بر اساس گزارشات رسیده، در برخی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی منجمله در بخش‌هایی از شرکت نفت، کارکنان از تسلیم شدن به این تحمیل جنایتکارانه امتناع کرده و به آن اعتراض نموده‌اند و عده‌ی زیادی نیز درصدد استعفا و بازخريد برآمده‌اند.

بدنبال شکست مفتضحانه‌ی رژیم و تلفات سرسام‌آور آن در جریان تهاجم ضد کربلای ۵، رادیوی ارتجاع روز سه‌شنبه ۱۴/ بهمن گزارش داد که نخست‌وزیر جنایتکار خمینی با صدور دستورالعملی، کلیه‌ی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات دولتی و استانداری‌های سراسر کشور را موظف ساخته است که بیشترین تعداد ممکن از کارکنان خود را برای اعزام به جبهه‌های مرگ، در اختیار سپاه ضد حضرت مهدی قرار دهند.

در دستورالعمل جنایتکارانه‌ی موسوی خاغن، پس از دجالگری‌های معمول و ضمن آنکه اعزام اجباری به مسلخ جنگ

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی

جهانی واحد نمودی از عظمت و توان انقلاب نوین ایران است، بهتر نمودار می‌گردد.

علاوه بر افزایش شگفت‌انگیز تعداد شرکت‌کنندگان در تظاهرات امسال، شور و اشتیاق هموطنانمان در مراسم مزبور مشخصاً بالاتر و برجسته‌تر از تمامی موارد پیشین بود و این کیفیت اساساً خود را در ابراز صمیمانه‌ترین و عمیق‌ترین عواطف انقلابی نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران و در غریب شعارهای مرگ بر خمینی، درود بر رجوی و ایران رجوی-رجوی ایران، نشان می‌داد که این خود مشت محکمی بود بر دهان همه اضداد مجاهدین و انقلاب نوین مردم ایران و در رأس همه آنها رژیم ضدبشری و درمانده خمینی. بدین ترتیب متحدین بالفعل ارتجاع خون‌آشام حاکم علیه مجاهدین، -میان‌بازان فرومایه و مرتجعین چپ‌نما و بقایای سوخته و حسرت‌بدل دیکتاتوری تنگین سلطنتی- که بعد از پرواز تاریک‌ساز صلح و آزادی رهبر مقاومت ایران خواب پنبه‌دانه‌ی سوختن مجاهدین را می‌دیدند، بار دیگر بور شدند. بار دیگر مسلم گردید که وقتی یک انقلاب و یک مقاومت به خلق تکیه دارد، علیرغم همه توطئه‌های ارتجاعی و امپریالیستی همواره رو به اعتلا است. بدیهی است که افزایش و رشد کمی و کیفی حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران و رهبری پاکباز مقاومت در میان هموطنان خارج کشور، مستقیماً انعکاس و نمودی از موقعیت رو به اعتلای مقاومت انقلابی در داخل کشور و گسترش روزافزون محبوبیت و اعتبار مجاهدین در میان توده‌های مردم ایران است.

همچنین روشن است که برگزاری پیروزمند تظاهرات جهانی گرامیداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین و افزایش چشمگیر ابعاد کمی و کیفی آن همراه با استقبال شگرف هم‌میهنان مقیم خارج کشور از جهات مختلف حائز اهمیت است و ما در اینجا بطور مختصر به پاره‌ای از ابعاد آن اشاره می‌کنیم:

این برگزار شده است. بطوریکه امسال در بن پایتخت آلمان فدرال شاهد بزرگترین گردهمایی و تظاهراتی بودیم که تاکنون در خارج کشور شکل گرفته است. تجمع و تظاهرات هفت‌هزار نفر از هم‌میهنان در بن، یک حرکت کاملاً بی‌سابقه در تاریخ مبارزات خارج کشور است. که بویژه با ترکیب متنوع جمعیت شرکت‌کننده و کیفیت روحیه مبارزاتی و شور و اشتیاق آنان ممتاز می‌گردید. کیفیتی که البته در تظاهرات سایر کشورها نیز بارز و مشهود بود. جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات عظیم هموطنانمان در پایتخت آلمان حدود سه برابر جمعیت مراسم ۱۹ بهمن سال گذشته در این شهر بود.

در دهلی‌نو پایتخت هند نیز جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات بیش از ۲۵۰۰ نفر گزارش شده است. شمار شرکت‌کنندگان در مراسم امال در بسیاری از کشورهای دیگر نیز نسبت به سال گذشته افزایشی چشمگیر داشت.

در واشنگتن ۳۰۰۰ نفر، در استکهلم پایتخت سوئد ۱۵۰۰ نفر، در لندن هزارنفر و در پایتخت‌های چندین کشور اروپایی دیگر از جمله آمستردام، کپنهاگ، برن، اسلو، مادرید، آتن و سیدنی (استرالیا) نیز هزاران تن از هواداران مجاهدین و ایرانیان مبارز و آزاده‌ای که بخاطر ستم و بیداد خمینی، رنج غربت را به جان خریده و ترک دیار و خانمان کرده‌اند، گرد هم آمدند، تا با گرامیداشت حماسه‌ی گبیر ۱۹ بهمن با سمبل‌های جاودان مقاومت خلق قهرمان ایران، اشرف و موسی، برای از ریشه‌برگندن رژیم پلید و ضدبشری خمینی تجدیدپیمان کنند.

اکنون اگر در نظر آوریم که کل مراسم گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در ۱۷ کشور جهان بطور همزمان و به یک مناسبت و زیر یک پرچم و در مسیر یک آرمان و یک شعار انجام گرفت، آنگاه عظمت این حرکت، که بشابه یک مراسم

روز جمعه‌ی گذشته ۱۷ بهمن‌ماه جاری، تظاهرات، راهپیمایی‌ها و مراسم ایرانیان شریف و آزاده و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در خارج کشور در سالروز عاشورای مجاهدین، حماسه‌ی اشرف و موسی، امال باشکوه و عظمت بی‌سابقه‌ای بطور همزمان در ۱۴ شهر بزرگ آسیا، اروپا، آمریکا و استرالیا برگزار شد و مراسم سه شهر بزرگ دیگر اروپا یعنی پاریس و لیژ و وین نیز در روزهای بعد برگزار گردید. هموطنان مبارزمان با شرکت در تظاهرات، راهپیمایی‌ها، میتینگ‌ها و آکسیون‌هایی که توسط اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور -هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران- ترتیب یافته بود، ضمن گرامیداشت خاطره‌ی تابناک حماسه‌ی عاشورای مجاهدین در ۱۹ بهمن سال ۶۰ و شهادت سبیل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق و آزادی، موسی خیابانی و ۱۸ تن از هم‌زمان پاکبازان، صدای مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران را در سراسر جهان طنین‌انداز کردند.

آنان به شورانگیزترین شکل و بیان، عواطف عمیق و انقلابی خود را نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران مسعود و مریم ابراز کردند و حمایت قاطع خود را از مقاومت انقلابی مسلحانه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی اعلام نمودند.

این حرکت بزرگ و گسترده که در نقاط مختلف جهان صورت گرفت، بازتاب بسیار وسیعی در رسانه‌های خبری و مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های جهان یافته است و حقا جا دارد که مضمون و پیام و اهمیت این حرکت عظیم جهانی را مورد بررسی قرار دهیم.

آنچه در این تظاهرات قبل از هر چیز جلب‌توجه می‌گردد، افزایش چشمگیر تعداد شرکت‌کنندگان آن نسبت به مراسم سال گذشته و سایر راهپیمایی‌ها و مراسمی است که پیش از

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی

در داخل کشور و در میان توده‌های مردم همان شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران است. واقعیتی که تظاهرات گسترده و جهانی گرامیداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین نیز بار دیگر آنرا در انظار جهانیان به اثبات رساند.

و بالاخره نکته‌ی آخر اینکه اکنون هم رژیم خمینی و هم سایر دشمنان آزادی و استقلال ایران این واقعیت را خوب دریافته‌اند که سمت و سوی همه‌ی نیروهایی که حول سازمان مجاهدین خلق ایران در داخل و یا خارج کشور، شکل می‌گیرند، مبارزه‌ی مسلحانه است، یعنی اشکال مختلف فعالیت این نیروها، اعم از تبلیغاتی، مالی و اجتماعی و غیره در جهت پیشبرد مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه برای سرنگونی رژیم خمینی است. درواقع بسیاری از هواداران مجاهدین در خارج کشور نیروهای رزمنده‌ای هستند که برای حضور در صفوف مقدم نبرد لحظه‌شماری می‌کنند. به این ترتیب بسیاری از آنان که این روزها قریادهایشان در پایتخت‌های جهان طنین‌انداز شد، کسانی هستند که فردا دوش‌ب‌دوش انبوه هواداران و رزمندگان سازمان که از نقاط مختلف کشور بسوی قرارگاه‌های رزمی مجاهدین روانه شده‌اند، و همگام با هزاران رزمنده‌ی مسلح و آموزش‌دیده‌ی مجاهد خلق سلاح برخواهند گرفت و غرش مسلسل‌هایشان در فضای میهن خمینی‌زده‌ی ما طنین‌افکن خواهد گردید.

آری دور نیست روزی که خروش حق‌طلبانه‌ی مقاومت عادلانه‌ی خلق قهرمان ایران و غرش مسلسل‌های پیششاران مجاهد خلق، بیت‌العنکبوت خمینی دجال و ضدبشر را بلرزه بیاورند. نیرویی که با آتش توفنده‌ی سلاحش، و با برق اراده‌ی رزمنده‌اش، طومار سیاه حکومت ضدبشری و قرون‌وسطایی دژخیم جباران را درهم خواهد پیچید.

اکنون توجه شما را به گزارشات تظاهرات، مراسم و میتینگ‌های جهانی گرامیداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین جلب می‌کنیم:

پلید و قرون‌وسطایی گتونی محسوب گردد.

۲- این بالندگی و افزایش شگرف نیروهای مقاومت در شرایطی است که رژیم خمینی در باتلاق بحران‌های بیرونی و درونی رژیمش که انعکاس اعتلای مقاومت انقلابی است دست‌وپا می‌زند و با سرعتی شتابان در سراشیب فروپاشی افتاده است. بر ملا شدن بحران لاعلاج بی‌جانیشی که با به زیر کشیدن منتظری ابله از مسند ولایت‌عهدی آشکار شده، بر ملا شدن اقتضاح عالمگیر روابط و معاملات و مبادلات پنهانی تسلیحاتی و اطلاعاتی رژیم با اسرائیل و آمریکا، ورشکستگی مطلق و اوضاع مرگبار اقتصادی، با حدود ۲۰۰ میلیارد تومان گسری بودجه در سال جاری، شکست‌های پی‌درپی و مرگبار تهاجمات اخیر خمینی در جبهه‌های جنگ ضدمیهنی که به پهای دهها و صدها هزار گشته و زخمی تمام شده، از سرگرفته‌شدن جنگ فاجعه‌بار شهرها بدنبال دور جدید تهاجمات تجاوزکارانه‌ی خمینی و اوجگیری بیسابقه‌ی اعتراضات و مخالفت‌های مردمی، بنحوی که امروز قریادهای مرگ بر خمینی و لعن و نفرین به این رژیم پلید را بوضوح می‌توان از هر گوشه‌ی ایران شنید، و بالاخره طرد و انزوای بیسابقه‌ی رژیم خمینی در منطقه و جهان که در جریان کنفرانس سران کشورهای اسلامی در گویت بوضوح نمایان گردید، همه و همه چهره‌ی یک رژیم درهم‌شکسته و محتضر را ترسیم می‌کند که واپسین دمان عمر خود را می‌گذراند و هیچ گورسوی نجاتی هم در جیبش نیست.

۳- همزمان با اعتلای نوین مقاومت مردمی و تشدید جریان فروپاشی رژیم خمینی با افشای جزئیات مزدوری و مواجب‌گرفتن سردمداران جریان‌ات فساد انقلاب و میان‌باز از سازمان سیا، گازت سلطنت بطور تمام‌عیار سوخت و خط استحاله نیز به آخر خط ننگین خود رسید، و بلا مصرف بودن این آلت‌دست‌های استعماری- ارتجاعی با صدای بلند توسط اربابانشان جار زده شد و به این ترتیب دگان آل‌ترناتیو سازی‌های امپریالیستی نیز تخته شد و بیش از پیش به اثبات رسید که تنها جانشین ممکن دمکراتیک- انقلابی برای رژیم رو به مرگ خمینی، با گسترده‌ترین پایگاه اجتماعی

۱- این تظاهرات عظیم جهانی در شرایطی برگزار گردید که پس از پرواز تاریخساز صلح و آزادی رهبر مقاومت ایران و انتقال ستاد فرماندهی مقاومت به جوار خاک میهن، اغلب گادرها و مسئولینی که در زمینه‌ی پیشبرد خطوط سیاسی سازمان و شورای ملی مقاومت در سطح بین‌المللی عهده‌دار مسئولیت بودند، به جوار خاک میهن منتقل شدند و در خدمت پیشبرد خطوط نظامی سازمان و سازماندهی قوای رزمی مجاهد خلق درآمدند. به همین ترتیب بخش عمده‌ای از بدنه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور نیز که از سازمان‌دهندگان تظاهرات و راهپیمایی‌های قبل بودند، بنابه درخواست مصرانه‌شان به پایگاه‌های نظامی سازمان انتقال یافتند و در واحدها و گروهان‌های رزمی مجاهدین و در صفوف مقدم نبرد انقلابی مسلحانه جای گرفتند.

در این شرایط اعداد رنگارنگ مجاهدین و انقلاب نوین ایران گوش خوابانده و خام‌خیالانه گمان می‌کردند که ممکن است در خارج کشور فضایی بدست آورند. اما حقیقت رو به اثبات انقلاب نوین مردم ایران و حقانیت رهبری آن در پیشبرد خطوط انقلابی و مردمی، این خواب و خیال‌های حسرت‌بدلان سوخته و آبروباخته را نقش بر آب گرد و علیرغم انتقال شمار گشیری از گادرها و اعضا و هواداران فعال سازمان و انجمن‌ها از اروپا و آمریکا، نیروهای جایگزین سرعت و با شایستگی مسئولیت یاران خود را به دوش گرفتند، و از عهده‌ی تدارک و سازماندهی این تظاهرات عظیم به بهترین وجه برآمدند. و این خود از یک پتانسیل و جوش انقلابی فوق‌العاده حول محور سازمان مجاهدین خلق ایران و از اعتماد و عشق و ایمانی زاینده و نیروبخش نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران خبر می‌دهد که به حق بایستی آنرا یکی از سرمایه‌های ویژه‌ی خلق انقلابی ما برای بر زمین زدن خمینی و سپس ساختن ایران آزاد و آباد فردا بر ویرانه‌های نظام

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی

طول مسیر راهپیمایی را می‌لرزاند. آنان درحالی که مشت‌ها را گره کرده و یا دست‌ها را بالای سرشان بهم می‌زدند این شعارها را فریاد می‌کردند:

"خمینی، جنگ جنگ اختناق رجوی، صلح صلح آزادی- ایران رجوی، رجوی ایران- قسم به خون اشرف قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی ز پا نشینیم- ۵۰ هزار اعدای ۱۴۰ هزار زندانی ای مرگ بر خمینی"

راهپیمایان پس از طی یک فاصله‌ی ۱/۵ کیلومتری به میدان مونستر وارد گردیدند. سپس در قسمت ابتدایی میدان، رو به جمعیت، آکسیون سمبلیک "صلح" بنمایش گذاشته شد. این آکسیون بطور سمبلیک استقرار صلح و آزادی در ایران و سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی را نشان می‌داد. در این نمایش نیروهای پیشتاز مشعل‌های فروزانی که نشانه‌ی پیروزی محتوم مقاومت بود، در دست داشتند. در پایان این آکسیون سرود صلح توسط جمعیت اجرا گردید و چندین کبوتر به نشانه‌ی استقرار صلح به پرواز درآمدند. سپس پیشتازان به همراه گروهی که با پوشیدن لباس زندانی ۱۴۰ هزار اسیر مقاومت را بخاطر می‌آوردند و گروهی که با لباس‌های سفید خود ۵۰ هزار



روز ۱۹ بهمن، توسط تظاهرکنندگان حمل می‌شد. در میان شرکت‌کنندگان علاوه بر خواهر مجاهد زهرا تیفتکچی عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران، جمعیت فارغ‌التحصیلان هواداران شورای ملی مقاومت، خانواده‌های ایرانی مقیم آلمان، ورزشکاران، تعداد قابل‌توجهی از هموطنان عزیز پیرو سایر ادیان، و همچنین شمار کثیری از پناهندگان ایرانی که حاکمیت رژیم ددمنش خمینی را در ماه‌های اخیر ترک کرده‌اند، بچشم می‌خورد. جمعیت شرکت‌کننده در این تظاهرات از حدود ۱۵۰ شهر و شهرک سراسر آلمان و با صداها وسیله‌ی نقلیه خود را به این تظاهرات رسانده بودند. شعارهای پُرنشین تظاهرکنندگان فضای خیابان‌های

شکوه بی‌نظیری داشت. پیشاپیش تظاهرکنندگان پلاکارد معرفی تظاهرات، پرچم ایران، آرم سازمان مجاهدین و تصاویر رهبری انقلاب نوین مردم ایران مسعود و مریم رجوی و سپس تصاویر و پلاکاردهای اشرف و موسی و ۱۸ تن از همزمان قهرمانشان در ۱۹ بهمن سال ۶۰ حمل می‌شد. همچنین صف منظم و سازمان‌یافته‌ی تظاهرکنندگان با تصاویر رهبری انقلاب نوین مردم ایران که در طرفین آن صداها پرچم ایران و آرم سازمان قرار داشت، آراسته بود. پلاکاردهایی به زبان‌های آلمانی و فارسی مبنی بر محکومیت رژیم جنگ‌طلب خمینی و فروش سلاح به این رژیم ضدبشری و در تایید و حمایت از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و رهبری آن و بزرگداشت

آلمان

بمناسبت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین روز جمعه ۱۷/بهمن/۶۵ در پایتخت آلمان بزرگترین و شکوهمندترین تظاهرات هموطنان ایرانی‌مان که در تاریخ فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی ایرانیان در خارج کاملاً بی‌سابقه بود، برگزار گردید. در این تظاهرات سالگرد حماسه‌ی عقیدتی و میهنی شهادت اشرف زنان مجاهد خلق و سردار خیابانی و هیجده تن از یاران قهرمانشان، با شرکت حدود ۷۰۰۰ تن از هموطنان مقیم آلمان غربی که تعدادشان به ۳ برابر جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات سال گذشته می‌رسید در ساعت ۱۱ صبح در شهر بُن برگزار گردید. برنامه‌ی تظاهرات با خیرمقدم و اعلام یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت خاطره‌ی سمبل جاودان زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی و سایر شهیدان قهرمان ۱۹ بهمن آغاز شد و پس از اجرای دستجمعی سرود ایران‌زمین راهپیمایان در صفوف منظم بحرکت درآمدند. کثرت جمعیت و فشردگی صفوف در تمامی طول مسیر طولانی تظاهرات جلوه و



تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامی داشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید در هم شکستن رژیم در مانده خمینی

آمریکا

روز جمعه ۱۷ بهمن، ۳۰۰۰ تن از هموطنان مقیم آمریکا بمنظور بزرگداشت پنجمین سالگرد حماسه اشرف و موسی، عاشورای مجاهدین در مرکز شهر واشنگتن تظاهرات باشکوهی برگزار کردند.

این تظاهرات ساعت ۱۱ صبح از پارک لافایت (مقابل کاخ سفید) با مقدمه ای در توضیح مناسبت تظاهرات آغاز گردید و سپس نوار قسمتی از سخنرانی خواهر مجاهد مریم رجوی در رابطه با شان و منزلت اشرف زنان مجاهد خلق و نیز قسمتی از نوار صحبت سردار موسی خیابانی و همچنین بخشی از رازونیا ز رهبر انقلاب نوین ایران برادر مجاهد مسعود رجوی در شهادتگاه سیدالشهداء و طلب یاری او از مردم ایران برای سرنگونی خمینی پخش گردید.

پس از اجرای دستجمعی سرود فرمان مسعود، مادر رضائی های شهید پشت تریبون قرار گرفت و پس از یادآوری خاطره ای شهدای ۱۹ بهمن و ثمرات خونشان که باعث شد نقاب دجالیست و مردم فریبی از چهره ی خمینی برگرفته شود، به ضرورت پشتیبانی هرچه بیشتر از مقاومت و مجاهدین خلق ایران اشاره کرد و خطاب به شرکت کنندگان در تظاهرات گفت: "فرزندان عزیزم! امروز بیش از هر زمان دیگر این کلمات موسی که در آخرین نامه اش قبل از شهادت نوشت، برای من پرمعنا شده است. او نوشته بود با چنین نیروهای سرشار از عشق و ایمانی که ما داریم بدون شک بر این پیروفتار خون آشام و دارودسته ی پلید او پیروز خواهیم شد. شب تیره در حال پایان و صبح روشن پیروزی در شرف طلوع است. مرگ بر خمینی - درود بر رجوی".

و هموطن دیگری می گفت: این تظاهرات نسبت به تظاهرات قبلی خیلی فرق داشت. انگار وارد مرحله ی جدیدی شده ایم. مراسم با پخش قسمتی از پیام



آمریکا



ان



تهران

شهید جاودان راه آزادی خلق را تداعی می کردند، در میان شور و شوق و ابراز احساسات جمعیت شرکت کننده در تظاهرات پایکوبان در وسط میدان، پیروزی محتوم مقاومت علیه رژیم ضدبشری خمینی را تجسم بخشیدند. و برای رسیدن به این هدف یکصدا با فریاد شعار ایران - رجوی، رجوی - ایران با رهبری انقلاب نوین مردم ایران؛ تجدید عهد کردند.

در پایان این مراسم قطعنامه ی سراسری اتحادیه ی انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور بمناسبت تظاهرات پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین قرائت گردید که مواد آن با فریادهای حمایت انبوه جمعیت مورد تأیید قرار گرفت. این تظاهرات گسترده و بی نظیر، شرکت کنندگان در راهپیمایی و خبرنگاران و شهروندان آلمانی را بشدت تحت تأثیر قرار داده بود. یکی از هموطنان می گفت: بوی میهن و آزادی ایران را حس کردم. این سومین تظاهراتی است که در آن شرکت می کنم و این تظاهرات سرنگونی خمینی را بیش از هر زمان نوید می دهد.

یکی از شهروندان آلمانی با تعجب می گفت: "فقط در آلمان ۷ هزار طرفدار فعال دارید؟ این خیلی جالب است، شما نیروی پیروز ایران هستید"

خبرنگار روزنامه ی ترجمان می گفت: "تا حالا تظاهراتی بدین پرشوری ندیده بودم"

یکی از هموطنان می گفت: این نکته برایم اثبات شده است که سازمان تنها نیروی مستقل و زنده ای است که اکنون شایسته ی هرگونه حمایت است. اگر دشمن اصلی، خمینی است و مخالف اصلی او نیز مجاهدین هستند پس باید با تمام نیرو از آنان حمایت کرد.

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی



که توسط انبوه جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات تکرار می‌شد، توجه هر ناظری را بخود جلب می‌کرد. بویژه این شعار تظاهرکنندگان به زبان انگلیسی که می‌گفت "نه جنگ، نه خمینی، نه سلاح برای خمینی"، توجه و حمایت شهروندان آمریکایی را برمی‌انگیخت. آنان به نشانه‌ی حمایت و همبستگی با مقاومت ایران این شعار را تکرار می‌نمودند یا دستشان را به علامت آرزوی موفقیت بلند می‌کردند. یک خانم مسن آمریکایی درحالیکه در حاشیه‌ی صفوف تظاهرات حرکت می‌کرد با صدای بلند شعار می‌داد و از عابریان آمریکایی که در کنار پیاده‌رو نظرشان به جمعیت جلب شده بود با حرکات مداوم دست دعوت می‌کرد که به صف تظاهرات ملحق شوند و شعار بدهند. همچنین موقعیکه صف تظاهرکنندگان از کنار یک ساختمان نیمه‌تمام رد می‌شد، تعدادی از کارگران از طبقه‌ی چهارم ساختمان با تکان دادن کلاه‌های خود و مشت کردن دست خود با تظاهرکنندگان اعلام همبستگی کردند و این صحنه‌های پرشور، توجه همه‌ی ناظران را بشدت جلب می‌کرد.

بهزاد نظیری و اعظم ریاحی و قهرمانان ملی ورزش ایران پهلوان مسلم اسکندر فیلابی، دکتر محمد قربانی و برادر مجاهد محسن رضائی عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران حضور داشتند. در طول صفوف تظاهرات پلاکاردهایی حمل می‌شد که بر روی آن به زبان‌های فارسی و انگلیسی شعارهایی مبنی بر حمایت از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و رهبری آن، برقراری صلح و آزادی در ایران و محکومیت رژیم جنگ‌افروز و ضدبشری خمینی نوشته شده بود. همچنین شعارهای پرطنین مرگ بر خمینی- درود بر رجوی و ایران رجوی- رجوی ایران

خواهر مجاهد مریم رجوی، عکس‌هایی از سمبل‌های حماسه‌ساز مقاومت ایران اشرف و موسی و همچنین پرچم برافراشته‌ی ایران و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران در پیشاپیش آنان حمل می‌شد و درحالیکه گروه موزیک سرود صلح را می‌نواخت با شعارهای انقلابی بحرکت درآمدند.

درپیشاپیش صفوف راهپیمایان مادر رضائی‌های شهید، برادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی و پروفسور هادی مهابادی (نماینده‌ی شورا در کانادا)، محمدحسین حبیبی (نویسنده مبارز و متعهد)، مجاهدین شکنجه‌شده

آنگاه جمعیت شرکت‌کننده با شعارهای کوبنده‌ی "قسم به خون اشرف، قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی ز پا نشینیم" عزم و آمادگی خود را برای مبارزه تا سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی ابراز داشتند.

سپس برادر مجاهد سرهنگ خلبان بهزاد معزی پشت تریبون قرار گرفت. وی در سخنرانی خود که با استقبال گرم و پرشور شرکت‌کنندگان روبرو شد گفت: "در سالگرد شهادت پرافتخار شهیدان کبیرمان اعلام می‌کنم که تا پایان دادن به این جنگ ضدمیهنی، ضدملی و ضدایرانی و استقرار صلح و آزادی در میهن عزیزمان ایران، یکدم از پای نخواهیم نشست و محکم و قاطع تحت فرمان رهبری نوین انقلاب مسعود و مریم خواهیم بود تا ایران‌مان را از لوٹ وجود خمینی پلید و دارودسته‌ی جنایتکارش پاک کنیم."

در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه انبوه جمعیت شرکت‌کننده در راهپیمایی در صفوف فشرده‌ی ۱۵ نفره درحالیکه تصاویر بزرگی از رهبری انقلاب نوین ایران برادر مجاهد مسعود رجوی و



تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش بر طنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی

این تظاهرات که نمایندگان مهمترین رسانه‌های خبری و منجمله خبرگزاری‌های رویتر، آسوشیتدپرس، یونایتدپرس و تلویزیون C.B.S و N.B.C آمریکا و خبرنگاران روزنامه‌ی گاردین و حریت ترکیه از آن گزارش و فیلم تهیه کردند، در ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت لندن، پس از قرائت قطعنامه و در میان ابراز احساسات شدید ایرانیان شرکت‌کننده در تظاهرات نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران مسعود و مریم رجوی به پایان رسید.

سوئد

روز ۱۷ بهمن بیش از ۱۵۰۰ نفر از هموطنان شریف و آزاده‌ی مقیم سوئد، در سرمای شدید استکهلم گرد آمدند تا با خاطره‌ی شورانگیز عاشورای مجاهدین و حماسه‌ی کبیر اشرف و موسی تجدید پیمان کنند.

در این تظاهرات علاوه بر ایرانیان مقیم سوئد بسیاری از ایرانیانی که بتازگی توانسته‌اند از حاکمیت ننگین خمینی خارج شوند، شرکت داشتند. در هنگام شروع تظاهرات سرود فرمان مسعود پخش شد و به شرکت‌کنندگان خیرمقدم گفته شد. سپس در ساعت ۱۲ بوقت محلی، راهپیمایی از میدان "سرگل" استکهلم با نظم چشمگیر آغاز گردید. راهپیمایان در سراسر مسیر تظاهرات پلاکاردهایی در حمایت از رهبری انقلاب نوین ایران برادر مجاهد مسعود رجوی و خواهر مجاهد مریم رجوی و عکس‌هایی از حماسه‌آفرینان عاشورای مجاهدین، سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق موسی خیابانی و نیز پلاکاردهایی مبنی بر محکومیت ارسال سلاح برای رژیم جنگ‌افروز خمینی با خود حمل



حمل می‌شد. تظاهرکنندگان با غریو شعارهای "ایران رجوی، رجوی ایران" "سلاح آمریکایی، سرکوب ارتجاعی، دیگر اثر ندارد - خمینی ضد خلق، از آتش مسلسل، راه فرار ندارد" "خروش خلق ایران همیشه توفنده باد، مسلسل مجاهد همیشه غرنده باد" همبستگی خود را با جنبش مسلحانه و مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران بر علیه دیکتاتوری سفاک خمینی ابراز می‌نمودند. نکته‌ی چشمگیر تظاهرات انگلستان عزم و جوش انقلابی شرکت‌کنندگان و نظم صفوف تظاهرکنندگان بود که توجه جمعیت کثیری از شهروندان انگلیسی را که ناظر بودند جلب کرده بود. مادی که در این تظاهرات

پس از اینکه تظاهرکنندگان به محل پایانی (که همان محل شروع تظاهرات بود) رسیدند قطعنامه‌ی تظاهرات به زبان فارسی و انگلیسی قرائت گردید و جمعیت شرکت‌کننده هر بند آنرا با ابراز احساسات پر شور خود مورد تأیید قرار می‌دادند.

گزارش دریافتی حاکی است که بیش از ۶۰ خبرنگار از ۴۰ رسانه‌ی خبری مختلف در تظاهرات و راهپیمایی باشکوه پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین "حماسه‌ی اشرف و موسی" در واشنگتن حضور داشتند و به تهیه‌ی عکس و فیلم و گزارش پرداختند. اخبار و گزارشات این تظاهرات به همراه عکس و فیلم آن بفاصله‌ی چند ساعت در خبرگزاری‌های بین‌المللی و در مهمترین رسانه‌های خبری آمریکا وسیعاً انعکاس یافت.

انگلستان

بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالروز حماسه‌ی تاریخی ۱۹ بهمن (عاشورای مجاهدین) روز جمعه ۱۷ بهمن از ساعت ۲ بعد از ظهر تظاهراتی با شرکت بالغ بر ۱۰۰۰ تن از هموطنان ایرانی مقیم انگلیس از میدان راسل لندن آغاز گردید. مراسم راهپیمایی پس از خوش‌آمدگویی و اعلام برنامه و پخش سرود ایران زمین، آغاز شد. در پیشاپیش صفوف تظاهرات تصاویر بزرگ رهبری انقلاب نوین مردم ایران مسعود و مریم، عکس‌هایی از سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق موسی خیابانی و همچنین پلاکاردهایی مبنی بر محکومیت اعزام اجباری کودکان و نوجوانان به جبهه‌های مرگ و در محکومیت ارسال سلاح برای رژیم خمینی و ابراز حمایت از مقاومت مسلحانه‌ی سراسری و رهبری آن



تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درممانده خمینی



سوئد

خمینی هرچه زودتر سرنگون شده تا آقای رجوی سرکار بیایند و ما به وطنمان برگردیم." بنابه گزارشات دریافتی از دهلی‌نو، گروهی از شخصیت‌های برجسته هندی نیز در راهپیمایی سالروز عاشورای مجاهدین شرکت داشتند و در پایان راهپیمایی سخنرانی کردند. منجمله آقای راج‌بالدو رئیس مجمع ائتلاف ملی هند، آقای لاکسی نارین رهبر اتحادیه کارگری در هند و از نمایندگان مجلس عوام حزب کنگره (حزب جاکم)، آقای کی‌کی شوکلا رهبر بزرگترین اتحادیه کارگری هند (H.M.F.) -شاخه دهلی- آقای گوپینا مرکوتی از وکلای برجسته هند و رهبر یک سازمان مهم حقوقی می‌توان نام برد.

سخنرانان در نطق‌های خود همبستگی و حمایت خود را نسبت به مقاومت عادلانه مردم ایران، به رهبری برادر مجاهد مسعود رجوی اعلام کردند و رژیم ضدبشری خمینی را محکوم نمودند.

سخنرانی

آقای راج‌بالدو رئیس مجمع ائتلاف ملی هند

آقای راج‌بالدو در قسمتی از سخنرانی خود گفت: "تظاهرات امروز در حمایت از آقای رجوی و خانم مریم رجوی می‌باشد ایندو رهبران واقعی ایران هستند و علیه رژیم خونخوار خمینی مبارزه می‌کنند. این تظاهرات در حمایت از صلح برعلیه جنگ نیز هست، جنگی که نه تنها برای هر دو کشور عراق و ایران زیانبار است، بلکه برای کشورهای اسلامی و جهان‌سوم نیز زیانبار می‌باشد. در این جنگ سربازان ایرانی بیگناه بخاطر جنگ بی‌معنی گشته

حرکت کرد. در پیشاپیش صفوف منظم تظاهرکنندگان پرچم سمرنگ ایران، آرم سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران، تابلوی بزرگ تصویر رهبری انقلاب نوین ایران مسعود و مریم رجوی و تصاویر بزرگی از سمیل زن انقلابی مجاهد خلق اشرف رجوی و سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی در حرکت بود. در طول مسیر راهپیمایی استقبال مردم دهلی از تظاهرات و شعارهای راهپیمایی بویژه از شعارهای "مرگ پر خمینی- درود بر رجوی" و نیز شعار "ایران رجوی- رجوی" ایران بسیار گرم و پرشور بود و مردم این شعارها را تکرار می‌کردند در طول مسیر هزاران نفر از مردم دهلی ضمن ابراز حمایت از تظاهرات، تراکت‌های توضیحی را با علاقه مطالعه می‌کردند.

یکی از هموطنان می‌گفت "دلم نمی‌آید با اینهمه شور و اشتیاق و عظمت تظاهرات، پرچم ایران را یک لحظه آرام نگذارم. حالا فهمیدم که خمینی چرا از مجاهدین می‌ترسد"

همچنین یک هموطن ارمنی در جواب به سؤالی راجع به علت شرکتش در تظاهرات گفت: "ما اقلیت‌های مذهبی بخاطر شرایط ایران مجبور شده‌ایم از کشور خارج شویم ولی امیدواریم که

قرار گرفت. تظاهرات در ساعت ۲ و ۳ دقیقه بعد از ظهر به وقت محلی با پخش سرود صلح پایان یافت.

هند

روز جمعه ۱۷/بهمن در پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین، تظاهرات و راهپیمایی باشکوهی بمناسبت گرامیداشت این روز تاریخی در دهلی‌نو پایتخت هندوستان با جمعیتی بیسابقه برگزار شد.

تعداد شرکت‌کنندگان در این تظاهرات که علاوه بر هموطنان شریف و آزاده‌ی مقیم هند، شمار قابل توجهی از مردم آزادیخواه و صلحدوست هند را نیز در بر می‌گرفت؛ به بیش از ۲۵۰۰ نفر می‌رسید. و این تظاهرات پرشکوهرترین تظاهراتی بود که تاکنون توسط ایرانیان در هندوستان برگزار گردیده است. هموطنانی که در این تظاهرات شرکت کرده بودند مسافت‌های طولانی را برای رسیدن به محل تظاهرات پشت‌سر گذاشته بودند و برخی از آنان می‌گفتند که برای این منظور ۳۸ ساعت راه، را با قطار طی کرده‌اند! صفوف تظاهرکنندگان در ساعت ۱۲ بوقت محلی با نظم چشمگیر از میدان راملیلای دهلی‌نو آغاز به

می‌نمودند. همچنین پرچم‌های سمرنگ ایران و آرم پرافتخار سازمان مجاهدین خلق ایران در طول صف تظاهرکنندگان جلب‌نظر می‌نمود. در تمامی مسیر راهپیمایی شرکت‌کنندگان در تظاهرات خشم و کینه‌ی انقلابی خود را نسبت به رژیم ضدبشری خمینی و عشق و علاقه به رهبری انقلاب نوین مردم ایران را با شعارهای پرطنین مرگ بر خمینی، درود بر رجوی و ایران رجوی، رجوی ایران ابراز می‌نمودند. یکی از شرکت‌کنندگان در تظاهرات با ابراز خوشحالی از شرکت فعال ایرانیان در تظاهرات می‌گفت: "تمامی این تلاش‌ها و شور و شفع را مدیون رهبری سازمان هستیم."

تعداد زیادی از مردم استکهلم که مجذوب شکوه این تظاهرات و شعارهای پرشور تظاهرکنندگان شده بودند، در پیاده‌روها و یا از پشت پنجره‌ها با تظاهرکنندگان ابراز همبستگی می‌کردند.

بنا به گزارش دریافتی، در این راهپیمایی جامعه‌ی متخصصین و فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم سوئد و همچنین آقای مهدی صدیق‌زاده نماینده‌ی شورای ملی مقاومت نیز شرکت داشتند.

تعدادی از خبرنگاران و عکاسان رسانه‌های سوئد مانند خبرگزاری سراسری این کشور T.T و روزنامه‌ی پرتیراژ و مهم داگنزی‌هیترو و چندین روزنامه‌ی محلی سوئد در تظاهرات و راهپیمایی شرکت داشتند و به تهیه‌ی عکس و گزارش از این مراسم پرشور پرداختند.

در انتهای تظاهرات و پس از تجمع مجدد هموطنان در میدان "سرگل" قطعنامه‌ی سراسری تظاهرات به زبان‌های فارسی و سوئدی قرائت گردید که مورد استقبال و حمایت شدید حاضرین

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش بر طنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی

دستجمعی سرودهای فرمان مسعود و گل توفان اشرف و فرمان موسی، تظاهرات در ساعت ۲ و ۳ دقیقه بعد از ظهر در میان تشویق و ابراز احساسات شدید شرکت‌کنندگان نسبت به رهبری انقلاب نوین ایران مسعود و مریم رجوی پایان رسید.

هلند

تظاهرات و راهپیمایی بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین با شرکت حدود ۴۵۰ تن از هم‌میهنان شریف و مبارز مقیم هلند روز جمعه ۱۷/بهمن در هوای سرد و بارانی آمستردام که با توفان شدید نیز همراه بود با شور و حرارت بسیار برگزار شد. علیرغم شرایط جوی نامناسب هموطنان ایرانی از ۱۳ شهر هلند با طی مسافت‌های طولانی خود را به محل تظاهرات واقع در میدان دام در شهر آمستردام رسانده بودند. تظاهرات در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر با خواندن دستجمعی سرود ایران زمین آغاز شد سپس آقای مارتن فان ترا دبیر روابط بین‌المللی حزب کارگر هلند که در تظاهرات شرکت کرده بود، سخنرانی نمود و مراتب حمایت حزب خود را از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران به رهبری برادر مجاهد مسعود رجوی اعلام کرد.

او گفت: "من اینجا هستم تا برای شما و مقاومتان آرزوی موفقیت بکنم برای ایرانی دمکراتیک و بهتر برای مردان و زنان انسان‌دوست. آرزویی برای پایان جنگ و پایان نقض حقوق بشر در ایران. از جانب حزب کارگر هلند برای شما آرزوی موفقیت می‌کنم." آنگاه پس از اجرای دستجمعی سرود فرمان مسعود،

همان محل شروع بازگشت. آنچه در این تظاهرات بسیار چشمگیر بود کمیت بی‌نظیر این تظاهرات نسبت به تظاهرات برگزار شده قبلی در دانمارک و همچنین شور و اشتیاق جمعیت بود که لاینقطع شعار می‌دادند. جمعیت بویژه شعارهای "ایران رجوی، رجوی ایران" و "قسم به خون اشرف، قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی زپا نشینیم" را با شور خاصی تکرار می‌کردند. بسیاری از شرکت‌کنندگان در این تظاهرات از شهرهای مختلف دانمارک خود را به این مراسم رسانده بودند گروهی از شهروندان دانمارکی که برای دیدن این تظاهرات در اطراف میدان شهرداری این شهر تجمع کرده بودند، بسیار تحت تاثیر تظاهرات پرشور ایرانیان در هوای سرد و در زیر باران شدید، قرار گرفته بودند و با تکان دادن دست تظاهرکنندگان را تایید و همراهی می‌کردند.

در پیشاپیش صفوف تظاهرات پلاکارد توضیح اهداف تظاهرات به زبان دانمارکی حمل می‌شد و پشت سر آن به ترتیب پرچم ایران و آرم سازمان پرافتخار مجاهدین و عکس‌های رهبری انقلاب نوین مردم ایران و نیز تصاویر سمبل زن انقلابی مجاهد خلق اشرف رجوی و سردار شهید خلق موسی خیابانی حمل می‌شد. و پلاکاردهایی نیز، با مضمون محکومیت معاملات تسلیحاتی محرمانه و مفتضحانه رژیم خمینی با آمریکا و اسرائیل و همچنین محکومیت جنگ‌طلبی خمینی و حمایت از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران علیه خمینی به رهبری مسعود و مریم حمل می‌گردید. در پایان این مراسم قطعنامه‌ی تظاهرات به زبان‌های فارسی و دانمارکی قرائت گردید و پس از خواندن

تایمز آو ایندیا و روزنامه‌ی استیتس من و ایونینگ نیوز شرکت داشتند و خبر برگزاری این تظاهرات در بسیاری از رسانه‌های مهم خبری هند منعکس گردید.

دانمارک

روز جمعه ۱۷/بهمن‌ماه تظاهرات باشکوه و بی‌سابقه‌ی ۷۰۰ تن از هموطنان ایرانی مقیم دانمارک به منظور بزرگداشت خاطره‌ی شهادت سمبل زن انقلابی مجاهد شهید



اشرف رجوی و سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی و نیز حمایت از مقاومت انقلابی مسلحانه‌ی مردم ایران به پیشتازی مجاهدین خلق ایران و به رهبری مسعود و مریم رجوی در هوای سرد و بشدت بارانی شهر کپنهاک برپا شد. این تظاهرات از میدان شهرداری در مرکز شهر در ساعت ۱۲ به وقت محلی آغاز گردید و پس از اعلام برنامه و خوشآمد به شرکت‌کنندگان، با سرود ایران زمین و توضیح اهداف تظاهرات ادامه یافت. پس از انجام راهپیمایی در خیابان‌های اصلی شهر صفوف تظاهرکنندگان در ساعت ۳ و ۱ دقیقه بعد از ظهر به

می‌شوند." وی در انتهای سخنانش گفت که "آقای رجوی در سرتاسر دنیا از سمپاتی زیادی برخوردار است و من او را در فرانسه ملاقات کردم و از ملاقات و ابتکارش برای «صلح» حمایت نمودم."

در پایان این راهپیمایی و تظاهرات باشکوه که یکی از بزرگترین تظاهرات غیربومی در این کشور محسوب می‌شود، قطعنامه‌ی سراسری اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان

خارج از کشور (هواداران مجاهدین خلق ایران) قرائت گردید که با دست‌زدن‌ها و شعارهای ایران رجوی- رجوی ایران و مرگ بر خمینی درود بر رجوی توسط هموطنان آزاده شریف مقیم هند مورد استقبال و تایید قرار گرفت.

در راهپیمایی پرشکوه هند مداد قابل توجهی از خبرنگاران و فیلمبرداران و کاسان خبرگزاری‌های بین‌المللی نمایندگان مهمترین رسانه‌های ببری در هند منجمله خبرنگاران صدای آمریکا، B.B.C، نیایتد اینترنشنال، ایندیا سپرس، دو خبرگزاری ند P-T-I و UN.I،

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید در هم شکستن رژیم در مانده خمینی

سرود فرمان مسعود آغاز گردید و آنگاه جمعیت با نظم چشمگیری و در حالیکه طول صف به ۲۵۰ تا ۳۰۰ متر می رسید، راهپیمایی خود را آغاز کرد. شعارهای خروشان انقلابی و میهنی منجمله شعار ایران رجوی- رجوی ایران توجه مردم اسلو را کاملاً به خود جلب کرده بود.

در طول مسیر راهپیمایی که امسال برای اولین بار در نروژ برپا می شد، ابراز همبستگی مردم نروژ با مقاومت عادلانه ی مردم ایران بسیار جالب و چشمگیر بود. مردم اسلو با وجود سرمای هوا و بارش باران در دو طرف مسیر راهپیمایان ایستاده و با کف زدن و شعار دادن از تظاهرکنندگان حمایت می کردند، و گروهی از آنان نیز به صفوف راهپیمایان پیوستند. تظاهرکنندگان پس از طی خیابان اصلی شهر در مقابل پارلمان نروژ متوقف شدند و در حالیکه غریو شعارهای ایران رجوی- رجوی ایران در فضا طنین انداز بود قطعنامه ی تظاهرات قرائت گردید. بنا به گزارش رسیده، این راهپیمایی و تظاهرات، انعکاس گسترده ای در رسانه های خبری در نروژ داشت. تلویزیون نروژ در اخبار سراسری خود، خبر آن و صحنه هایی از مراسم را پخش کرد، همچنین رادیوی نروژ مصاحبه ای با آقای پرویز خزایی نماینده ی شورای ملی مقاومت ترتیب داد و در برنامه ی خبری خود نیز، گزارشی از این تظاهرات پخش نمود.

اسپانیا

تظاهرات و راهپیمایی گروه کثیری از ایرانیان شریف و آزاده ی مقیم اسپانیا، بمناسبت پنجمین سالگرد حماسه ی اشرف و موسی، در ساعت ۱۱ صبح روز جمعه ۱۷ بهمن ماه در میدان آنتون مارتین واقع بقیه در صفحه ۳۸

KRO - NCRV - VARA روزنامه های محلی نیوزآودواخ، اترنئس نیوزبلاد برای تهیه ی عکس و گزارش از جریان راهپیمایی حضور داشتند.

نروژ

مراسم بزرگداشت پنجمین سالگرد حماسه ی اشرف و موسی در اسلو پایتخت نروژ با شرکت گروه کثیری از هواداران سازمان و ایرانیان آزاده ی مقیم این کشور که از نقاط مختلف نروژ به این شهر آمده بودند برگزار شد. این تظاهرات باشکوه و بی سابقه در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه بوقت محلی در ایستگاه راه آهن مرکزی اسلو و با اجرای دستجمعی

حساب های همه ی آنها را بهم ریخت.

در قسمت پایانی مراسم، قطعنامه ی سراسری تظاهرات قرائت گردید. و مراسم در میان شعارهای پرشور و احساس هموطنان ایرانی که یکصدا فریاد می زدند "با مسعود با مریم، همسنگر همپیمان می جنگیم تا پایان" در ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه با اجرای سرود دستجمعی "قسم" به پایان رسید.

در این تظاهرات پرشور و هیجان انگیز، گروهی از خبرنگاران و عکاسان رسانه های خبری بین المللی و هلندی منجمله آسوشیتد پرس (A.P)، خبرگزاری رسمی هلند A.N.P و ANEFO و رادیوهای سراسری

صفوف منظم راهپیمایان در حالیکه پلاکاردهای معرفی، پرچم ایران و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران و تصاویر رهبری انقلاب نوین مردم ایران مریم و مسعود رجوی و تصاویر سمبل و سردار مقاومت اشرف و موسی را حمل می کردند شعارهای خروشان انقلابی و میهنی را تکرار می نمودند، بحرکت درآمد.

در مسیر تظاهرات شعارهای "مرگ بر خمینی، درود بر رجوی"، "۵۵ هزار اعدای ۱۴۰ هزار زندانی ای مرگ بر خمینی" "ایران رجوی- رجوی ایران" بصورتی پرطنین و همراه با طبل و سنج و کف زدن جمعیت به زبان های فارسی و هلندی تکرار می شد.

در طول مسیر راهپیمایی، گروه هایی از مردم هلند در اطراف تظاهرکنندگان گرد آمده و با شور و اشتیاق از آنان استقبال می کردند. تعدادی از مردم هلند نیز به صف راهپیمایان پیوسته و بدین ترتیب حمایت و همبستگی خود را با مقاومت عادلانه ی مردم ایران علیه دیکتاتوری قرون وسطایی و ضدبشری خمینی ابراز نمودند.

یکی از خانم های ایرانی شرکت کننده در تظاهرات می گفت: "اینجا با مجاهدین آشنا شدم با این هوای سرد و طوفانی اصلاً فکر نمی کردم این همه جمعیت شرکت کند و الان می خواهم بگویم تنها سازمانی که می تواند خمینی را نابود کند مجاهدین هستند به همین خاطر از هیچ کمکی به سازمان نباید فروگذار کرد."

یکی از هواداران سازمان می گفت: مجاهدین با همین تظاهرات تودهنی محکمی به همه ی اضداد مجاهدین که کاری جز تلاش برای به انفعال کشاندن ایرانیان در خارج کشور ندارند، زد و

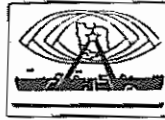


نروژ



نروژ

مصاحبه سیمای مقاومت با خانم مریم متین دفتری



مصاحبه‌ی سیمای مقاومت با خانم مریم متین دفتری از مؤسسين جبهه‌ی دموکراتیک ملی ایران و عضو هیئت نمایندگی این جبهه در شورای ملی مقاومت ایران، در هفته‌ی اول بهمن‌ماه جاری از سیمای مقاومت پخش گردید. در اینجا متن این مصاحبه را که صرفاً از حالت گفتار به نوشتار تبدیل شده، ملاحظه می‌کنید.

سؤال: خانم متین دفتری با توجه به اینکه شما در جلسات شورای ملی مقاومت شرکت می‌کنید، در مورد شورا و مناسبات درونی آن برای بینندگان سیمای مقاومت توضیحاتی بدهید.

جواب: حقیقتش من از بدو تأسیس شورا در جلسات شورا شرکت نکردم. منتها چون عضو شورای جبهه‌ی دموکراتیک ملی بودم همیشه در رابطه‌ی نزدیک با شورا بودم. به هر حال با دوستان و رفقا و دیگران که عضو شورای ملی مقاومت بودند در تماس دائم بودم و از طریق آنها، رواقع از آنچه که در شورا می‌گذشت باخبر بودم. از زمانی که خودم شاهد و ناظر جلسات شورا بودم، همیشه جلسات شورا شور و تفاهم و حسن‌نیت و محیمیت برگزار شده است. در برد مسائلی که مهم نیست که بشود تا همه به نطه‌نظرهای مشترک برسند، با شخص ضرورت‌ها، واقعاً یک اهم کلی روی مسائلی بوجود آید. ببینید، در شورا همه‌ی خای شورا رای مساوی دارند. ازمان‌ها و گروههای سیاسی عضو را حق وتو دارند. پس در یچه هیچ تصمیمی در درون را نمی‌تواند گرفته شود مگر که با توافق همگی باشد. اغلب سات شورا بسیار طولانی است اغلب مسائلی که پیش می‌آید به ر و بحث گذاشته می‌شود در راجع به آنها بحث می‌شود اینکه بالاخره یک مخرج مشترکی ا شود و همه بتوانند در این نه به یک اتحاد عملی برسند. هیچکس هم نظرش را تحمیل دیگری نمی‌کند. این خودش نمونه‌ی بارزی است در تمرین

دموکراسی برای ایران آینده که سازمان‌ها و گروههای سیاسی و اجتماعی با داشتن طرزفکر و افکار و نظرات مختلف بتوانند در کنار هم قرار بگیرند و در واقع راجع به مسائل اساسی که حفظ حقوق جامعه است و در واقع آزادی و استقلال میهن ما را تأمین می‌کند، به تفاهم برسند. اصلاً مسئله این است که افراد مختلف، با عقاید مختلف، بتوانند با همدیگر تفاهم کنند. این یک نمونه‌ای است که بتوانند در کنار هم بنشینند و نظرات مخالف را بشنوند و همدیگر را تحمل کنند.

سؤال: خانم متین دفتری دستاوردهای شورا در زمینه‌ی احقاق حقوق زنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: البته به نظر من این خود زنان هستند که باید مسائل خودشان را بررسی کنند و با واقع‌بینی و تعهد نسبت به اجتماع، گره‌گشایی بکنند و راه رسیدن به مساوات با مردان را پیدا بکنند. شورای ملی مقاومت همگی تضمین‌ها را داده و خواهد داد. ببینید در دورانی که مصائب عمده‌ی اجتماعی گریبانگیر مردم است، زن و مرد دوش به دوش هم برای دفع این مصائب مبارزه می‌کنند ما نمونه‌ی بارزش را دیدیم که در ممالک دیگر، در جنبش‌های رهاثینبخش، زنان مبارز دوش به دوش مردان مبارزه کردند ولی وقتی که آزادی در دسترس بوده، درست موقتی که امکان داشته زنان هم مثل مردان از امتیازاتی که استقلال و آزادی برای بشر به ارمغان می‌آورد بهره‌برداری بکنند، درست در همان موقعیت بخاطر مسائل سنتی، بخاطر عقباتدگی‌هایی که در اجتماع

هست، به این هدف نرسیدند. ولی در واقع شورای ملی مقاومت با تضمینی که برای احقاق حقوق زن داده و بطور مشخص مسئله‌ی زنان را مطرح کرده راهی باز کرده که چنین واهمه و ترسی برای فردای ایران وجود ندارد. از این گذشته، زنان مبارز ما که در زندان‌ها، در شکنجه‌گاهها، در جبهه‌ی نبرد علیه خمینی شرکت می‌کنند، زنانی که درواقع بعنوان ستون فقرات قامل و خانواده هستند و پسرشان، پدرشان، بچه‌هایشان را برای مبارزه با خمینی و مبارزه با ظلم و استبداد بسیج می‌کنند، فردا طبیعی است که حقشان را نمی‌گذارند پایمال شود. با این حال فکر می‌کنم باید هنوز خود زنان باشند که کوشش کنند و در این امر پیگیر باشند.

سؤال: خانم متین دفتری همانطور که اطلاع دارید بعد از انقلاب ایدئولوژیکی درونی مجاهدین خواهر مجاهد مریم رجوی در جایگاه رهبری قرار گرفت. می‌خواستم نظرتان را درباره‌ی این امر و تأثیرات اجتماعی آن بپرسم.

جواب: بنظر من قرارگرفتن خانم مریم رجوی در سطح رهبری سازمان مجاهدین یک عمل بسیار مثبت و مهمی بوده است. صرفنظر از اینکه خانم مریم رجوی صلاحیت و قابلیت رسیدن به یک‌چنین مرتبتی را دارد، این اولین‌بار است که در مملکت، در سطح سازمان‌های سیاسی راه برای رهبری یک زن، رهبری سیاسی یک زن، باز شده است. ببینید بخاطر همان ستم مضاعفی که از نظر اجتماعی زن با آن روبرو بوده است از مردها عقب مانده و برای حقوقی که بین زن‌ها و مردها مشترک است، همیشه تلاش کرده و دست آخر هم سهم کمتری به او رسیده است. سازمان مجاهدین تنها سازمانی است که به این امر در مملکت ما توجه کرده و از نظر جنبش زنان در

فردای ایران بسیار مهم است که راه را یک نیروی مقاومت [باز می‌کند]. نیروی مقاومتی که زنانش دوشادوش مردان برای آزادی و استقلال میهنشان مبارزه کردند، زنانی که در جنبش ما در مقاومت شرکت کردند، دوشادوش مردان جامعه با ظلم و ستم جنگیدند، زندان رفتند، شکنجه شدند، آواره شدند، فرزندان را، شوهرشان را، خانواده‌شان را از دست دادند؛ الان می‌بینم که راهی برایشان باز شده و می‌توانند درواقع برای احقاق حقوق خودشان مبارزه کنند. اینکه شما می‌پرسید چه اثری در سطح جامعه داشته، این یک مسئله‌ای است که نیاز به زمان دارد و شاید یک‌شبه نشود ره صدساله را رفت. زنان قدرتمندی هم بودند در ممالک مختلف در سطح رهبری جامعه، خانم آکینو در فیلیپین، خانم تاجر در انگلستان، خانم نخست‌وزیر قدرتمندی بود در هند، ولی هیچکدام اینها به تنهایی مسئله‌ی زنان را، تساوی زن با مرد را در جامعه حل نکردند. اینها به‌رحال رسوبات جامعه و سنت‌ها است. باید با کل آن مبارزه کرد و زمان می‌برد. مسئله این است که راه برای آزادی زن باز شود. من فکر می‌کنم درواقع رهبری مریم رجوی این موقعیت مثبت را در اجتماع ما بوجود بیاورد.

سؤال: وضعیت زنان میهنان در حاکمیت ضدبشری خمینی چگونه است؟

جواب: والله زنان ما در حکومت خمینی فکر می‌کنم دچار ظلم و ستمی شدند که بی‌سابقه بوده است. درست است که مرد و زن در جامعه‌ی ما توسط رژیم متحجر خمینی حقوقشان تضییع شده، ولی زنان سهم بیشتری از این فشار و اختناق بردند. ببینید، زنان ما از دوران مشروطیت به بعد برای احقاق حقوقشان مبارزه کردند. بعد شهریور ۲۰ در دانشگاهها باز کردند و وارد دانشگاه و اسم‌نویسی کردند. خمینی در دانشگاه بقیه در

آغاز فعالیت جامعه متخصصین

وفارغ التحصیلان ایرانی در انگلستان

ضدامپریالیست برای حفظ رژیمش اینبار علناً به آغوش «شیطان بزرگ» پناه می‌برد و نمایندگان او را به ایران دعوت می‌نماید و معادلات منطقه‌ای چنان دستخوش تغییر می‌گردد که «رژیم اشغالگر قدس» بی‌وقفه به «امید مستضعفان جهان» سلاح می‌دهد تا «از طریق گریلا قدس! را فتح» نماید.

جامعه متخصصین و فارغ التحصیلان ایرانی (هواداران شورای ملی مقاومت) در انگلستان، با انتشار بیانیه‌ای، ضمن اعلام موجودیت این «جامعه»، حمایت خود را از شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران، ابراز نمود.

متخصصین و فارغ التحصیلان ایرانی مقیم انگلستان در بیانیه‌ی خود پس از مرور تاریخچه‌ی مبارزات خلق قهرمان ایران از انقلاب مشروطیت به اینسو، تحلیلی از شرایط کنونی ایران و موقعیت انقلاب نوین مردم ایران ارائه داده و منجمله می‌نویسند: «پروژه‌ی مبارزه‌ی بین خلق و ارتجاع و رشد روزافزون مبارزه‌ی مسلحانه، فرمان تسلیح عمومی مسئول شورای ملی مقاومت را همراه می‌آورد که آتش بر جان ارتجاع و حامیان داخلی و خارجی‌اش می‌اندازد... همچنین پرواز تاریخساز رهبر مقاومت و انقلاب دمکراتیک نوین ایران آقای مسعود رجوی بجوار خاک میهن و حضورش در کنار مبارزین نبرد انقلابی مسلحانه، چنان شوری بپا می‌سازد که امام باصطلاح

جامعه‌ی متخصصین و فارغ التحصیلان ایرانی (هواداران شورای ملی مقاومت) در انگلستان، با انتشار بیانیه‌ای، ضمن اعلام موجودیت این «جامعه»، حمایت خود را از شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران، ابراز نمود.

متخصصین و فارغ التحصیلان ایرانی مقیم انگلستان در بیانیه‌ی خود پس از مرور تاریخچه‌ی مبارزات خلق قهرمان ایران از انقلاب مشروطیت به اینسو، تحلیلی از شرایط کنونی ایران و موقعیت انقلاب نوین مردم ایران ارائه داده و منجمله می‌نویسند: «پروژه‌ی مبارزه‌ی بین خلق و ارتجاع و رشد روزافزون مبارزه‌ی مسلحانه، فرمان تسلیح عمومی مسئول شورای ملی مقاومت را همراه می‌آورد که آتش بر جان ارتجاع و حامیان داخلی و خارجی‌اش می‌اندازد... همچنین پرواز تاریخساز رهبر مقاومت و انقلاب دمکراتیک نوین ایران آقای مسعود رجوی بجوار خاک میهن و حضورش در کنار مبارزین نبرد انقلابی مسلحانه، چنان شوری بپا می‌سازد که امام باصطلاح

مصاحبه‌سیمای مقاومت با خانم مریم متین دفتری

بقیه از صفحه‌ی قبل

خمینی و سرکوب عامی زنان روبرو شد. تا جایی که امروز ما می‌بینیم برای بهره‌برداری از زنان و بهره‌بردن از رای که به صندوق برای حکام رژیم خمینی می‌ریزند، بعنوان پشت‌جبهه از آنها استفاده می‌کنند. خلاصه بگویم، در رژیم خمینی از هیچ ظلم و فشاری بر زنان کوتاهی نکرده‌اند.

سؤال: خانم متین دفتری بنظر شما زنان میهن ما در قبال رژیم خمینی چه باید بکنند و چه نقشی را برعهده بگیرند؟

جواب: با مقاومت باید همراهی کنند. باید بر علیه جنگ تبلیغ کنند، برای صلح تبلیغ کنند. زنان در صفوف مقدم مقاومت نقش خودشان را محرز کرده‌اند ولی بطور عمده زنان می‌توانند در پشت‌جبهه‌ی مقاومت نقش بزرگی را ایفا کنند. می‌توانند علیه جنگ تبلیغ کنند؛ می‌توانند از صلح حمایت کنند؛ می‌توانند از شورای ملی مقاومت حمایت کنند؛ می‌توانند از رزمندگان مجاهد حمایت کنند؛ می‌توانند درواقع امکانات - هر جور امکانات - مالی و معنوی در اختیارشان بگذارند؛ می‌توانند در پشت جبهه، مقاومت منفی بکنند و در یک کلام اگر بخواهم خلاصه بکنم ندای مرگ بر خمینی را باید سر بدهند.

به روی اینها بسته است. یعنی درواقع در پیشرفت و امکان فراگیری را بر روی زنان جامعه‌ی ما بسته است. ما در جهان سوم مملکت پیشرفته‌ای هستیم. درصد زنان باسواد جامعه‌ی ما کم نیست. با این حال تمام حقوق اکتسابی زنان ما را خمینی پایمال کرد. از بین برد. از آنها پس گرفت. ببینید با زنان مبارز ما چه کرده است: از توهین، تجاوز، شکنجه، اعدام و اعدام زن باردار تا شنیع‌ترین واقعات شرایط و وضعیتی که من هر بار در روزنامه‌ها خاطرات دختران مجاهد را یا خاطرات زنانی که چند صباحی در زندان‌های خمینی گذرانده‌اند را می‌خوانم پس از مدتی آنچنان فشار ذهنی‌ام زیاد می‌شود که حتی تحمل پذیرش آنها را ندارم. حتی احساس می‌کنم که می‌خواهم یک پرده‌ی فراموشی روی این مصائبی که زنان ما تحمل می‌کنند، بکشم. ببینید انقلاب می‌توانست موجب رهایی زنان ما شود. زنان زحمتکش و محروم جامعه‌ی ما در دوران انقلاب از قید و بندهای سنتی رها شدند. به خیابان آمدند و درواقع برای آزادی در مبارزه شرکت کردند. در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت کردند. ولی خیلی سریع این حرکت انقلابی زنان با سوءاستفاده‌ی عمال رژیم

تهاجم شکست خورده ضد کربلای ۵

۱۵۰ هزار تلفات از اتباع ایران بجای گذاشت

به گزارش خبرگزاری رویتر، (۹/ بهمن) رژیم خمینی از آغاز تهاجم ضد کربلای ۵ در نوزدهم دیماه گذشته که با هدف تصرف بصره آغاز شد و به شکست کامل انجامید، تاکنون بیش از ۱۵۰ هزار نفر تلفات متحمل شده است.

گزارش خبرگزاری‌ها همچنین حاکیست که سخنگوی وزارت دفاع آمریکا با استناد به تصاویر ماهواره‌ای از جبهه‌های جنگ اعلام کرد که عراق ابتکار عمل را در نبردهای جبهه‌های جنوبی که رژیم خمینی برای تصرف بصره براه انداخته بود در دست گرفته است.

سخنگوی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که ارتش عراق مواضع استراتژیک را تسخیر کرده و نیروهای رژیم خمینی را مجبور به ترک جایای کوچک خود در خاک عراق واقع در غرب دریاچه‌ی ماهی که در ابتدای تهاجم تصرف نموده بود کرده است. بگفته‌ی سخنگوی وزارت دفاع آمریکا نیروهای خمینی از یک جزیره‌ی متعلق به عراق نیز عقب رانده شدند.

خبرگزاری فرانسه (۱۲/ بهمن) نیز به نقل از ستاد فرماندهی ارتش عراق گزارش داد که این کشور در روز شنبه یازدهم بهمن مواضع دو طرف کانال آب‌رسانی دریاچه‌ی ماهی و همچنین جنوب غربی این دریاچه و اطراف رودخانه‌ی جاسم را از رژیم خمینی باز پس گرفته است. همین خبرگزاری به نقل از وزیر دفاع عراق افزود که در جریان این جنگ‌ها ۸۰ هزار تن از نیروهای خمینی کشته شده‌اند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در اختیار گرفتن مجدد این بخش از خاک عراق توسط نیروهای عراقی که رژیم خمینی با تحمل تلفات بسیار در ابتدای تهاجم ضد کربلای ۵ تصرف نموده بود به آنها امکان کنترل جنوب دریاچه‌ی ماهی و نوار مرزی بین ساحل شرقی این دریاچه و مرز را خواهد داد.

در همین حال خبرگزاری رویتر گزارش داد که نیروهای عراق، جاده شلمچه را نیز که قبلاً نیروهای رژیم خمینی در آنجا مستقر شده بودند به کنترل خود درآورده‌اند.

رویتر می‌افزاید: نیروهای عراق چند حمله‌ی خود را از روز جمعه ۱۰/ بهمن شروع کردند و مناطقی را که از دست نیروهای رژیم خمینی گرفته‌اند از نظر لجستیکی برای آنان حائز اهمیت است.



گزیده مطبوعات جهان

ایل جورناله - ایتالیا

۵ فوریه / ۸۷

il Giornale

Una «pasionaria» contro gli ayatollah

دیدار در رم

با فاطمه رمضانی عضو سازمان مجاهدین

یک «پاسیوناریا» علیه آیت‌الله‌ها

رم - فاطمه رمضانی در سازمان مجاهدین خلق ایران که بر علیه "بلای" دیکتاتوری آیت‌الله‌ها مبارزه می‌کند، مسئولیت بزرگی را بعهده دارد: او دبیر روابط بین‌المللی و عضو هیئت اجرایی این سازمان است. سازمانی که مثل یک دولت مخفی عمل می‌کند...

شوهر سابقش در زندان اوین، در تهران درحالیکه شکنجه‌گران خمینی او را شکنجه می‌کردند کشته شد. خواهر و شوهرخواهرش در حین یک درگیری مسلحانه شهید شدند، یعنی بوسیله پاسداران کشته شدند...

فاطمه رمضانی که در حال سفر به چند پایتخت اروپایی است، به رم آمده و فردا در یک میتینگ مقاومت ضدخمینی که از طرف انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی برای بزرگداشت پنجمین سالگرد شهادت دو تن از رهبران ارزشمند مجاهدین یعنی اشرف رجوی و موسی خیابانی ترتیب داده شده است شرکت می‌نماید.

خانم، بنظر شما واقعاً خمینی در حال پیروزی در جنگ خلیج بر علیه عراق می‌باشد؟

رم - "رژیم خمینی وعده‌ی پیروزی را تا پایان سال تقویم ایرانی، که ۲۱ مارس پایان می‌یابد، اعلام کرده بود. برای دست یافتن به این هدف که سرپوشی بر بهران‌های داخلی می‌باشد، قوانین سختی را برای ادامه‌ی جنایات جنگی‌اش بتصویب رساند که منجمله اعزام اجباری بچه‌هایی را که حتی قادر به بدست گرفتن یک تفنگ هم نیستند را توجیه کند.

بدلیل بالا بودن مخالفت‌ها، پاسداران به دستگیری‌های گسترده‌ای (برای اعزام به جبهه‌ها) دست زدند، در طول ۳ ماه ۱۳ هزار جوان دستگیر شدند، اما پیروزی بدست نیامد. بعکس برای پیروی تنها ۲ یا ۳ کیلومتر بطرف بصره ده‌ها هزار نفر گشته شدند. در طول تابستان گذشته با تبلیغات زیاد تشکیل «سپاه محمد» متشکل از صدهزار نفر اعلام شده بود. ولی درحالیکه تهاجمات موسوم به «گریلای ۴» و «گریلای ۵» با استفاده از جان انسان‌ها شروع شده بودند از «سپاه محمد» دیگر صحبتی به میان نمی‌آید. خانم رمضانی با لحن

تند توضیح می‌دهد می‌توان گفت که این لحن مسیح‌گونه برای یک اروپایی تقریباً ناراحت‌کننده است. ولی این ناراحتی مدتش کوتاه است. چرا که کافیت یک لحظه به سرنوشتی که مجاهدین در این جنگ چریکی بسوی آن می‌روند اندیشه کرد...

فاطمه رمضانی بازگو می‌کند: "اخیراً ۲ تن از شخصیت‌های شوم رژیم را از بین بردیم: در دوم ژانویه گذشته، در شهر مشهد شخصی بنام حسین قانع‌گلایان، شکنجه‌گر بیرحم مخالفین رژیم، کشته شد. وی به "جلاد مشهد" معروف بود. و همچنین در شهر اهواز در ۱۹/ژانویه آخوند طباطبایی که از مسئولین شکنجه‌های وحشی و اعدام‌های دستجمعی بود از بین رفت."

خانم رمضانی، همه معتقدند که عراق نمی‌تواند جنگ را ببرد، حال شما مجاهدین چطور فکر می‌کنید که رژیم خمینی سقوط خواهد کرد؟

"بنا به همان دلایلی که رژیم سلطنتی شاه سقوط کرد؛ این خلق ایران خواهد بود که قیام نموده و او را به گیفر خواهد رساند. باید در نظر گرفت که خمینی نسبت به شاه خیلی بیشتر منفور شده است و بسیار بیشتر هم حاکمیتش بی‌ثبات می‌باشد. مقاومت روز بروز در تمام اقشار جامعه بهتر سازماندهی می‌شود. یک جبهه‌ی منسجم و پرچم‌پوش است که روز بروز افزایش قدرت می‌یابد. شرایط اقتصادی ایران وخیم است و در سال ۱۹۸۶ درآمد ارزی ۷۵٪ کاهش داشته است.

مقارن با اجلاس‌های اخیر سران کشورهای اسلامی در گویت، خمینی بر روی پیروزی نظامی با قصد منتفی کردن هرگونه صحبتی از صلح حساب کرده بود که نه تنها به آن دست نیافت و نه فقط تلفات انسانی سنگین بودند، بلکه تضادهای حاد درونی رژیم را بصورت تصاعدی رشد خواهد داد.

درباره‌ی این تضادهای درونی دو مثال می‌زنم: رئیس دیوانعالی موسوی اردبیلی، رفسنجانی را متهم نمود که مسئول شماره یک شکست می‌باشد، و منتظری که بعنوان جانشین خمینی انتخاب شده بود، به گنار گذاشته شده و به عبارتی مقامش را گرفته و به گنارش زده‌اند..."

باید ذهن را روی جنایات خمینی متمرکز کرد تا سمپاتی انسان برای این "پاسیوناریا" باحجاب برانگیخته شود. بهرحال یک چیز مسلم است: مجاهدین به طرق خودشان به دمکراسی معتقدند (یک دمکراسی چندبُعدی با گرایشات متعدد) و آنان میهن‌پرستان شجاعی هستند. و تنفیری که نسبت به آیت‌الله پیر و بیرحم دارند کاملاً بخاطر این است که یکی از آنها نیست که به معنای واقعی کلمه به زندان سفت و سخت، شکنجه یا اعدام خانواده‌ها آشنا نباشد. ارقام تقریبی بوضوح صحبت می‌کنند: تا بحال رقم مجاهدین اعدام‌شده ۵۰ هزار تن می‌باشد و آنهایی که در زندان هستند یعنی جایی که شکنجه بطور روزانه اعمال می‌شود متجاوز از ۱۴۰,۰۰۰ نفر هستند.

خانم رمضانی، چرا به ایتالیا آمدید؟
"بخاطر اینکه به حمایت افکار عمومی جهان نیازمندیم وقتی که مطبوعات غرب اعتراضات ما را بازگو می‌کنند خمینی بخشم می‌آید. و (همینطور بخاطر) شرکت در میتینگ فردای رُم که قرار بود این میتینگ با یک تظاهرات عمومی در میدان سانتی‌آپوستولی همراه باشد. ولی شهربانی این تظاهرات را «بدلایل نظم عمومی» ممنوع کرد. خبری که مسلماً آیت‌الله را خوشنود خواهد کرد..."

*

پاورقی: *

* «پاسیوناریا» نام یک زن قهرمان در مبارزات ضدفاشیسم در اسپانیا است که وجود خود را فدای مبارزه می‌کند.

تلویزیون سراسری شبکه ۳ - ایتالیا

۶ فوریه/۸۷

را نفی کرده بود، چندصد نفر از مخالفین رژیم آخوندها جمع شده‌اند. رضانی عنوان کرد که نیروهای مقاومت برای خاتمه دادن به جنگ و استقرار صلح تلاش می‌کنند. کاری که در عهده‌ی رژیم حاکم بر تهران نیست. اکنون امواج انسان‌ها است که بر زمین می‌افتند و ده‌هزار تن کشته می‌شوند. تظاهراتی مشابه تظاهرات رُم، در سایر کشورهای اروپا نیز برگزار گردیده است.

*

به فاصله‌ی ۸ سال بعد از سقوط شاه، ایران در صحرای بیرون بصره متوقف شده است. اقتصاد ورشکسته است و مقاومت مجاهدین به رهبری مسعود رجوی آماده است یک قیام جدید مردمی که قادر به سرنگون ساختن خمینی باشد را به اجرا درآورد. این فاطمه رضانی است که صحبت می‌کند وی بعبارتی وزیر خارجه‌ی مجاهدین است در یک سالن در رُم پس از اینکه پلیس اجازه‌ی تظاهرات در فضای سرباز

رادیو جی/آتره - ایتالیا

۶ فوریه/۸۷

که سقوط رژیم آیت‌الله‌ها منجمله بخاطر اینکه ادامگی جنگ با عراق جان ایرانیان را به لب رسانده، نزدیک است. او گفت که ایران از شروع جنگ در سال ۱۹۸۱ متحمل یک میلیون کشته و زخمی شده است. فاطمه رضانی همچنین در مورد سرکوب سیاسی در کشور بیلانی عرضه نمود و گفت که در ۶ سال اخیر ۵۰ هزار مخالف رژیم اعدام و ۱۴۰ هزار نفر دستگیر شده‌اند.

اپوزیسیون رژیم خمینی آماده است تا قیام عمومی را با استفاده از بحران شدیدی که کشور با آن مواجه است، سازماندهی کند. این را فاطمه رضانی، یک مقام جنبش مقاومت ضدخمینی مجاهدین خلق در رُم گفت. رضانی برای شرکت در تظاهرات ایرانیانی که در کشور ما زندگی می‌کنند در پایتخت ایتالیا بسر می‌برد. مسئول مجاهدین توضیح داد

عمومی را تشدید کرده است. علیرغم ۵۰،۰۰۰ اعدام و ۱۴۰،۰۰۰ زندانی سیاسی، رژیم در سرکوب جنبش مقاومت شکست خورده است. مجاهدین خلق، به رهبری مسعود رجوی، بیش از ۲۰۰ حرکت را در سال گذشته سازماندهی کرده، و آخرین آنها یک راهپیمایی توسط ۵۰،۰۰۰ نفر از ساکنین تهران در ۱۵/اکتبر/۱۹۸۶ بود.

مطمئناً مردم ایران هیچ آمیدی به هرگونه اعتدال و رفم از طرف آخوندهای قرون وسطایی ندارند. هیئت حاکمه کاملاً پیرو سیاست‌های سرکرده‌ی ظالم خود می‌باشند و آنها را سازگار با طرز تفکر عقب‌مانده‌شان می‌دانند و آگاهند که خمینی هیچ نوع مخالفتی را تحمل نمی‌کند...

۷ سال بعد از اینکه او یک انقلاب مردمی را دزدید، این مکار عمامه‌بسر با سقوط غیرقابل اجتناب روبروست. هر کوشش برای نزدیکی با آمریکا در حال حاضر نتایج جبران‌ناپذیری خواهد داشت. بعلاوه، رژیمش دارای حداقل انسجام و ثبات سیاسی نیست که حتی به چنین تغییر سیاست گذشته‌ای بیاندیشد. از نظر داخلی، خمینی می‌بیند که همراهانش دارند یکدیگر را می‌بلعند. در خارج، او بخاطر جنایت و جنگ‌طلبی محکوم است. درست همانطور که سیستم فاسد سلطنتی بعد از شاه دوام نیاورد، بعد از رفتن خمینی حکومت منفور ملاها هم باقی نخواهد ماند. اما این فرضیه که [بعد از

بقیه در صفحه ۳۶



گزیده مطبوعات جهان

میامی هرالد - آمریکا

۲۴ فوریه/۸۷

The Miami Herald

When Khomeini leaves stage,
so do his extreme policies

وقتی خمینی صحنه را ترک کند،

آنوقت سیاست‌های افراطی‌اش تمام خواهد شد

بقلم: علی صفوی

بدنبال داستان مجادله‌آمیز فروش سلاح آمریکایی به رژیم تروریست خمینی، عده‌ای سعی کرده‌اند این "علامت حسن‌نیت" را با ارائه‌ی دلایل زیر توجیه کنند: ۱- ایران از نظر ژئوپولیتیک و استراتژیک مهم است؛ ۲- خمینی سیاست صدور ترورش را اصلاح کرده است؛ ۳- بنظر می‌رسد مدره‌ها در جنگ داخلی قدرت دست بالا را بدست آورده‌اند و ۴- خمینی ممکن است بزودی بمیرد و هرج و مرج متعاقب آن تمامیت ارضی ایران و ثبات منطقه‌ی خلیج فارس را تهدید می‌کند.

هیچکس در مورد اهمیت ژئوپولیتیک و استراتژیک ایران شکی ندارد اما این بحث باید همینجا متوقف شود. جغرافی خط‌مشی نمی‌سازد؛ دولت‌ها این کار را می‌کنند. خمینی برای مردم ایران و خاورمیانه چیزی جز مرگ و ویرانی به ارمغان نیاورده است. اگر ایرانی‌ها برای تنفر از شاه یک دلیل داشتند آنها برای مخالفت با خمینی هزار دلیل دارند. از زمان سرقت قدرت در سال ۱۹۷۹ خمینی برای حفظ حاکمیت نامشروعش متکی به ایجاد بحران بوده است.

وقتی جنگ شروع شد خمینی از این بحران جدید بعنوان "یک جنگ مقدس و یک موهبت الهی"

استقبال کرد. این آخوند آدمکش اعدام‌های دستجمعی مخالفین را تحت عنوان "ریشه‌کن کردن عوامل امپریالیسم" توجیه کرده و هواداران مجاهدین را قبل از اعدام در پرچم آمریکا می‌پیچید. در ضمن، صدور ترور و خشنونت همواره وسیله‌ی مؤثری برای دستیابی به هدف‌های سیاست خارجی بوده‌اند. رژیم تروریست‌ها را آموزش داده و به سراسر دنیا بمنظور گسترش "انقلاب اسلامی" اعزام می‌کند. آنها گروگان گرفته‌اند، ساختمان‌ها را بمب‌گذاری کرده‌اند، به فرودگاه‌ها حمله کرده‌اند، هواپیماهای مسافربری را ربوده‌اند و دیپلمات‌ها را بقتل رسانده‌اند. و همه‌ی اینها تحت نام خدا. جنگ‌طلبی‌های مستمر، شکست‌های اقتصادی و ترور داخلی، ذات ضدبشری خمینی را افشا کرده‌اند. علیرغم ادعاهای قبلی رژیم خمینی مبنی بر یک پیروزی نهایی تا پایان سال، جنگ در یک بن‌بست قرار دارد. زور و اجبار هم نیروی انسانی لازم را برای انجام تهاجم پاییز که مدت‌هاست پیش‌بینی می‌شده فراهم ننموده است. درآمد سالانه‌ی نفت از ۱۶ میلیارد دلار در سال گذشته به ۶ میلیارد دلار تنزل کرده است.

کمبودهای مستمر، ناراضیاتی

اخبار... و رویدادهای سیاسی

کشتار پزشکان و دانشجویان رشته های پزشکی در جبهه های مرگ

رژیم خائن خمینی دانشجویان دانشکده های پزشکی و همچنین پزشکانی که دوران خدمت آموزشی را می گذرانند با زور و اجبار به جبهه های مرگ اعزام می کند. بنا به گزارشات رسیده در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران، ایادی خائن رژیم ۵۹ نفر از دانشجویان داروسازی را بعنوان دکتر از سر کلاس درس به جبهه های جنگ برده اند. کارگزاران جنگ و جنایت خمینی همچنین از پادگان آموزشی صفریک (۱ - ۵) پزشک که دوران خدمت آموزشی خود را می گذرانند به اجبار روانه جبهه های جنگ ضدمیهنی نموده اند.

خون گرفتن از دانش آموزان برای جبهه های مرگ

در اواخر دیماه، مدیر خودفروختهی مدرسهی اندرزگو واقع در غرب تهران بنام محمدیان، دانش آموزان این مدرسه را برای گرفتن خون بطور دستجمعی به یکی از بیمارستان ها برده است. گزارش رسیده حاکیست درحالیکه پزشکان بیمارستان بعلت ضعف کودکان معصوم اجازه ی گرفتن خون از آنها را نداده اند، مزدور جنایتکار خمینی تاکید کرده که بایستی از دانش آموزان خون گرفته شود چون جبهه ها به خون نیاز دارند. در این میان تعدادی از دانش آموزان مدرسه از فرصت استفاده کرده و از بیمارستان فرار کردند.

موج آوارگی در شهرهای کشور

در نتیجه ی جنگ فاجعه بار شهرها که بدنیاال تهاجمات تجاوزکارانه ی اخیر رژیم خمینی به خاک عراق به نحو بیسابقه ای شدت یافته است، میلیون ها نفر از مردم ستمدیده ی میهنمان در تهران و بسیاری از شهرهای جنوب و غرب کشور خانه و کاشانه ی خود را رها کرده با امکانات بسیار محدود آواره ی مناطق دیگر شده اند.

بنا به گزارشات رسیده، در تهران گروه های زیادی از مردم به منظور درمان ماندن از بمباران های هوایی از شهر خارج شده و علیرغم سرمای شدید زمستان و محدودیت امکانات در اطراف مناطق کوهستانی بسر می برند.

در تبریز، مرکز شهر کاملاً خالی از سکنه شده و بسیاری از مردم این شهر به روستاهای اطراف تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان پناه برده اند.

در اصفهان، عده ای از مردم به کوه و بیابان در خارج اصفهان پناه برده اند.

در بروجرد محله های مختلف این شهر، منجمله محله های میدان شهدا و صوفی توسط مردم تخلیه شده و مدارس نیز تعطیل است. در مسجد سلیمان مردم، شهر را تخلیه کرده اند اما مزدوران رژیم با زور و ارعاب مانع خروج کارمندان بانک ها شده اند. مزدوران رژیم جنگ افروز و میهن بر بادده ی خمینی برای تحت فشار قرار دادن باز هم بیشتر مردم بلادیده ی این شهر به آنها گفته اند که کوپن ارزا فقط در شهر داده می شود.

موج تازه ای از محکومیت سیاست جنگ طلبانه خمینی در بالاترین سطوح بین المللی

در ادامه ی موج محکومیت های جهانی سیاست جنگ طلبانه ی خمینی، پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیک های جهان روز ۱۵/بهمن بار دیگر طی سخنانی در اجتماع مردم در میدان سنت پیترز واتیکان نگرانی عمیق خود را از ادامه ی جنگ ایران و عراق ابراز داشت و خواستار پایان یافتن این جنگ ۷ ساله گردید.

* ابوبکر عطاس رئیس جمهوری دمکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) طی مصاحبه ای با روزنامه ی کویتی الانباء (مورخ ۷/بهمن) ضمن تاکید بر اینکه یمن جنوبی همواره مخالف ادامه ی جنگ ایران و عراق بوده است گفت: "بطور کلی این جنگ جز به دشمنان ایران و عراق خدمت نخواهد کرد و ما امیدواریم که تلاش برای پایان دادن به این جنگ ادامه یابد".

* ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان نیز درباره ی جنگ ایران و عراق اظهار داشت: "قطعنامه ی مصوب اجلاس اخیر کنفرانس سران کشورهای اسلامی در گویت بمثابة یک فشار اخلاقی بر رژیم خمینی عمل می کند." روزنامه ی الاتحاد (مورخ ۱۰/بهمن) چاپ امارات متحده ی عربی که این مطالب را به نقل از ضیاء الحق نوشته افزود که رئیس جمهور پاکستان گفته است: "مشکل جنگ ایران و عراق، در شروط رژیم خمینی برای توقف جنگ نیست بلکه مشکل اساساً در شیوه و طرز تفکر سیاسی این رژیم و چگونگی برخورد با آن است." او در این سخنان بر ماهیت جنگ طلبانه و تجاوزکارانه ی دجال جماران انگشت گذاشته است.

* همچنین بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه، معاون بخش خاورمیانه در کمیته ی مرکزی حزب کمونیست شوروی، طی بیانیهای بر ضرورت خاتمه بخشیدن به جنگ ایران و عراق تاکید کرد. معاون بخش خاورمیانه در کمیته ی مرکزی حزب کمونیست شوروی ضمن بیان اینکه این جنگ هرچه بیشتر دیوانه وار می گردد موضع دولت شوروی را یادآور گردید و گفت "این جنگ نیروهای امپریالیست را در منطقه تشویق می نماید و ادامه ی آن گوشه محافل حکومت در تهران را برای گسترش تماس های شان با آمریکا تقویت می کند."

محکومیت ادامه جنگ

توسط کمیسیون خاورمیانه بین الملل سوسیالیست

در ادامه ی موج محکومیت جهانی سیاست جنگ طلبانه ی رژیم خمینی، کمیسیون خاورمیانه ی بین الملل سوسیالیست نیز ادامه ی جنگ خائنانه ی ایران و عراق را که تنها خمینی خواستار آن است محکوم نمود. به گزارش خبرگزاری فرانسه؛ این کمیسیون که جهت بررسی اوضاع خاورمیانه در لیسبون پایتخت پرتغال تشکیل شد، روز چهارشنبه ۱۵/بهمن در نشست خود مسئله ی جنگ ایران و عراق را بررسی نمود و خواهان قطع فوری آن گردید. ریاست این جلسه را هانس یورگن ویشنوسکی از رهبران حزب سوسیال دمکرات آلمان برعهده داشت.

اخبار... و رویدادهای سیاسی

رژیم خمینی بخشی از سلاح‌های آمریکایی را از کره جنوبی دریافت کرده است

روزنامه‌ی بوستون گلوب (۱۲/بهمن): در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) بیست و پنج هلیکوپتر... و سیستم آتش موشک‌های تاو که روی آن سوار می‌شود (توسط آمریکا) به کره جنوبی فروخته شد که احتمال می‌رود دولت کره جنوبی آنها را به ایران فروخته باشد و به همین خاطر هیئتی قرار است که برای تحقیق به کره جنوبی برود. مقامات وزارت خارجه گفته‌اند که یک کشور خارجی ممکن است سیستم موشک تاو را کپی کرده و به ایران یا دیگر کشورها فروخته باشد. یک تحقیق‌گر گفت ما می‌خواهیم بدانیم ایران چگونه نیازهای عظیم خود به سلاح‌های آمریکایی را در چهار سال اول جنگ تأمین کرده است.

حساب‌های بانکی آخوندهای جنایتکار در سوئیس پشتوانه اعتباری معاملات سلاح با آمریکا و اسرائیل

روزنامه‌ی نیویورک تایمز مورخ ۱۱/بهمن مطالبی پیرامون معاملات تسلیحاتی رژیم خمینی با آمریکا و اسرائیل و حساب‌های بانکی آخوندهای جنایتکار در سوئیس که پشتوانه مالی و اعتباری این معاملات بوده منتشر کرده است. در قسمتی از این مقاله آمده است: "نیمرودی می‌گوید که چون شک داشته قربانی‌فر بتواند ۵۰ میلیون دلار بابت سلاح‌ها بپردازد با او به بانک او یعنی SUISS CREDIT می‌رود و تأیید می‌شود که او به ۱۰۰ میلیون دلار در حساب شرکتی بنام کمپانی نفت ایران که متعلق به دولت ایران است دسترسی دارد. آقای نیمرودی گفت، «قربانی‌فر و سه آیت‌الله دارنده‌ی این حساب بودند»"

در زمانی که نام اسرائیل را از روی خمپاره‌ها پاک می‌کردند تا آماده‌ی فرستادن به ایران شود، ناگهان قربانی‌فر به اسرائیل آمده و می‌گوید ما الان نیاز به موشک‌های تاو داریم چون با ۲۰۰۰۰ تانک عراقی روبرو هستیم و خمپاره‌ها را بعداً می‌خریم. او تقاضای ۵۰۰ موشک‌تاو می‌کند.

خمینی روابط تسلیحاتی با اسرائیل را قبل از آمریکا آغاز کرد

روزنامه‌ی نیویورک تایمز ۱۲/بهمن ماه گزارشی درباره‌ی روابط و همکاری‌های تسلیحاتی رژیم خمینی با اسرائیل منتشر کرده است. در این گزارش آمده است:

"تاجر اسرائیلی که معامله را ترتیب داده است امروز گفت که وزارت دفاع اسرائیل ترتیب دادن فروش ۵۰ میلیون دلار سلاح ساخت اسرائیل را تقریباً دو ماه قبل از اولین درخواست گزارش شده‌ی آمریکا برای کمک اسرائیل به نزدیک شدن به تهران، مورد تأیید خود قرار داده بود... مطابق اظهارات تاجر اسرائیلی یعقوب نیمرودی، اسرائیلی‌ها فروش تسلیحاتی خودشان را به ایران تعقیب می‌کردند چون آنها موقعیتی را برای برقراری دوباره‌ی تماس‌ها با عوامل پراگماتیست در بالاترین حلقه‌ات قدرت در تهران مشاهده نمودند..." در دنباله‌ی این مقاله آمده است: "یک مقام عالی‌رتبه‌ی اسرائیل که نامش فاش نمی‌شود گفت که این امر با گفته‌های قبلی اسرائیل در مورد دخالت در فروش سلاح به تقاضای آمریکا منافاتی ندارد چون در این معامله صحبت از سلاح‌های اسرائیلی بوده و نه آمریکایی."

میلیون‌ها دلار از اموال خلق تنها به دلالتان اسلحه داده شد

منابع کمیته‌ی اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا فاش ساختند که دارودسته‌ی خمینی جنگ‌افروز، میلیون‌ها دلار از سرمایه‌های مردم ستمزده‌ی ایران را برای دریافت سلاح‌های آمریکایی به جیب دلالتان و قاچاقچیان اسلحه سرازیر کرده‌اند.

روزنامه‌ی فیلادلفیا اینکوایر (مورخ ۹/دی) در همین زمینه می‌نویسد: بنا به گفته‌ی منابع کمیته‌ی اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا، رژیم خمینی ۶۴/۷ میلیون دلار برای خرید سلاح‌های آمریکایی که بعضی از آنها را هیچوقت دریافت ننمود، به واسطه‌ها پرداخته است. رژیم برای ۵۰۸ موشک ضدتانک تاو ارسال شده توسط اسرائیل، ۶ میلیون دلار پرداخته است. بزرگترین پرداخت رژیم، ۴۱ میلیون دلار بوده که در نوامبر ۱۹۸۵ برای موشک‌ها و قطعات هاگ پرداخت شده است. از ۱۲۰ موشکی که رژیم پول آنرا (به واسطه‌ها) پرداخت کرده بود تنها ۱۸ موشک هاگ به ایران تحویل داده شد.

افشای یک معامله کلان سلاح بین رژیم خمینی و آمریکا

روزنامه‌ی نیویورک تایمز مورخ ۱۳/بهمن طی مقاله‌ای تحت عنوان "معامله‌ی غیرقانونی عظیم اسلحه ایران برای آمریکا شناخته شده بود" از یک معامله‌ی کلان اسلحه بین رژیم خمینی و آمریکا پرده برداشته است. قسمت‌هایی از این مقاله بدین شرح است:

"مطابق مدارک محرمانه و دست‌اندرکارانی که دولت را در جریان گذاردند، مقامات عالی اطلاعاتی پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) بیش از یکسال پیش دریافتند که معامله‌گران خصوصی اسلحه سعی داشتند که بصورت غیرقانونی ۳۹ هواپیمای جنگنده‌ی ساخت آمریکا و مقادیر متنابهی از دیگر سلاح‌ها را به ایران ارسال دارند، اما این مقامات این فروش‌ها را متوقف نکردند. این منابع گفتند که این گوشه‌های غیرقانونی اجازه داده شد که ادامه یابند چون مقامات نظامی امیدوار بودند اطلاعات جاسوسی منجمله اطلاعات در مورد ایران و دستیابی به تانک‌های روسی پیشرفته که ایران از عراق به غنیمت گرفته بود، بدست آورند..."

نام این معاملات پروژه‌ی دماوند بوده و منابع نظامی عراق می‌گویند که از پائیز سال گذشته هواپیماهای اف-۴ بیشتری برای ایران در عملیات شرکت داشتند. ارزش این معامله بیش از یک میلیارد دلار بوده است.

این معامله شامل موشک‌های هارپون و سایدوایندر، ۳۹ جنگنده‌ی اف-۴ و ۵۰ تانک ام-۴۸ و حداقل ۲۵ هلی‌کوپتر تهاجمی می‌شد. دلالتان اسلحه می‌گویند مقدار کل سلاح‌های آمریکایی که به ایران داده شد شامل ۱۲,۰۰۰ موشک ضدتانک، ۲۰۰ موشک هوا به هوا، فینیکس به قیمت بیش از یک میلیون دلار برای هر کدام و ۱۵۰ میلیون دلار وسایل یدگی می‌شود. در این مقاله آمده که ایران آمادگی خود را برای معاوضه‌ی تانک تی-۸۰ روسی که در جنگ بغنیمت گرفته را با اسلحه ابراز داشته است."

اخبار... ورود ادعاهای سیاسی

پاسداران سرکوبگر خمینی در اهواز مردم اعتراض‌کننده را به گلوله بستند

در جریان یک درگیری خونین میان گروهی از مردم خشمگین و بجان‌آمده با پاسداران سرکوبگر خمینی در اطراف اهواز، پاسداران جنایتکار به روی جمعیت آتش گشودند و تعدادی را کشته و مجروح نمودند.

این حرکت اعتراضی مردمی و مقاومت آنان در برابر پاسداران جنایتکار خمینی در تاریخ نهم بهمن‌ماه جاری در منطقه‌ی میرداوود مابین اهواز و رامهرمز روی داد و طی آن با رگبار پاسداران سرکوب و جنایت خمینی، حداقل ۳ تا ۴ نفر از مردم بیدفاع مظلومانه بشهادت رسیدند و گروهی نیز مجروح شدند.

سفارتخانه پست پرده خمینی دجال در آمریکا

روزنامه‌ی کریستین ساینس مانیتور طی مقاله‌ای فاش ساخت که روابط دیپلماتیک رژیم دجال خمینی با آمریکا علیرغم ادعای قطع آن، نه تنها طی ۶ سال گذشته هیچگاه قطع نبوده بلکه سرپرست و کلیه اعضای هیئت دیپلماتیک رژیم خمینی در آمریکا که تعدادشان به دهها نفر بالغ می‌گردد یا دارای تابعیت آمریکایی بوده و یا دارای کارت سبز اقامت دائم می‌باشند. در این مقاله که رادیو آمریکا در ۱۵ بهمن‌ماه ترجمه آنرا پخش کرد درباره‌ی سفارت رژیم خمینی که تحت عنوان دفتر حفاظت از منافع ایران ظاهراً بخشی از سفارت الجزایر محسوب می‌شود، آمده است که همه چیز دفتر حفاظت از منافع ایران به یک سفارتخانه می‌ماند. این دفتر کیلومترها با سفارت الجزایر فاصله دارد و ۳۰ کارمند آن همگی ایرانی‌الصل هستند. پس گذشتن از در ورودی با مأموری روبرو می‌شوید که در آنسوی باجه شسته و مراجعین را با پرسشنامه‌ها به طبقات بالا می‌فرستد و کس‌های تبلیغاتی رژیم خمینی بر درودیوار نصب شده است. هر بند که کارمندان سعی می‌کنند زیاد در اتاق انتظار آفتابی نشده و از رگونه پاسخ به سؤالاتی درباره‌ی ارتباطشان با سفارت الجزایر سرباز بزنند.

به نوشته‌ی کریستین ساینس مانیتور اگرچه ممکن است باعث جب بسیاری از آمریکائیان شود، اما اینها همه به منزله‌ی دفتر پست دیپلماتیک حکومت خمینی در پایتخت آمریکا است و نشانه‌ی گری است از اینکه روابط دو کشور برغم نداشتن روابط ظاهری اسی طی ۶ سال گذشته هیچگاه قطع نشده است.

کریستین ساینس مانیتور در گزارش خود پیرامون روابط مستمر یم خمینی با آمریکا که عنوان کنایه‌آمیز: "آیا برای ایران ویزا بخواهید؟" را بر آن گذاشته نوشت: نحوه‌ی کار دفتر حافظ منافع آن نیز خود موضوع جالبی است. اعضای این هیئت همگی متولد آن هستند اما یا تابعیت آمریکا را دارند و یا دارای کارت سبز مت دائم در این کشور هستند. سرپرست این هیئت که رابطه‌ی لاتنگی با دولت خمینی دارد شخصی است بنام علی صفدریان که او دارای کارت اقامت دائم در آمریکاست.

نمونه‌ای دیگر از منجلا ب

روابط رسوا شده خمینی دجال با "شیطان بزرگ"

مجله‌ی الوطن العربی (مورخ ۲۷/دی) مصاحبه‌ای با عدنان خشوچی سرمایه‌دار و واسطه‌ای ک مستقیماً دست‌اندرکار معاملات سلاح رژیم خمینی با آمریکا بوده انجام داده است. او در این مصاحبه جزئیات دیگری از سفر مک‌فارلن به تهران و رسوایی روابط پنهانی رژیم دجال خمینی با آمریکا را فاش نموده است. قسمتی از مصاحبه را در اینجا آورده‌ایم: مک‌فارلن به آنها تا ساعت ۳ بعدازظهر روز سوم مهلت داد که یا پاسخ لازم را بدهند و یا آنکه مک‌فارلن تهران را ترک خواهد کرد. پاسخی را که مک‌فارلن انتظار داشت بکارگیری نفوذ ایران، برای آزادی همی ۵ گروگان آمریکایی، یکجا بوده است. در اینجا "سیا" وارد خط شد و شخص "ویلیام کیسی" اقدام کرده و با پسر رفسنجانی در همان زمانی که مک‌فارلن در تهران بود تماس گرفت مبادا مک‌فارلن تهران را با روسیاهی ترک کند. فوراً پسر رفسنجانی را به نزد وی فرستادند و توسط او درخواست هزار موشک "تاو" و یک لیست از یدکی‌های موشک‌های "هاگ" به مقدار ۵ میلیون را دادند و معامله فوراً از طریق پسر رفسنجانی انجام شد، بدون آنکه به نخست‌وزیر ارجاع شود و از پشت سر "رابط ایرانی" کالاها را باز کردند، با قیمت ۸ هزار دلار برای یک قطعه، درحالی‌که همان قطعه را به نخست‌وزیر خمینی به ۱۲ هزار دلار می‌فروختند. آمریکایی‌ها معتقد شده بودند که به سرچشمه دست یافته‌اند و رفسنجانی همان کسی است که راه‌حل تهران و رابط مطلوب در آنجاست. آنگاه که جناح‌های دیگر و از جمله جماعت منتظری از این حکایت باخبر شدند قیامت بها کردند و علیه رفسنجانی نشریاتی منتشر نموده و وی را به اینکه ایران را به آمریکا فروخته است متهم کردند و روانه‌ی سوریه شده و تمامی قضیه را برای آنان نیز باز کردند. در همین وقت آمریکا حملاتی بر ضد سوریه را آغاز کرده بود. در نتیجه سوری‌ها دچار تردید نشده و خبر را منتشر ساختند و نقشی معاملات، با فضیحت روبرو گردید...

اما پسر رفسنجانی قراری شده و به کانادا سفر کرده است. برای نخست‌وزیر خمینی نیز آشکار شد که بین قسمت‌ها تناسبی وجود ندارد.

نقش کمک‌های تسلیحاتی در تحریص

جلاد جنگ افروز جماران برای تهاجم به بصره

روزنامه‌ی واشنگتن پست طی مقاله‌ای به تاریخ ۷ بهمن تحت عنوان: "سلاح‌های آمریکایی در ایران دیده شدند"، نقش سلاح‌های دریافتی خمینی از آمریکا را در تهاجم تجاوزگرانه و شکست‌خورده‌ی او به بصره که حدود ۱۵۰ هزار تلفات برای رژیم بجای گذاشت مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله که گویا قبل از شکست این تهاجمات جنایتبار نوشته شده آمده است: "کارشناسان نظامی در اینجا می‌گویند که ایران از سلاح‌ها و قطعات یدکی ارسالی از آمریکا در حمله‌ی نسبتاً موفقیت‌آمیزش در بصره استفاده نموده. بررسی دقیق فیلم‌های جبهه که از تلویزیون پخش می‌شود و گوش کردن به جزئیات حملات از جانب سربازان، کارشناسان را متقاعد کرده که نیروهای ایرانی قابلیت خوبی در جنگ‌های ضدتانک، ضدهوایی و استفاده از هلیکوپترهای توپدار گبری از خود نشان داده‌اند. کسانی که اخیراً از جبهه دیدن کرده‌اند می‌گویند که دهها تانک از کارافتاده‌ی عراقی تقریباً منفجر شده‌اند که گار آ. پی. جی و بازوگا نمی‌تواند باشد. ایران همواره از هلیکوپترهای گبری استفاده کرده اما استفاده‌ی بسیار وسیع از این هلیکوپترها در جبهه‌ی بصره نشان می‌دهد که بسیاری از این هلیکوپترها که بخاطر عدم وجود قطعات یدکی از کار افتاده بودند حالا دوباره قابل استفاده هستند."

اخبار... ورود اداهای سیاسی

بنگاه خصوصی چپاول خامنه‌ای و رفسنجانی

در حالیکه رژیم قرون وسطایی خمینی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های کشور را با مشکلات و محدودیت‌های بسیار جدی مواجه ساخته است، دانشگاه با اصطلاح آزاد ضد اسلامی که زیر نظر مستقیم رفسنجانی و خامنه‌ای بطور خصوصی اداره می‌شود ضمن پذیرش دانشجو با دست بازتر به مرکز و محمل مناسبی جهت غارت و چپاول مردم تبدیل شده است.

در همین رابطه شهریه‌ی این با اصطلاح دانشگاه بطور صعودی رو به افزایش است، بطوریکه شهریه‌ی هر "واحد عملی" بیش از ۲ برابر افزایش یافته و از ۳۵۰ تومان به ۸۰۰ تومان رسیده است.

کارگزاران خائن رژیم در این مرکز غارت و چپاول همچنین بابت انصراف دانشجویان از ادامه‌ی تحصیل، در ازای هر ترم تحصیلی مبلغ ۱۰ هزار تومان مطالبه می‌کنند.

بنا به آمار منتشره توسط رژیم خمینی، با احتساب دانشجویان تکدرس، شمار کل دانشجویان این با اصطلاح دانشگاه در سراسر کشور به ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد.

شایان ذکر است که خامنه‌ای دزد و جنایتکار چندی پیش در سالگرد تأسیس این مرکز غارت و چپاول اعتراف کرد که این مؤسسه با ۳ میلیارد تومان سرمایه‌ی اولیه سه سال پیش براه افتاده است. وی بدون اینکه به منبع اصلی این سرمایه‌ی عظیم اشاره کند تنها به ذکر این نکته اکتفا کرد که راه‌انداختن این مرکز به توصیه‌ی مستقیم رفسنجانی و با تأیید کامل خمینی صورت گرفته است.

تایک قطره خون، یک خانه یا آجری روی آجر باقیست!!

موسوی نخست‌وزیر جنایتکار خمینی طی مصاحبه‌ای در روز ۱۹/ بهمن با اشاره به پیام دژخیم جماران که در آن بار دیگر بر ادامه‌ی خونریزی و تجاوز تأکید شده و نعره‌های شوم جنگ جنگ سرد داده بود به تشریح سیاست کشتار، تجاوزگری آشکار و مرگ و نابودی که رژیم پلید برای مردم ایران تدارک دیده پرداخت و گفت: "این پیام بیان‌کننده‌ی خط مشی بسیار روشن نظام... در زمینه‌ی مقاومت تا آخرین خانه، آخرین نفس و آخرین قطره‌ی خون برای سرکوب متجاوزین است و تا آجری بر روی آجر است خواهیم ایستاد." وی افزود: "پیام اخیر خمینی پیام صدور انقلاب بود و سیاست خارجی ما همچنان بر این اصل اصیل تکیه داشته و خواهد داشت... امروز هدفمان اگر چه دفع تجاوز و تنبیه رژیم جنایتکار عراق است اما در باطن و اصل، می‌خواهیم به یار و یار کوی ابرقدرت‌ها که می‌گویند این جنگ نباید پیروز داشته باشد مشت بکوبیم."

ورشکستگی اقتصادی رژیم خمینی

بنا به گزارشات موثق، درآمد ارزی رژیم متزلزل و ورشکسته‌ی خمینی طی ۸ ماهه‌ی اول سال جاری، تنها ۲ میلیارد دلار بوده است و رژیم جنگ‌افروز خمینی تلاش دارد با به تاراج دادن ثروت‌های ملی ایران منجمد نفت درآمد این رژیم را تا پایان سال جاری به ۴ میلیارد دلار برساند. در عین حال اخبار دریافتی حاکیست که تا پایان آذرماه گذشته میزان استقراض دولت از بانک مرکزی که بیانگر کسر بودجه‌ی دولت ضد مردمی است به رقم ۱۵۵ میلیارد تومان رسیده است.

استقراض از سیستم بانکی در شرایط محدودیت درآمدهای ارزی و ورشکستگی اقتصادی به معنای انتشار اسکناس بدون پشتوانه و غارت باز هم بیشتر درآمدهای مردم از طریق کاهش ارزش پول در گردش می‌باشد.

فاجعه تلخ و مرگبار محاصره غذایی آوارگان فلسطینی توسط گروه مزدور امل، با حمایت خمینی، اسرائیل و سوریه

به گزارش خبرگزاری‌ها محاصره‌ی چندین ماهه‌ی غذایی و دارویی اردوگاه‌های آوارگان فلسطین در لبنان توسط گروه مزدور امل، جان هزاران آواره‌ی فلسطینی ساکن این اردوگاه‌ها را بطور جدی در معرض مرگ قرار داده است.

مزدوران امل که از جانب رژیم خمینی، سوریه و اسرائیل حمایت می‌شوند علاوه بر اینکه از اواسط مهرماه گذشته راه رسیدن آذوقه به اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی را بسته‌اند، به گلوله باران و توپ باران جنایتکارانه‌ی اردوگاه‌های مزبور نیز ادامه می‌دهند.

گزارش خبرگزاری‌ها حاکی است که شرایط زندگی برای آوارگان فلسطینی بدلیل فقدان مواد غذایی بشدت وخامت‌یافته شده است. بطوریکه هم‌اکنون ۱۷ هزار آواره‌ی فلسطینی در اردوگاه رشیدیه و ۲۰ هزار آواره‌ی ساکن اردوگاه برج البراجنه در خطر مرگ قرار گرفته‌اند.

در همین رابطه یک رهبر فلسطینی در برج البراجنه از رهبران مذهبی در بیروت خواست اجازه‌ای صادر کنند که آوارگان ساکن این اردوگاه برای سدجوع و جلوگیری از مرگ بر اثر گرسنگی، بتوانند از گوشت اجساد کشته‌شدگان استفاده کنند.

خبرگزاری رویتر نیز روز ۱۹/ بهمن، به نقل از پزشکان خارجی که در اردوگاه برج البراجنه مستقر هستند، گزارش داد که برخی از آوارگان فلسطینی ساکن در این اردوگاه، برای زنده ماندن خوردن گوشت سگ و گربه را آغاز کرده‌اند.

از سوی دیگر ابوجهاد معاون فرماندهی کل انقلاب فلسطین که در حال حاضر در بغداد مستقر است طی مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی الاتحاد (۱۷/ بهمن) با اشاره به اینکه اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در شرایط خفه‌کننده‌ای بسر می‌برند گفت که فلسطینی‌ها به تعهدات خود در مقابل شکستن محاصره‌ی اردوگاه‌ها وفادارند. اما مزدوران امل به هیچیک از تعهدات خود در برداشتن محاصره‌ی اردوگاه‌ها عمل نکرده‌اند.

در همین حال "نبیه بری" رئیس باند امل، بمناسبت هشتمین سالگرد حاکمیت شوم و ننگین دجال جنگ‌افروز جماران، پیام‌هایی برای وی و دارودسته‌ی جنایتکارش فرستاد.

رادیوی رژیم (۱۹/ بهمن) خبر ارسال پیام رئیس باند امل برای سران ارتجاع را با آب‌وتاب پخش کرد و گفت که این پیام‌ها به سفارت رژیم در بیروت تسلیم شده است.

رادیو فلسطین: رژیم خمینی طعمه کینه‌توزی و تجاوز خود شد

رادیو فلسطین ۱۳/ بهمن طی تفسیری درباره‌ی تجاوزات شکست‌خورده‌ی اخیر خمینی به خاک عراق گفت: نیروهای خمینی در شرق بصره نابود شدند و آرزوی خمینی در رسیدن به بصره با همه‌ی سلاح‌های امپریالیستی و صهیونیستی که دریافت کرده بود، ناکام ماند. رادیو فلسطین با تأکید بر اینکه رژیم دجال جنگ‌افروز جماران، مدت‌هاست که خصیصه‌ی توسعه‌طلبی و تجاوزکاری خود را بروز داده، افزود: "رژیم جنایتکار خمینی، در آتشی که شعله‌ور کرده بود سوخته و طعمه‌ی کینه‌توزی خود گردید."

اخبار... ورویدادهای سیاسی

اولین شرط برای عادی سازی روابط فرانسه و ایران

بدنبال مسافرت مزدوری بنام علی آهنی به فرانسه جهت ادامه مذاکرات عادی سازی روابط بین فرانسه و ایران، خبرگزاری فرانسه به نقل از نخست وزیر فرانسه (ژاک شیراک) روز پنجشنبه ۱۹/بهمن اعلام نمود: "از زمانی که ما مسئله حضور اپوزیسیون رژیم ایران در سرزمینمان را حل کردیم مذاکرات بین پاریس و تهران فقط روی یک نکته است: اختلاف مالی. بنظر می رسد که آقای شیراک یکی از خواسته های مطرح گردیده در هفته ی گذشته توسط علی آهنی نماینده ی وزیر خارجه ی ایران را رد می کند. او یادآور شده بود که اولین شرایط مطرح گردیده توسط تهران برای عادی سازی «مسئله ی مخالفین ایرانی و امکاناتی که در اختیار آنها قرار گرفته می باشد». آقای شیراک روز پنجشنبه تاکید نمود که این مسئله حل گردیده و حالا دیگر فقط صحبت از اختلاف مالی می باشد..."

سابقه پشتیبانی استعمار کهنه از خمینی

نشریه التضامن (مورخ ۱۵/دی) می نویسد یک روزنامه نگار سیاسی و کارشناس شوروی در امور خاورمیانه می گوید که وی طی بررسی های خود بدین نتیجه رسیده است که انگلیس در پشت انقلاب خمینی قرار داشته است.

تماس های مقامات کاخ سفید با رأس رژیم خمینی

روزنامه ی تیویورکتایمز ۲۵/بهمن نوشت: "دستیاران بوش، معاون ریاست جمهوری (آمریکا)، امروز اظهار داشتند که دیگر مقامات عالیرتبه در کاخ سفید، تابستان گذشته خبر داشتند که تماس ها با عوامل افراطی، و نه میانه رو، در ایران برای کسب آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان در جریان بوده است."

خط تماس تلفنی مستقیم بین خمینی و ریگان

رادیو ارتجاع روز سه شنبه ۲۱/بهمن به نقل از آسوشیتدپرس گفت: "دولت پرزیدنت رونالد ریگان پس از ماه ها پافشاری بر اینکه تنها با جناح های میانه رو در ایران معامله کرده است، دیروز اعتراف کرد که «...مسئله ی میانه روها و رادیکال ها تفاوتی نسبی بر حسب شرایط است و سعی ما در برقراری رابطه با برخی عناصر مطلوب برای آمریکا بود (که طبعاً نمی تواند کسانی به غیر از خود خمینی و رفسنجانی مورد نظر باشند). حال شما می توانید آنها را میانه رو یا هر چیز دیگر بنامید».

از طرف دیگر خبرگزاری رویتر در تاریخ ۲۲/بهمن اظهارات ملیجک درباره ی خمینی در نمایش روز ۲۲/بهمن را چنین مخابره کرد: "هاشمی رفسنجانی به گروهی از میهمانان خارجی اظهار کرد، آمریکا گوش می کرد که با رهبر ایران چند روز قبل تلفنی تماس بگیرد و به این جهت یک خط مستقیم تلفن برای ریگان اختصاص داده شد. وی گفت واشنگتن پیش از آنکه صحبت با کسی شد که «دقیقاً او را می شناسد» رفسنجانی گفت، آنها به ما شماره تلفنی دادند و گفتند می توانید هر وقت که بخواهید مستقیماً با پرزیدنت ریگان صحبت کنید."

دجالگری رسوا و مفتضح خمینی خون آشام

یزید پلید و آبروباختی جماران، روز سه شنبه ۲۱/بهمن در منتهای افلاس و درماندگی و در پاسخ به اوجگیری خشم و تنفر عمومی از جنگ ضد میهنی و ابعاد سرسام آور تلفات آن به صحنه آمد و از به کشتن دادن و ریختن جوانان کشور در تنور جنگ ضد میهنی اش، ابراز شادمانی و لذت نمود. اهریمن خون آشام جماران، با بکار بردن کلمه ی "اسلام" بعنوان نام مستعار خود و رژیم منحوس بی اعتنا به جان میلیون ها کشته و مجروح و آواره و معلول جنگ خانمانسوز و میهن بریافته گفت: "کشتن و گشته شدن (هست) ... وقتی انگیزه برای اسلام (یعنی همان رژیم ضد اسلامی و ضد بشری خمینی) شد، دیگر لذت دارد، نه غم."

جلاد جنگ افروز جماران، سپس جنگ تجاوزکارانه و جنایتکارانه اش را که اکنون همگان می دانند اسلحه و مهمات آن از اسرائیل و آمریکا می رسد خائنه "جهاد در راه اسلام" خواند. خمینی جنایتکار در سخنان خود، مخالفت گسترده ی مردم ایران علیه جنگ ضد ملی، ضد مردمی و ضد اسلامی اش را که در موارد متعدد به تظاهرات و حرکات اعتراضی انجامیده و موج فرار از جبهه ها و غیبت مشمولین و همچنین فرار هموطنان به خارج کشور را گسترش داده، "استثنا" خواند و افزود که عموم مردم دارند با شور و شوق بطرف مرگ می روند البته استثنا هم دارد، در همه جا استثنا هست، در زمان رسول الله هم استثنا بود.

اینجاست که به گفتی برادر مجاهد مسعود رجوی باید از این پیرکفتار خون آشام پرسید که اگر دروغ نمی گویی که حکومت تو هواداران بی شمار دارد و مردم هوادار آن هستند چرا با اینهمه دستگیری (باز) هم به سربازگیری اجباری دست می زنی؟ چرا محصل های مدارس را از سر کلاس های درس به اجبار و بعنوان گوشت دم توپ به میدان های مین می فرستی؟ آیا نمونه ای هست که رسول اکرم یا علی علیه السلام به سربازگیری اجباری دست زده باشند؟

یزید پلید جماران که از درون پناهگاههایی که با صرف صدها و هزارها میلیون دلار برای خود و مزدوران درجه اولش ساخته سخن می گفت: بار دیگر نعره ی جنگ جنگ سر داد و درباره ی مصائب میلیون ها هموطنی که آنها را بی دفاع در معرض آتش جنگ و بمباران قرار داده، گفت: "اینها از همان زیر آوارها که درمی آیند حرفشان این است که ما باید تا پیروزی جنگ کنیم."

خمینی جنگ افروز و خون آشام سپس با افلاس و درماندگی و ملتسانه از مواجبع گیری که بعنوان "میهمانان خارجی" برای نمایشات تبلیغاتی موسوم به دهه ی فجرش به تهران آورده خواست تا در نجات رژیم وی از انزوای شدیدی که در سطح منطقه و در سطح بین المللی بدان دچار شده به وی کمک کنند.

شایان ذکر است چندی پیش یکی از مزدوران خود رژیم درباره ی این باصطلاح میهمانان خارجی که مزدوران مواجبع گیر و مدیحه سرای خمینی هستند گفته است: در دنیا دربدر بدنبال عده های بقال و چقال یرویم، دستشان را می بوسیم خرجشان می کنیم و آنها را دعوت می کنیم اینجا بعنوان امام جمعه و بعد هم می روند به ما فحش می دهند.

اخبار... ورود اداهای سیاسی

تلاش های رسوا و مذبوحانه خمینی دجال

در قبال اعتراضات مردم بجان آمده علیه جنگ ضد میهنی

بدنبال اوجگیری اعتراضات مردم بجان آمده علیه رژیم جنگ افروز خمینی که همچنان بر ادامه ی جنگ خانمانسوز اصرار می ورزد، ننگین نامه ی جمهوری تلاش کرد تا اتحاد شوروی را مسئول جنگ شهرها و کشته و مجروح شدن مردم بیگناه قلمداد کند.

روزنامه ی حزب منفور چماقداران خمینی در سرمقاله ی روز سه شنبه ۱۴/ بهمن خود، شوروی را شدیداً مورد حمله قرار داد که مسئول خانه خرابی و کشته و مجروح شدن مردم بیگناه است. روز پیش از آن نیز در پی شکست فزاینده ی رژیم در تهاجم ضد کربلای ۵ که به گزارش خبرگزاری ها بیش از ۱۵۰ هزار تلفات بجای گذاشت، رژیم جنایتکار خمینی در سوزوگداز از گسترش روزافزون پایگاه مجاهدین در بین مردم و پیروزی های فزاینده ی مقاومت در سطح بین المللی با صدور اطلاعیه های مسخره ای توسط ستاد تبلیغات جنگ درصدد برآمده بود که با وقاحت و بلاهت تمام گناه بمباران های متقابل شهرها را به گردن مجاهدین بیاندازد. این اتهام وقیحانه با واکنش سازمان مجاهدین مواجه گردید و دفتر مجاهدین خلق در پاریس علل متوسل شدن رژیم درمانده ی خمینی به این شیوه ی احمقانه و رسوا را بر ملا کرد.

تهاجم رژیم خمینی به جزیره فاو

بر اساس اطلاعات نظامی

دریافتی از آمریکا انجام گرفت

روزنامه ی کریستین ساینس مانیتور مقاله ای درباره ی روابط اطلاعاتی رژیم خمینی با آمریکا درج کرده و در آن به بخش هایی از گزارش کمیته ی اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا استناد نموده است. بخش هایی از گزارش کریستین ساینس مانیتور که در برنامه ی ۱۳/ بهمن ماه رادیو آمریکا پخش شده بقرار زیر است:

"بر طبق گزارش کمیته ی اطلاعاتی مجلس سنا، کارکنان کاخ سفید علاوه بر تأمین موشک های ضدتانک تاو و قطعات شدیداً مورد نیاز نیروهای تضعیف شده ی ایران، به مقامات اطلاعاتی ایالات متحده دستور دادند که اطلاعاتی پرارزش را به نشانه ی حسن نیت ایالات متحده در قبال ایران در اختیار منوچهر قربانی فر دلال ایرانی اسلحه قرار دهند..." کریستین ساینس مانیتور می نویسد "جزئیات تازه ی اطلاعاتی که سازمان های اطلاعاتی ایالات متحده در اختیار رژیم اسلامی قرار داده اند در گزارش کمیته ی اطلاعاتی مجلس سنا درباره ی ماجرای پر جنجال معامله ی تسلیحاتی ایالات متحده با ایران و ارسال سود حاصل از آن برای شورشیان ضد دولتی نیکاراگوئه که هفته ی پیش انتشار یافت به تفصیل منعکس شده است. این گزارش تاکنون مفصل ترین اطلاعاتی است که درباره ی این ماجرا انتشار یافته است. بر طبق این گزارش الیورنورث به منوچهر قربانی فر دلال ایرانی اسلحه قول داد که ایالات متحده اطلاعات جنگی مورد نیاز ایران

درباره ی مواضع عراق در جبهه ی جنگ را در اختیارش قرار خواهد داد. بنا به این گزارش بر طبق نقشه های که سرهنگ نورث در سر داشت قرار شد در ۲۶/ ژانویه/ ۱۹۸۶ در اروپا اطلاعاتی بعنوان نمونه به منوچهر قربانی فر داده شود. بنا به گزارش کمیته ی اطلاعاتی مجلس سنا جان مک مانن نماینده ی پیشین سازمان اطلاعات مرکزی C.I.A. شدیداً با دادن اطلاعات به ایران مخالفت کرد اولاً به این خاطر که منوچهر قربانی فر فرد قابل اعتمادی نبود و دوم به این دلیل که این اطلاعات ایران را در جنگ یاری می داد با وجود این مخالفت ها بر طبق گزارش، اطلاعات جمع آوری و به منوچهر قربانی فر داده شد دو هفته پس از آن در دهم فوریه/ ۱۹۸۶ نیروهای ایرانی جنوب عراق را مورد حمله ی عمده قرار دادند و بندر نفتی استراتژیک فاو را تصرف کردند. این روزنامه می نویسد که ایرانیان ظاهراً از اطلاعاتی که C.I.A. در اختیارشان قرار داده بود قدر دانی کردند. بر طبق گزارش سنا، در اواسط ماه مارس ایرانیان با ارائه ی فهرستی به مقامات C.I.A. خواستار دریافت یک سلسله اطلاعات در مورد عراق شدند. بنا به گزارش مجلس سنا، مقامات اطلاعاتی آمریکا در پاسخ به این درخواست، در ماه مه نوشته هایی به ایرانیان تحویل دادند. گزارش سنا طبیعت این نوشته ها را روشن نمی سازد. به نوشته ی این روزنامه سومین محموله ی اطلاعاتی در اکتبر سال ۱۹۸۶ به یکی از واسطه های ایرانی تحویل داده شد... رژیم خمینی پیش از این اطلاعات، از دریافت قطعات یدکی سیستم موشکی ضد هوایی پیشرفته ی هاگ ساخت آمریکا بهره برد. گذشته از آن، بر اثر گوشه های پنهان ایالات متحده، رژیم اسلامی به بیش از ۲۰۰۰ موشک ضدتانک تاو دست یافت. تحلیلگران در خاورمیانه گفته اند که ارسال سلاح های تازه و قطعات یدکی از ایالات متحده به ایران در حمله ی جاری ایران به بصره نقش مهمی ایفا کرده است."

بدنبال افشای گزارش فوق درباره ی همکاری های اطلاعاتی رژیم خمینی و آمریکا آسوشیتد پرس در تاریخ ۱۴/ بهمن گزارش داد که: سفیر عراق در واشنگتن در یک مصاحبه ی تلفنی با آسوشیتد پرس، ناراحتی کشور متبوع خود را از دادن اطلاعات جاسوسی توسط آمریکا به ایران در اوایل ۱۹۸۶، اعلام کرد. وی اینگونه اطلاعات را خطرناکتر از دادن اسلحه دانست.

این اطلاعات در اواخر ژانویه و اوایل فوریه به ایران داده شد و ایران در ۹/ فوریه حمله ی خود را برای تسخیر فاو آغاز نمود.

نوجوانانی که از جهنم خمینی گریخته اند

به گزارش خبرگزاری فرانسه (۱۵/ بهمن): "کمیته ی بشردوستانه ی کاپ آنامور در آلمان غربی از دولت بن خواست که اجازه دهد ۵۰۰ نوجوان ایرانی ۱۳ تا ۱۸ ساله که از سربازگیری برای جنگ در کشورشان فرار کرده اند و در ترکیه وضعیتشان نامتعیین است به آلمان غربی پذیرفته شوند. این کمیته اعلام نمود که این ایرانی های جوان بدون پول و پاسپورت یا کارت هویت به ترکیه فرار کرده اند زیرا این مدارک در صورتی به آنها داده می شود که وظایف نظامی شان را انجام داده باشند.

این بیانیه خاطرنشان ساخت که تعدادی از این پناهندگان که با پای پیاده از کوه های آذربایجان آمده بودند توسط پلیس ترکیه برگردانیده شده و توسط نیروهای امنیتی ایران اعدام گشتند.

به گفته ی کمیته ی کاپ آنامور، تعداد ایرانی های پذیرفته شده در گشورهای چون آلمان فدرال و فرانسه به فقط چند نفر طی ماه های اخیر تقلیل یافته است..."

اخبار... ورود ادعای سیاسی

وقتی که پادوهای مستخدمین سیا

درد "وطن" و "استقلال" می گیرند!!!

بعد از بر ملا شدن جزئیات استخدام بقایای دیکتاتوری ننگین سلطنتی توسط سازمان سیا که ضمن آن برخی مهره ها و جاسوس های استعماری نظیر شاهین فاطمی بطرز بسیار مفتضحانه ای رسوا و بلامصرف گردیدند، بنظر می رسد که نوبت به برخی پادوهای دست دوم نظیر علیرضا نوری زاده قلمبمزد نشریات بقایای رژیم فاسد شاه در خارج کشور رسیده است. مزدور نامبرده در مصاحبه هایی که طی روزهای ۱۴ و ۱۵ بهمن ماه جاری از رادیو صدای آمریکا پخش گردید، از یکطرف با زدن به نعل و به میخ و با چرب زبانی های مشمژکننده در قبال باندهای درونی ارتجاع حاکم به ابراز امیدواری نسبت به آینده داری رژیم متزلزل خمینی پرداخت و از طرف دیگر تقلائی مذبحخانه و مضحکی بعمل آورد تا مجاهدین را بحساب خواب های پنبه دانه ای ارتجاعی و امپریالیستی، جریانی نابود شده و فراموش شده وانمود نماید. مثلاً وی راجع به آینده و نقش مجاهدین گفت: "احتمال دارد در ائتلاف با نیروهای دیگر، مجاهدین بار دیگر اسمشان در ایران شنیده بشود!!" اما معلوم نبود که اگر مجاهدین اینقدر فراموش شده هستند پس چرا مزدورانی نظیر او برای حمله به آنان اینطور خود را صدپاره می کنند و پیوسته بمنظور لجن پراکنی علیه آنان آسمان و ریسمان را بهم می بافند؟!

نوری زاده معلوم الحال درحالی که هم خشم و سوزش حسرت بدلان رژیم مدفون شاه و هم خواب های پنبه دانه ای آخوندهای خمینی صفت در اظهاراتش موج می زد، با بلاهت بخصوصی راجع به سازمان پولادین مجاهدین خلق ایران که قدرت و انسجام و انضباط و تحرک شگرف داخلی و بین المللی آن چشم جهانیان را خیره کرده است گفت: "به اعتقاد من سازمان مجاهدین خلق آن انضباط سازمانی و تشکیلاتی را که داشتند بگلی از دست داده اند و یگفتی خودشان با گشته شدن ۳۰، ۴۰، ۵۰ هزار نفر حتی از ساده ترین هوادارانشان دیگر در ایران به اعتقاد من قدرتی بحساب نمی آید." مزدور نامبرده که رزق و روزی اش توسط جیره خواران و مستمری بگیران مرخص شده سازمان های جاسوسی اجنبی تأمین می شود، در این اثنا ناگهان درد "وطن" هم گرفته و با دخیل بستن به کدهای افشا شده و حربه های زنگ زده ای امپریالیستی - ارتجاعی علیه مجاهدین می گوید: "رفتن آقای رجوی به عراق و مستقر شدن سازمانش در آنجا عملاً سازمان را در برابر رژیم، از نظر معنوی و ادبی هم ضربه پذیر کرده... امروز مسئله ایستگی مستقیم به عراق نیز پشت سر آنها چسبیده".

البته وقتی که چماقدارانی مثل هادی غفاری و اراذل فاسدی مثل ناطق نوری و دژخیمانی مثل لاجوردی شغل خودشان را "ارشاد" بنامند و اسم شکنجه گاه اوین را هم "دانشگاه اوین" بگذارند آنوقت کاملاً طبیعی است که جاسوس ها و پادوهای استعماری مثل شاهین فاطمی و علیرضا نوری زاده هم از "معنویت" و "ادب" و "میهن پرستی" دم بزنند!! و به مجاهدین مارک "وابستگی" بزنند. بدیهی است که خشم و غیظ جاسوس ها و پادوهای سرویس های استعماری باعث افتخار و سرافرازی

ملی و انقلابی مجاهدین است.

جالب اینکه علیرضا نوری زاده درحالی که ادعا می کرد مجاهدین فراموش شده هستند و فقط "احتمال" دارد که در صورت "ائتلاف با نیروهای دیگر" تازه "اسمشان در ایران شنیده شود"؛ حتی چند لحظه نیز نتوانست بر ادعای سخیف و مسخره اش باقی بماند و افزود که: "من نمی خواهم حکم قطعی صادر بکنم. خیلی ها شان جوانان پرشور و وطن پرست و عاشق ایران هستند که بهر حال با تخصص شان در فردای ایران باید نقشی بعده بگیرند. ولی اینکه بعنوان یک سازمان بیاید و قدرت را در دست بگیرد، من به شخصه با نگاهی که می کنم. بعلت دانش و بینش من (!!) من چیزی نمی بینم برایشان". بجا بود که علیرضا نوری زاده بجای "دانش و بینش" از مقولات "جیره و مستمری" صحبت می کرد! که هم درماندگی و پرت و پلا گویی وی در اظهاراتش را تبیین می کند و هم هراس روزافزون امثال او از به قدرت رسیدن یک جانشین مردمی و انقلابی در ایران را قابل فهم می سازد.

نکته ای دیگر اینکه نوری زاده در شرایطی ادعا می کند که مجاهدین فراموش شده اند و انضباط و تشکیلاتشان را "بکلی" از دست داده اند؛ که خمینی و سردمداران رژیمش در زیر ضربات سیاسی و نظامی مجاهدین پیوسته زوزه می کشند و رفسنجانی در وحشت از مجاهدین و ضربات آنان تصریح می کند که: "جاده ها همه زیر نظر است. معبرها همه زیر نظر است، در شهرها مجاهدین، عناصر اصلی جنگ را زیر نظر دارند. مسافرت اینها رفت و آمدهای اینها و برنامه های زندگی اینها را زیر نظر دارند، دگترها را زیر نظر دارند. بیمارستان ها را زیر نظر دارند، گامیون ها را زیر نظر دارند، پمپ بنزین ها را زیر نظر دارند..." یادآوری می کنیم که علیرضا نوری زاده پادوی بقایای رژیم مدفون سابق چندین سال است که در ورق پاره های بقایای دیکتاتوری ننگین سلطنتی در خارج کشور با رکیک ترین کلمات و ویژه ی دربار فاسد شاه، مجاهدین و رهبری آنان را مورد حمله قرار می دهد. این مزدور ضد خلقی در مقطع انقلاب درونی مجاهدین که ارتجاع و استعمار مرتباً خواب های پنبه دانه در مورد متلاشی شدن مجاهدین می دیدند، چندین هفته درشت ترین تیتیر ننگین نامه ی پست ایران را به انتشار خزعبلاتی در این زمینه اختصاص می داد و قبل و بعد از آن نیز همواره لجن پراکنی علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت را بعنوان وظیفه ی اصلی اش دنبال می نمود. فی المثل برحسب خط پیشبرد و جانداختن کدهای امپریالیستی ارتجاعی، در صفحه ی اول شماره ۱۷۳ همان ننگین نامه (مورخ اسفند ۶۳) با وقاحتی نظیر خمینی و اراذل حکومت او ادعا نمود که "مجاهدین یاران خود را شکنجه دادند" همچنین وقتی که مجاهدین و شورای ملی مقاومت مواضع احمد مدنی جاسوس و موجب بگیر رسوا شده ی استعمار را بر ملا می کردند، علیرضا نوری زاده در شماره ۱۶۳ مورخ نیمه ی اول نوامبر/ ۱۹۸۳ ننگین نامه ی پست ایران نوشت: "بالاخره حضرات خلقی شرم و حیا را کنار گذاشتند و صاف و پوست کنده علیه کسانی که به جز به ایران و استقرار حاکمیت ملی در وطن رنج کشیده و در زنجیر، نمی اندیشند!!، شروع به عداوت و سمپاشی کردند... مدنی که مؤمن به خط جبهه ی ملی و مصدق است بدیهی است نمی تواند با کسانی که از "ملت های ایران" سخن می گویند و برای رسیدن به هدفهایشان هر وسیله ای را جایز می دانند همراهی کند".

حال که جزئیات پول گرفتن احمد مدنی و همپالکی هایش و اعترافات خود او بر ملا شده و حال که با افشاء جزئیات پشت پرده، بیشتر روشن شده که بقایای دیکتاتوری ننگین سلطنتی جز جاسوسان استخدام شده و عوامل اجیر شده های علیه مقاومت عادلانه ی مردم ایران نبوده اند؛ خیلی خوب معلوم می شود که چگونه میلفان کدهای ضد مجاهدی و پادوها و همپالکی هایشان سر در یک آخور امپریالیستی داشته اند! ولی به یمن مقاومت ظفر نمون مسلحانه و انقلابی جز حسرت و سوختن و آبرو باختن ابدی نصیبی نبرده اند...

اخبار... ورود اداهای سیاسی

گرفت و سپاه ضد مردمی او را تحت فشار قرار داد. برکناری فرماندهی پیشین نیروی هوایی، با موافقت دجال جماران و طی حکمی از سوی خامنه‌ای جنایتکار اعلام شد. فرماندهی جدید نیروی هوایی رژیم خمینی، سرهنگ ستاری از عناصر سرسپرده و مزدور خمینی در نیروی هوایی است و به همین جهت طی مدت کوتاهی بسرعت ارتقاء درجه یافته و از سرگردی به سرهنگ تمامی رسید. وی خلبان نیست و بیشتر یک افسر فنی می‌باشد.

سرهنگ ستاری مزدور از سال ۶۲ با آستانبوسی و تملق‌گویی سران رژیم همراه با ریش گذاشتن و ادا و اطوارهای ارتجاعی، بتدریج خود را به سردمداران جنایتکار رژیم نزدیک کرده و منجمله در جلسات آموزش ضد قرآن خامنه‌ای جنایتکار شرکت می‌نمود. در نتیجه‌ی این چاپلوسی‌ها و اثبات سرسپردگی‌اش به دیو جنگ‌افروز جماران وی به سمت فرماندهی نیروی هوایی رژیم خمینی رسیده است.

از سوی دیگر گزارش می‌رسد که در اوایل بهمن‌ماه جاری یک فروند هواپیمای C-130 ارتش در هنگام پرواز شبانه در مسیر اهواز- امیدیه سقوط کرده که منجر به کشته شدن کلیه سرنشینان و خدمه‌ی آن گردید. سقوط هواپیمای مزبور بدلیل فقدان حداقل الزامات ایمنی پرواز بوده و تمامی پرسنل و خدمه‌ی پرواز پایگاه‌های ترابری نیز پیش از این مخالفت خود را با انجام مأموریت‌های شبانه و منجمله پرواز مزبور ابراز کرده بودند اما کارگزاران خائن رژیم بنا به خواست سپاه ضد مردمی دستور انجام این پروازهای شبانه را صادر کردند.

سقوط هواپیمای حامل مهره‌های مهم رژیم

بنا به گزارش فرماندهی بخش ارتش در سازمان مجاهدین خلق ایران، روز یکشنبه ۱۹/ بهمن یک فروند هواپیمای اختصاصی از نوع فالکون، حامل ۵ سرنشین از ابادی مهم رژیم خمینی در منطقه امیدیه اهواز مورد اصابت شلیک پدافند نیروهای خود رژیم قرار گرفته و سرنگون گردیده و کلیه سرنشینان آن بهلاکت رسیده‌اند.

هواپیمای مزبور یکی از مهره‌های مهم رژیم را که در جبهه مجروح شده بود به تهران حمل می‌کرد که مابین ساعت ۴ و ۵ بعد از ظهر هدف شلیک پدافند قرار گرفت. نام این مهره‌ی مهم رژیم هنوز بطور کامل مشخص نشده اما نفر همراه وی، صفوی رئیس مهندسی سپاه جنگ و جنایت خمینی در جنوب بوده که وی نیز در دم بهلاکت رسیده است. از دیگر مقتولین این سانحه، خلبان هواپیما سرهنگ "یاورپور" فرماندهی گردان فرندشپ می‌باشد که معمولاً حمل و نقل سردمداران و مهره‌های مهم رژیم را در سفرهای هوایی بعهد داشت.

گزارشات رسیده حاکی است که محل سقوط هواپیما، فاینال امیدیه یعنی در فاصله‌ی ده مایلی امیدیه می‌باشد. شایان ذکر است که هدف قرار گرفتن هواپیماها بوسیله‌ی پدافند خودی در رژیم درهم ریخته و قرون وسطایی خمینی یک مسئله‌ی رایج می‌باشد و بنا به گفته‌ی خلبانان و کارشناسان نظامی مجاهد خلق، تعداد هواپیماهایی که به این طریق تا آخر سال ۶۴ سرنگون شده‌اند به ۵۴ فروند می‌رسد.

افزایش خودکشی

پی‌آمد دیگری از حاکمیت سیاه و ننگین خمینی

فقر، گرانی، گرسنگی، اختناق و مصائب و فشارهای عصبی ناشی از جنگ ضد میهنی و مزاحمت‌های مزدوران سرکوبگر رژیم خمینی، باعث افزایش چشمگیر موارد خودکشی در میان مردم ستمدیده و خمینی‌زده میهنمان شده است.

بنا به گزارشات رسیده در شهریورماه سال جاری یک خانم در اصفهان که با ۵۰ تومان پول و مراجعه به چندین قصابی موفق به خرید مقدار اندکی گوشت نشده بود، بخانه بازگشته و با ریختن سم در غذا باعث می‌شود که خودش، شوهرش، مادرشوهرش و ۴ فرزندش کشته شوند.

مردم خیابان شیخ بهائی اصفهان جنازه‌ی این ۷ نفر را که قربانی ظلم و ستم رژیم خمینی شده بودند صبح روز بعد در خانه‌ی آنها پیدا می‌کنند.

در تهران و سایر شهرستان‌ها نیز موارد مشابهی همواره اتفاق افتاده است. تنها به چند نمونه اشاره می‌کنیم: در اوایل آبان‌ماه سال جاری دختر ۱۶ ساله‌ای در تهران با خوردن قرص خودکشی کرد. در نوزدهم آذر مردی خود را از طبقه‌ی پنجم بیمارستان آراد به زیر انداخت و دردم جان سپرد. در سیام آذر، جوان ۳۰ ساله‌ای خود را از طبقه‌ی سوم یک پاساژ در خیابان میرداماد به پائین پرتاب کرد و کشته شد. در نهم دیماه جوانی در روستایی اطراف شوش خود را حلق‌آویز کرد و جان سپرد. در نیمه‌ی دیماه مرد ۴۳ ساله‌ای در منزل خود واقع در آریاشهر خود را حلق‌آویز کرد. و در اوایل بهمن‌ماه جاری مردی در فردیس کرج پس از کشتن همسر و فرزندش، با نفت خود را آتش زد و جان سپرد.

پیش از این نیز از خودکشی یک کارمند اخراجی رادیو-تلویزیون در تهران، خودکشی یک کارگر بیکار در قزوین، خودسوزی یک دستفروش زحمتکش در نتیجه‌ی مزاحمت‌های بی‌دری مزدوران ستاد سرکوبگر موسوم به ستاد رفع سد معبر در تهران و نیز خودکشی یک راننده‌ی زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی کرمان در نتیجه‌ی اجحافات و زورگویی‌های رئیس سرسپرده و مزدور این شرکت خبر رسیده است.

چرا سرهنگ صدیق

فرمانده پیشین نیروی هوایی رژیم برکنار شد؟

بنا به گزارشات موثق، علت برکناری سرهنگ صدیق فرماندهی پیشین نیروی هوایی، فرار معاون وی سرهنگ عابدی به خارج از کشور و فشارهای سپاه ضد مردمی برای برکناری وی بوده است.

سرهنگ عابدی که ریاست ستاد نیروی هوایی را نیز بعهد داشت از دوستان نزدیک سرهنگ صدیق در پایگاه یکم شکاری بود و توسط خود وی به این سمت گمارده شده بود. به همین دلیل سرهنگ صدیق نیز در مظان تبانی و همدستی با وی قرار

اخبار... ورود اداهای سیاسی

در ماندگی ساواک خمینی در قبال رزمندگان مجاهد خلق

بدنبال ضربات اخیر رزمندگان دلاور مجاهد خلق در اهواز، ساواک در مانده‌ی خمینی در این شهر با وحشت و زبونی بسیار لاعلمانه‌ای صادر کرد و احمقانه از مردم خواست تا علیه مجاهدین رای ساواک خمینی و دیگر ارگان‌های سرکوبگر رژیم جاسوسی کنند. این اطلاعیه که روز گذشته از رادیوی اهواز پخش شد، ماره‌تلفنی را بعنوان تلفن ستاد خبری ساواک خمینی در اهواز اعلام ده و ضمن تاکید بر اینکه تلفن مزبور بطور شبانه‌روزی آماده‌ی دریافت اخبار و اطلاعات از مردم می‌باشد، به خیال خود همنموده‌هایی هم بمنظور شناسایی رزمندگان مجاهد خلق به مردم داده است.

لازم به یادآوری است که در روز بیستم دیماه یکی از مراکز اطلاعاتی سپاه جنگ و جنایت خمینی در اهواز مورد تهاجم متهورانه‌ی رزمندگان مجاهد خلق قرار گرفت و ۲ تن از مزدوران بر اثر رگبار امان مسلسل‌های رزم‌آوران مجاهد، از پای درآمدند. در روز ۱ دیماه نیز طی تهاجم دلاورانه‌ی یک واحد عملیاتی از رزم‌آوران ناهد خلق، آخوند جنایتکار فخرالدین طباطبائی دژخیم دادستانی بینی در اهواز به‌هلاکت رسید و یک تن از مزدوران محافظش نیز روح گردید.

ساواک خمینی و ارگان‌های سرکوبگر او در اهواز که از این بات وحشت‌زده و کلافه شده‌اند، با صدور این اطلاعیه، عجز و پارگی خود را در قبال عملیات انقلابی رزمندگان دلاور مجاهد ق و استقبال مردم از فرزندان رشید خود ابراز کرده و بر همه‌ی زخوانی‌های رژیم در مورد قدرت ساواک خمینی مهر باطل زدند.

دگان موسوم به بهشتی طی عملیات نفوذی منفجر گردید

بنا به گزارشات موثق رسیده، در اوایل بهمن‌ماه جاری طی یک ننامه‌ی محرمانه‌ی حفاظتی و امنیتی که به قسمت‌های مختلف سپاه برمدی در پادگان موسوم به ولیعصر ابلاغ گردید، رژیم برخلاف ی قبلی خود، تصریح کرد که انفجار پادگان بهشتی واقع در نت‌آباد تهران که در آن حدود هزار نفر از مهره‌ها و کارگزاران و جنایت سپاه خمینی به‌هلاکت رسیدند یک ضربه‌ی نظامی بوده و با افراد نفوذی انجام گرفته است.

در این بخشنامه که یک سلسله رهنمودهای باصطلاح حفاظتی و ی به مزدوران زبون و وحشت‌زده‌ی خمینی داده شده، منجمله از خواسته شده که درهای ورود و خروج پادگان‌های سپاه را تحت و مراقبت کامل داشته باشند.

در همین رابطه حفاظت پادگان سپاه ضد مردمی موسوم به ولیعصر بازرسی و کنترل مزدوران خود تقاضای ۸۰ سکو بازرسی کرده علاوه بر این مقرر گردیده که حتی کارت‌های شناسایی پاسداران دقت کنترل شود.

لژارشات مزبور همچنین حاکیست که رئیس خائن ستاد مرکزی خمینی بنام "محتاج" کلیه فرماندهان جنایتکار سپاه را جمع و در وحشت از تکرار چنین ضربه‌هایی طی یک بخشنامه‌ی کاملاً

سری به آنها دستور داده است که کلیه پادگان‌ها بایستی با سرعت هرچه تمام‌تر مهمات خود را به خارج از شهر منتقل کنند و از جمله بنا بر گزارشات رسیده، قرار است کلیه مهمات پادگان ضدامام حسین به یک انبار در حوالی قم منتقل شود.

"اینست واقعیت ایران" تصویر برگزیده‌ای از مطبوعات سوئیس

مجله‌ی سوئسی "درشویتس ریشه‌به‌آخترا" در شماره‌ی ۱۰ بهمن‌ماه خود مقاله‌ای درباره‌ی رژیم خمینی، اوضاع مقاومت و محکوم‌کردن ماجرای ارسال سلاح از سوئیس به ایران درج کرده است. در روی جلد این مجله که تیراژ آن ۴۷۰ هزار است عکسی از خمینی چاپ شده که سمبل آزادی سوئیس را در چنگ دارد و مضمون آن این است که خمینی یک فیگور متناقض با سمبل آزادی یعنی یک سمبل "ضد آزادی" است. بخش‌هایی از این مقاله در زیر آمده است: "...در دسامبر ۱۹۸۶ نماینده‌ی مجاهدین خلق ایران کشور ما را مورد سرزنش سنگینی قرار داد. مجاهدین قوی‌ترین گروه اپوزیسیون را تشکیل می‌دهند که بر علیه شاه جنگیده‌اند و مدت‌ها است که تحت شدیدترین تعقیب‌ها قرار دارند..." سپس در ادامه به معرفی سازمان مجاهدین می‌پردازد:

"نماینده‌ی اصلی اپوزیسیون ایران مجاهدین خلق هستند. این گروه که در ابتدا از طرف دانشجویان، پزشکان و روشنفکران حمایت می‌شد بر علیه شاه جنگیده است. پس از بدست‌گیری قدرت توسط خمینی، مجاهدین بزودی مورد غضب حکام جدید قرار گرفتند. در نقطه‌ی مقابل خمینی، این گروه اپوزیسیون خواهان گسترش دموکراسی در کشور و برقراری انتخابات آزاد می‌باشد. آنها جهت پایان دادن به جنگ بین ایران و عراق تلاش می‌کنند. بیانیه‌ی صلح شورای ملی مقاومت ایران از طرف ۱۵۹ سیاستمدار و نمایندگان پارلمان سوئیس مورد حمایت قرار گرفته است..."

در فوریه/۱۹۸۳، مدت کوتاهی قبل از بستن قرارداد بین شرکت اورلیگون بوردل و رژیم ایران وقایع هولناکی در جبهه‌های جنگ بر علیه عراق و در داخل کشور اتفاق افتاد... در پاریس نماینده‌ی اپوزیسیون ایران اعلام کرد که در مدت زمانی ۲۲ تا ۲۸ ژانویه، ۱۵۰۰ زندانی سیاسی در زندان اوین اعدام گشته‌اند..." [اشاره به یکی از گزارشات اعدام در سال‌های گذشته]. مقاله سپس چنین ادامه می‌یابد؟

"...از آن موقع تا بحال اوضاع در ایران بهتر نشده است... هر کسی که در کشور، خودش بدون قید و شرط شعارهای رژیم خمینی را دنبال نکند، بایستی برای تحت تعقیب وحشیانه قرار گرفتن، شکنجه و یا اعدام‌گشتن حساب باز کند؛ اعدام‌ها علنی توسط کتاب دار، تیرباران بچه‌ها، سنگساران، دستگیری‌های دسته‌جمعی، دادگاه‌هایی که در آنها حکم از قبل تعیین شده، این است واقعیت ایران.

پارلمان اروپا، سازمان ملل، سازمان عفو بین‌الملل و سازمان‌های دیگری دولت ایران را بعلت نقض زیربنایی حقوق بشر محکوم کرده‌اند..." این مقاله در ادامه بشدت علیه ماجرای ارسال سلاح از سوئیس برای رژیم خمینی موضع گرفته و آنرا محکوم کرده است.

برای تصرف بصره، یک میلیون کشته دادن بهای کمی است!!

بر اساس گزارش نشریه انگلیسی فارین ریپورت (۹/ بهمن): دژخیم جنگ‌افروز جماران طی پیامی برای شورای عالی دفاع رژیم ننگینش گفته است که حدود یک میلیون شهید، بهای نازلی برای (تصرف) بصره می‌باشد.

اخبار... ورویدادهای سیاسی

هلاکت نماینده خمینی در نیروی زمینی سپاه یک عضو دفتر سیاسی سپاه ضد مردمی و گروهی دیگر از مهره‌ها و فرماندهان رژیم

در جریان تهاجمات شکست‌خورده‌ی ضدکربلای ۵، آخوند میثمی، نماینده‌ی خمینی در نیروی زمینی سپاه و همچنین مهره‌ی جنایتکاری بنام یسری از عناصر دفتر سیاسی سپاه خمینی نیز به‌هلاکت رسیده‌اند. گزارش رسیده در مورد چگونگی هلاکت آخوند جنایتکار میثمی حاکی است که اتومبیل وی حوالی هفتم بهمن‌ماه جاری حین تردد در منطقه‌ی تهاجم شکست‌خورده‌ی ضدکربلای ۵ در محلی بنام پنج‌ضلعی در بالای شلمچه مورد اصابت یک گلوله‌ی توپ قرار گرفته و او پس از چند روز بیهوشی در تاریخ یکشنبه دوازدهم بهمن‌ماه جاری به‌هلاکت رسیده است.

آخوند میثمی بعد از تشکیل سپاه ضد مردمی، تا سال ۶۳ نماینده‌ی خمینی ضدبشر در سپاه شیراز بود و پس از آن بعنوان نماینده‌ی دژخیم جماران در قرارگاه ضدحضرت خاتم در جنوب یگار پرداخت. آخوند جنایتکار میثمی مدتی نیز معاون محلاتی، نماینده‌ی معدوم خمینی در سپاه بود. وی بدنبال هلاکت محلاتی مدتی در این سمت باقی ماند و سپس بعنوان نماینده‌ی خمینی در نیروی زمینی سپاه سرکوبگر در خدمت اهداف جنگ‌افروزان و جنایتکارانه‌ی دژخیم جماران قرار داشت.

مراسم دفن این سرکرده‌ی جنگ و جنایت خمینی روز سه‌شنبه چهاردهم بهمن در اصفهان برگزار شد و شماری از سرکردگان رژیم نظیر محمدی عراقی نماینده‌ی خمینی در سپاه ضد مردمی و سایر رؤسای دفتر نمایندگی دژخیم جماران جهت شرکت در مراسم خاک‌سپاری این مزدور به اصفهان رفتند.

گزارشات رسیده همچنین حاکی است که یسری از مزدوران عضو دفتر سیاسی سپاه جنگ و جنایت نیز در منطقه‌ی عملیاتی ضدکربلای ۵ و در نتیجه‌ی اصابت ترکش خمپاره به‌هلاکت رسیده است.

از دیگر مهره‌ها و فرماندهان به‌هلاکت‌رسیده‌ی رژیم در جریان تهاجمات ضدکربلای ۵ بایستی از رئیس جنایتکار ساواک خمینی در گرمسار و همچنین رئیس تیم حفاظتی رفیق‌دوست وزیر خائن سپاه جنگ و جنایت نیز نام برد.

گزارش رسیده در مورد هلاکت حسن کاسبان رئیس جنایتکار اداره‌ی اطلاعات گرمسار حاکی است که وی جهت بازدید از جبهه‌های جنگ و سرکشی به افراد تیپ ۱۲ ضدحضرت قائم‌سنان، به منطقه‌ی تهاجم ضدکربلای ۵ رفته و در آخرین روزهای دیماه گذشته به‌هلاکت رسیده است.

"حسن کاسبان" معدوم از دژخیمان جنایتکار خمینی در گرمسار بود که از سال ۶۴ تا زمان هلاکت، بعنوان رئیس اداره‌ی اطلاعات گرمسار در شکنجه و تیرباران تعدادی از مجاهدین و مبارزین دست داشت.

همچنین حسن‌زاده، مهره‌ی جنایتکاری که سرپرستی تیم حفاظتی رفیق‌دوست وزیر سپاه خمینی را برعهده داشت نیز در جریان تهاجمات شکست‌خورده‌ی اخیر به‌هلاکت رسیده است.

حسن‌زاده‌ی مزدور پیش از این مدتی سرکردگی تیم حفاظتی

موسوی‌تبریزی دادستان جنایتکار بیدادگاه‌های ضدانقلاب خمینی را برعهده داشت.

در همین حال در میان انبوه کشته‌شدگان جنگ‌افروزی‌های اخیر رژیم خمینی، شمار دیگری از مهره‌های سرکوبگر و فرماندهان جنایتکار سپاه ضد مردمی وجود دارند که اسامی برخی از آنها عبارت است از: -آخوند مصطفی انصاری، از عوامل اختناق و سرکوب در مجتمع سیمان و فارسیت درود.

- علیرضا نوری، قائم‌مقام فرماندهی لشکر ۲۷ ضدحضرت محمد از سپاه جنگ و جنایت خمینی

- محمدرضا محمودیان، رئیس بسیج ضد مردمی سپاه بلوچستان - غلامرضا بامروت، فرماندهی گردان سلمان از لشکر موسوم به قدس.

وحشت رژیم جنگ‌طلب خمینی

از اعتراضات مردم بجان‌آمده علیه جنگ ضد میهنی

در شرایطی که تهاجمات تجاوزکارانه و اصرار خائنانی اهریمن جماران بر ادامه‌ی جنگ ضد میهنی باعث تشدید بیسابقه‌ی جنگ فاجعه‌بار شهرها و کشته و مجروح شدن هزاران تن از مردم بیدفاع و بلادیده‌ی میهنمان گردیده و خشم و اعتراض آنها را بر علیه رژیم جنگ‌افروز و ضدبشری خمینی برانگیخته است، کارگزاران خائن رژیم خواستار کنترل اعتراضات مردم بجان‌آمده علیه دجال جماران و جنگ ضد میهنی او شدند.

در همین رابطه ورق‌پاره‌ی کیهان ۱۳/بهمن، ضمن تلاش برای کم‌اهمیت جلوه دادن خسارات و ضایعات انسانی وارده بر مردم میهنمان نوشت:

... سعی کنید قضای جان‌پناه از پرخاش و سروصدای بیمورد مصون بماند و افراد عصبی و ناراحت را... دعوت به سکوت کنید.

... در موقع بمباران‌ها، بهترین صحبت‌ها توضیح رشادت رزمندگان و دعا برای پیروزی آنان است. در اینگونه مواقع از صحبت کردن راجع به خطراتی که پیش‌بینی می‌شود جداً خودداری کنید.

... حتی اگر در خود احساس نگرانی می‌کنید سعی نمائید خود را کنترل کنید.

این باصطلاح توصیه‌های ایمنی و درواقع به مفهوم خط‌ونشان کشیدن‌های سرکوبگرانه برای جلوگیری از فریادهای مرگ بر خمینی، در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم ضد مردمی خمینی از ابعاد انزجار و تنفر عمومی مردم نسبت به این جنگ ضد میهنی بخوبی آگاه است و بعلاوه طی ۶ سال‌ونیم جنگ خانمانسوز، رژیم خمینی بی‌اعتنا به جان و هستی مردم از اختصاص کمترین بودجه برای تأسیس پناهگاه و جان‌پناه خودداری کرده و اخیراً نیز رفسنجانی ملیجک دربار خمینی به مردم بی‌پناهی که مایحتاج اولیه‌ی زندگی را هم به سختی بدست می‌آورند گفت که سعی کنید خودتان پناهگاه درست کنید تا ما از پشت‌جبهه تحت فشار قرار نگیریم و مجبور نشویم در جنگ کوتاه بپاییم.

"مسئولیت ادامه‌ی کشتار را خمینی برعهده دارد"

روزنامه‌ی "اومانیتا" ارگان حزب سوسیال‌دمکرات ایتالیا در شماره‌ی مورخ ۱/فوریه در مقاله‌ای نوشت: "... هفته‌ی قبل، بغداد از ایتالیا... خواست تا کشورمان با تهران در رابطه با صلح مذاکره کنند. اما این اقدام در برابر "نه" قاطع ایران بلوکه شد. درحالی‌که عراق بیش از همیشه حاضر به مذاکره بنظر می‌رسد کسی که واقعاً تقصیر ادامه‌ی کشتار را دارد خمینی است..."

اخبار... ورود اداهای سیاسی

نقض سیستماتیک حقوق بشر توسط رژیم خمینی
در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد بررسی می‌شود

بگزارش خبرگزاری رویتر (۱۵/بهمن) پروفیسور پیترو کویچ مانس یکی از مقامات رسمی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد که گزارش شکنجه در اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را قرائت می‌کرد، گفت: "رفتار رژیم خمینی با مخالفان سیاسی و افراد عادی قابل تحمل نیست". وی همچنین خاطرنشان نمود با کسانی که در درگیری‌ها و سرکوب داخلی در ایران شکنجه شده‌اند، از نزدیک دیدار کرده است [پروفیسور کویچ مانس دیدارهایی با تعدادی از مجاهدین شکنجه شده داشته است].

اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد که از تاریخ سیزدهم بهمن‌ماه جاری در ژنو تشکیل گردیده و به مدت ۶ هفته ادامه خواهد داشت، وضعیت نقض حقوق بشر در ایران تحت حاکمیت خمینی را مورد بررسی قرار خواهد داد.

پروفیسور کویچ مانس که برای دومین سال پیاپی گزارش شکنجه را به این اجلاس ارائه می‌داد گفت: "گزارشات متعددی از اعمال شکنجه در ایران دریافت کرده است".

از سوی دیگر خبرگزاری فرانسه در ۱۴/بهمن گزارش داد که دو کمیسیون حقوق بشر در آمریکا، با انتشار گزارشی، رژیم خمینی را رژیم معرفی کرد که بعنوان ناقض شدید حقوق بشر در سطح بین‌المللی شناخته شده است. در گزارش این مجامع حقوق بشری هرگونه فروش اسلحه و معاملات تسلیحاتی آمریکا با رژیم خمینی بخاطر نقض شدید و مستمر حقوق بشر توسط رژیم خمینی تقبیح شده و مغایر با قوانین ایالات متحده اعلام شده است. قانونی که برحسب آن دولت ایالات متحده از فروش سلاح به رژیمی که جامعه بین‌المللی آنرا بخاطر نقض حقوق بشر محکوم کرده باشد، منع نموده است.

شعار نویسی علیه جنگ ضد میهنی در اماکن عمومی تهران

بدنبال تهاجمات جنایتکارانه و شکست خورده‌ی ضدکربلای ۵ که بیش از یکصد هزار تلفات از اتباع ایران بجای گذاشت، مردم بجان آمده اعتراضات خود را علیه جنگ، در اشکال مختلف ابراز می‌کنند.

در همین رابطه گزارشات رسیده از تهران حاکی است که میزان شعارنویسی علیه جنگ و علیه خمینی جنگ‌افروز، بخصوص در اتوبوس‌های شرکت واحد بطور چشمگیری افزایش یافته است. کارکنان مزدور رژیم در شرکت واحد تهران به کلیه رانندگان این شرکت دستور داده‌اند به محض مشاهده این شعارها بر درودیوار و صندلی اتوبوس‌های خود به مرکز مراجعه کنند تا جهت پاک کردن شعارها اقدام شود.

گزارشات واصله حاکی است، درحالیکه کارکنان خمینی مذبوحانه تلاش می‌کنند شعارهایی را که علیه جنگ و در حمایت از صلح بر روی اتوبوس‌ها نوشته شده از بین ببرند، در مراکز، پارکینگ‌ها و ادارات مختلف شرکت واحد نیز شعارهای ضدجنگ و ضدخمینی نوشته می‌شود. به همین خاطر برخی از ایادی رژیم درمانده‌ی خمینی در شرکت واحد، با احتمال اینکه کارکنان این شرکت نیز در شعارنویسی علیه جنگ و علیه دجال جنگ‌افروز جماران دست دارند، درصدد یافتن شعارنویسان و عاملین شعارنویسی در شرکت واحد برآمده‌اند.

یکبار دیگر لغو مسابقات فوتبال در وحشت از تظاهرات مردم علیه رژیم

رژیم متزلزل خمینی در وحشت از اجتماع مردم و براه افتادن تظاهرات و راهپیمایی‌های اعتراضی در میادین ورزشی، مسابقات فوتبال بین‌المللی را که قصد داشت از آن در جریان مراسم فرمایشی و نمایشات تبلیغاتی خود بعنوان نمایش باصطلاح "ثبات رژیم" سو استفاده کند، لغو کرد.

این مسابقات قرار بود از روز ۲۴ بهمن‌ماه در تهران برگزار شود و تیم‌های فوتبال چین، آلمان شرقی، پاکستان، لهستان، رومانی و سوریه در آن شرکت کنند.

کارگزاران رژیم درمانده‌ی خمینی در توجیه لغو این مسابقات مدعی شدند که مقررات فدراسیون بین‌المللی فوتبال اجازه می‌دهد تا کشورهای در حال جنگ از میزبانی مسابقات بین‌المللی معاف شوند.

در حالیکه مردم بی‌پناه

طعمه تنور جنگ ضد میهنی خمینی می‌شوند

سردمداران جنگ‌افروز رژیم به سوراخ‌های امن خزیده‌اند

در حالیکه صدها هزار تن از هم‌میهنان محروم و ستم‌دیده‌ی ما در نتیجه‌ی اصرار خائنانه‌ی خمینی ضدبشر بر ادامه‌ی جنگ ضد میهنی و تشدید بی‌سابقه‌ی جنگ شهرها، آوارهی شهرها و بیابان‌ها شده‌اند، سردمداران و امام جمعه‌های جنایتکار رژیم خمینی به سوراخ‌های تودرتو و پناهگاه‌های مستحکم حفاظت شده خزیده‌اند.

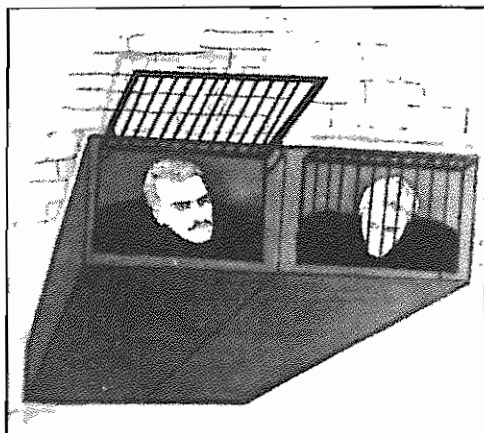
منجمله حسنی امام جمعه‌ی جنایتکار ارومیه برای نجات جان لیدش منزل خود را ترک کرده و به ستاد امنیت شهر در فرمانداری ه دارای پناهگاه‌های مستحکم می‌باشد، نقل مکان کرده است. طاهری خائن، امام جمعه‌ی اصفهان و مزدوران دفترش نیز از رس بمباران هوایی در پناهگاه‌هایی که مانند سنگر ساخته شده ندگی می‌کنند.

در قم تعداد زیادی از آخوندهای حوزه‌ی جهل و جنایت ارتجاع مینی بعد از بمباران‌های اخیر، شب‌ها در پناهگاه‌هایی که در رداب‌های خانه‌های خودشان و یا در سرداب‌های حوزه‌ها درست ده‌اند بسر می‌برند و اکثرآ نیز در منازل قبلی‌شان نیستند. زرنندی ام جمعه‌ی جنایتکار خمینی در کرمانشاه نیز منزلش را ترک کرده و امکاناتی که رژیم برای وی در خارج شهر تهیه کرده بسر می‌برد. ته می‌شود که این آخوند جنایتکار به بهانه‌های مختلف به تهران رود تا هر چه بیشتر از بمباران هوایی در امان باشد.

اگر مردم گرسنه باشند

مسئله‌ای نیست!!

رفسنجانی جنایتکار در سخنان ردیلانه‌ی خود در نماز جمعه‌ی ۴ بهمن‌ماه گفت: اکنون مردم ما برای خوابیدن و خوردن زنده تند. اگر همگی ما گرسنه هم باشیم مسئله‌ای نمی‌تواند باشد زیرا ما باز و روشن است!!



آفتون بلادت - سوئد

۸۷ / فوریه

AFTONBLADET

IRAN

Tortyr på
64 sätt

گزیده مطبوعات جهان

از صفحه ۲۳

ایران - شکنجه به ۶۴ روش

را می نویسند: زندانیان را مجبور می کنند که به اعدام زندانیان دیگر و یا شکنجه شدن آنها نگاه کنند. زندانیان را همچنین مجبور می کنند که اجساد کسانی که اعدام می شوند را به بیرون منتقل کنند.

بنا بر گفته ی مجاهدین خلق تعداد شمارش شده ی روش های شکنجه تنها "بخش ناچیزی" از حاکمیت وحشت در بیش از پانصد زندان رژیم خمینی می باشد.

مجاهدین خلق لیستی با نام نزدیک به چهارهزار شکنجه گر را منتشر کرده اند.

ریخته و متلاشی شده است؛ رژیم ناچار است ۸۰٪ از تولیدات صنعتی خود را وارد کند. از زمانی که خمینی قدرت را در ایران بدست گرفته تولیدات کشاورزی بمیزان ۵۰٪ کاهش یافته و ۲۵٪ از حاصلخیزترین زمین های کشاورزی تا به حال حتی شخم هم زده نشده است. صادرات نفت بگونه ای وحشت انگیز تحلیل یافته ارقامی که از طرف اوپک در شش ماهی اول سال ۸۶ اعلام گردیده است میزان این کاهش را ۵۳٪ نشان می دهند. ارزی که رژیم از فروش نفت در همین دور بدست آورده نزدیک به ۳/۳ میلیارد دلار می رسد درحالی که هزینه ی جنگ در هر ماه نیم میلیارد دلار است مردم ایران بدنال ادامه ی جنگ و سیاست های سرکوبگرانه ی بقیه در صفحه ی بعد

بدن به مرور زمان پاره می شود. بنابر سند اپوزیسیون، زنان را با همان بیرحمی شکنجه می کنند که مردان شکنجه می شوند. گفته می شود تجاوز در زندان ها خیلی عادی است. قبل از اینکه زنان را اعدام کنند آنها را به عقد یک پاسدار درمی آورند. یک زن مجاهد بنام زهرا فروغی را در شهر شیراز زنده بگور کردند. شکنجه گران میخ به سینه ی یک زن حامله بنام طاهره حبیب پور فرو کردند. همزمان او را شلاق نیز می زدند. زنان زندانی را با تراشیدن موی سر آنها تحقیر می کنند مجاهدین خلق بعنوان نمونه ای از شکنجه های روانی چگونگی اعدام مصنوعی زندانیان

معمولی ترین روش می باشد. یک زندانی را تقریباً نه هزار ضربه ی شلاق زدند تا اینکه مُرد. نمونه های دیگر شکنجه: شکنجه با برق، تزریق اجباری مرفین که بطور ناگهانی قطع می کنند تا ایجاد درد وحشتناک کند، ضربه ی کاراته، "فوتبال": شکنجه گران زندانی را بین خود لگد می زنند، راه عبور ادرار را با نخ می بندند طوری که مثانه می ترکد و کلیه ها را از بین می برد، "باستو": زندانی را در یک اتاق تنگ انداخته و بخار داغی روی او باز می کنند. قلاب: یک قلاب را وارد یک بازو و یا پا می کنند و زندانی را با آن آویزان می کنند، به این ترتیب گوشت

بنا به گزارشی از سازمان ملل متحد که در این هفته منتشر شد، ایران جزو چهار کشوری می باشد که در شکنجه کردن زندانیان در دنیا بدترین هستند. این گزارشات شکنجه در ایران را "هشداردهنده" توصیف می کنند. همزمان، بزرگترین گروه مقاومت مخفی در ایران - مجاهدین خلق - یک سند تکان دهنده در مورد شکنجه در زندان های ایران منتشر کرد. مجاهدین خلق، رژیم خمینی را متهم به حداقل ۶۴ روش مختلف شکنجه می کنند. از این میان ۴۸ نوع شکنجه ی فیزیکی و ۱۶ نوع شکنجه ی روانی می باشند. شلاق زدن با کابل الکتریکی

دیاریو د نوتیسیاس - پرتغال

۸۷ / ژانویه ۲۳

Diário de Notícias

بحران:

کودکان را به جبهه های مرگ می کشاند

درآمدهای اقتصادی که این کشور گریبانگیرش شده است حمایت و جانپداری می کنند. چنانکه از داده های رسمی برمی آید درصدی که از بودجه ی رژیم به مقاصد جنگی اختصاص داده شده است در سال مالی ۸۷ و ۸۶ به ۳۵٪ می رسد درحالی که در سال گذشته به میزان ۲۵٪ می رسید ولی آنطور که از قرائن برمی آید مخارج جنگی بایستی میزانی بر مراتب بیشتر از این باشد یعنی براحتی می تواند از مرز ۵۰٪ نیز پیشی جوید. اقتصاد کشور کاملاً درهم

ناچار به ترک خانه هایشان شده اند و بیش از ۸ هزار کارخانه تعطیل گشته اند. خمینی با ۸۶ سال سن و وضع سلامتی وخامت آمیزش هدف اصلی انتقادات این سازمان مخالف می باشد، سازمانی که او را نه فقط در پی توسعه و گسترش "خواسته های توسعه طلبانه ی قرون وسطایی اش" به حفظ و تداوم جنگ متهم می کند. بلکه درعین حال معتقد است که رژیم خمینی از ادامه ی جنگ بمنظور پوشاندن بحران های وخیم داخلی که در نتیجه ی ته کشیدن

شرح غم انگیز ۶ سال ونیم جنگ بین ایران و عراق که توسط اپوزیسیون رژیم خمینی، سازمان مجاهدین خلق ایران جمع و گردآوری شده، نشانگر این حقیقت است که تنها در طرف ایران ۵۰۰ هزار تن قربانی و به همین تعداد زخمی و معلول بجای مانده است. در کنار کشته و زخمی شدگان سیل ۵ میلیونی آوارگان جنگی بچشم می خورند. ۵۰ شهر تقریباً تخریب و از بین رفته اند، ۳ هزار روستا و آبادی بکلی خالی از سکنه شده و اهالی آنها بخاطر ابعاد گسترده ی جنگ



گزیده مطبوعات جهان

Dagbladet

داگبلادت - نروژ

۲۴/فوریه/۸۷

سال سرنوشت خمینی

بنا بر گفته‌ی جنبش مقاومت مجاهدین، سال اسلامی ۱۳۶۶ که ۲۱/مارس آغاز می‌شود، سال سرنوشت خمینی خواهد بود. حسین شمسایی از بخش مطبوعاتی مجاهدین در اسکاتلند می‌گوید: "خمینی به ایرانی‌ها وعده داده است که جنگ علیه عراق را ببرد. او از عهده‌ی انجام این وعده برنخواهد آمد." شمسایی یک پیروزی علیه عراق را باور ندارد گرچه نیروهای خمینی در این

اواخر منطقه‌ی کوچکی از جنوب عراق را تصرف کرده‌اند. رژیم خمینی حمله‌ی اخیر را بعنوان تلاشی برای کاهش تشنجات داخلی در ایران انجام داده است. شمسایی می‌گوید: "برای اینکه توجهات عمومی را از مشکلات اقتصادی، معاملات اسلحه با آمریکا و مبارزه‌ی قدرت منحرف کنند، خمینی مجبور بود که به چنین کاری دست بزند." بنا به گفته‌ی مجاهدین مردم ایران از جنگ ایران و عراق منقلب و بشدت خشمگین هستند...

خواهد شد، می‌گوید: "جالب است ببینیم که مقامات رژیم سال آینده را با چه برگی می‌خواهند بازی کنند." و مجاهدین می‌خواهند از این مشکلات خمینی استفاده کنند.

شمسایی می‌گوید: "ما نبرد و مقاومت خود را در آینده‌ی نزدیک افزایش خواهیم داد. منجمله ما در حال سازمان‌دادن مراکز فرماندهی نظامی در استان‌های مهم کشور هستیم."

شمسایی در جواب این سؤال که چرا اپوزیسیون از موقعیت کنونی که ایران نیروهای زیادی را در جبهه‌ی جنوبی عراق متمرکز کرده است استفاده نمی‌کند می‌گوید: "سازماندهی یک جنبش مقاومت نظامی نیاز به حداقل زمان دارد."

چریک‌های مجاهدین طی مدت اخیر ضرباتی علیه چندین رهبر نظامی و سیاسی در ایران وارد کرده‌اند... حسین شمسایی می‌گوید "پاسداران را در استان‌ها متفرق می‌کنیم و ضربتی نهایی را در تهران وارد خواهیم آورد." *

شمسایی که اکنون ضعف نظامی رژیم خمینی را می‌بیند می‌گوید: "مردم نگران از دست‌دادن جبهه‌های خود در میدان جنگ هستند و اعزام منجمله جبهه‌ها به جبهه‌های جنگ همچنان ادامه دارد. اگرچه مردم جرات نمی‌کنند آنها را به روزنامه‌نگاران بگویند. اینکه پاسداران را به جبهه‌ها اعزام کرده‌اند، نشانه‌ی قدرت نیست، برعکس نشانه‌ی ضعف آنها است." شمسایی می‌گوید: "قبلاً روی داوطلبین آموزش‌ندیده در خط اول، گروه‌هایی از پاسداران در خط دوم و ارتش در خط سوم سرمایه‌گذاری می‌کردند. اکنون بایستی پاسداران بیش از پیش از خود مایه بگذارند. این هم بعلت گمبود داوطلبین و هم بعلت بی‌اعتمادی به سربازان ارتش می‌باشد."

بنا به گفته‌ی سخنگوی مجاهدین رژیم خمینی دیگر قادر نیست به مردم وعده و وعید بدهد. شمسایی که معتقد است سال آینده خمینی با مشکلات زیادی در داخل ایران مواجه

وقتی خمینی صحنه را ترک کند،

آنوقت سیاست‌های ...

بقیه از صفحه ۲۳

خمینی] هرچند مرج خواهد آمد هیچ ریشه‌ای در واقعیت ندارد. آلترناتیو مردمی و دموکراتیکی که حکومت فئالیک خمینی را سرنگون بکند می‌تواند تمامیت ارضی ایران را حفظ کند و همچنین ثبات در خلیج فارس را حفظ خواهد کرد.

نه خمینی، و نه هیچ "عنصر مدره‌ای" در داخل رژیمش نمی‌تواند شرایط آشفته‌ی حاضر را آرام نماید. راه‌حل در بیرون از این رژیم است. به کمک خمینی آمدن درست در زمانی که رژیم دارد سقوط می‌کند مفهوم استراتژیک مهلکی خواهد داشت. حمایت از شاه در روزهای آخرش برای حفظ رژیم دیکتاتوری او با شکست مواجه شد. فروش سلاح به خمینی هم حکومت بی‌ثبات خمینی را نجات نخواهد داد.

مردم ایران بعد از خلاصی خودشان از جور و ستم یک دیکتاتور، آماده‌ی آزادی ایران از چنگال دیکتاتوری دیگر هستند. وقت آن رسیده است که دنیا جنبش مقاومت مردم ایران برای صلح و آزادی را برسمیت بشناسد *

میادین مین رها می‌سازند. آنها بایستی از روی این مین‌ها عبور کنند. در یک لحظه انفجار ناشی از مین بدن‌های تکه‌پاره‌ی این کودکان را در گوشه و کنار صحرا پراکنده می‌سازد. در پشت خطوط سرهای جدا شده‌ی این کودکان معصوم در تابوت‌های کوچک حمل می‌شود."

مجاهدین خلق ایران رژیم خمینی را به تمامی این بیرحمی‌ها و شرارت‌های پایان‌ناپذیر محکوم می‌کنند. شکنجه‌های اعمال‌شده در زندان‌های رژیم که توسط دوربین‌های عکاسی مستند شده‌اند بخوبی چهره‌ی بربر و خون‌آشام رژیم را نشان می‌دهد. شورای ملی مقاومت به رهبری مسعود رجوی بمنظور خاتمه دادن به جنگ طرحی برای صلح را تدارک دیده‌اند که دهها کشور و بسیاری از شخصیت‌های جهانی از آن حمایت و پشتیبانی کرده‌اند. علیرغم کوشش‌های دیپلماتیک انجام‌گرفته چشم‌انداز صلح هنوز در خلیج فارس دور بنظر می‌رسد *

بحران:

کودکان را به جبهه‌های مرگ می‌کشاند

قیه از صفحه‌ی قبل

نیمینی خسته و از رمق افتاده‌اند. هر روز نه می‌گذرد از میزان کالاهای ضروری زندگی استه می‌شود. تورم سیر صعودی حش‌انگیز دارد و سرکوب و اختناق یداد می‌کند. خمینی بمنظور گرم نگهداشتن بیهه‌های جنگ، زنان و کودکان را به این بیهه‌ها گسیل می‌دارد. درحالی‌که از طرف یگر مدارس یکی بعد از دیگری تعطیل یشود. اعترافات اکرمی وزیر فرهنگ رژیم بود بیانگر این واقعیت می‌باشد: "طی سال نشته بیش از ۱۰۰ هزار شاگرد مدرسه، ۳ هزار استاد در زمان‌های مخصوص دوره‌های یش نظامی را طی کرده‌اند."

گزارش یکی از جراید رژیم خود گویای مه‌چیز می‌باشد:

"یکی از آنها ۱۴ ساله و دیگری ۱ ساله می‌باشند و پابپای سربازانی که نشان ۲۰ و ۲۵ می‌رسد خود را با شمانی باز و گوش‌هایی کاملاً شنا به روی

ریال می باشد. قیمت مزبور چهار برابر بیش از قیمت یکسال پیش می باشد. یک کیلو شکر ۳۰ ریال به قیمت رسمی است ولی ۹۰۰ ریال در بازار آزاد است. یکسال پیش یک کیلو شکر را می شد به نصف این قیمت یا حدود ۵۰۰ ریال خریداری کرد.

بنزین هر لیتر ۱۸۰ ریال

کوپن های جیره بندی بنزین چهارهزار و پانصد ریال برای نوع بنزینی که فرد می تواند ماهانه به مقدار ۳۰ لیتر بخرد، قیمت دارند. به آن باید نهصد ریال برای خرید خود ۳۰ لیتر بنزین اضافه کرد به این ترتیب هر لیتر برای راننده ۱۸۰ ریال تمام می شود.

کمبود ارزاق آنچنان گسترده است که یک دیپلمات خارجی در تهران می گوید که خیلی از کارکنان سفارتخانه هر هفته از تهران با هواپیما به امارات متحده عربی می روند تا گوشت و میوه ی تازه بخرند. مسافت تهران تا امارات عربی هزار و سیصد کیلومتر، معادل مسافت دانمارک تا پاریس است.

می توانند به خارج سفر کنند

ایرانیانی که دنبال شرایط بهتری می باشند و یا می خواهند از جنگ فرار کنند کشور را ترک می کنند. اما آنها اجازه ندارند که با خود پول همراه ببرند. گفته می شود بیش از یک میلیون ایرانی بعد از انقلاب در فوریه ۱۹۷۹ ایران را ترک کرده اند. مهرناز که ۳۷ ساله می باشد و کارمند یک شرکت دولتی بود ایران را وقتی که پسرش به ۱۵ سالگی رسید ترک کرد تا از به خدمت رفتن پسرش جلوگیری کرده باشد، کیساریای پناهندگان در ژنو گفته در سال های اخیر هر ساله حدود چهارهزار ایرانی نام خود را بعنوان پناهنده ثبت کرده اند. ولی اکثر آنها نزد UN ثبت نام نمی شوند. و برخی منابع می گویند که چهارصد هزار ایرانی در ترکیه بسر می برند.

شکر، پنیر و هر چیزی که مورد نیاز من است بگردم من بایستی یک ساعت در صف هر یک از این مواد غذایی صرف کنم. بعد ادامه می دهد: "بعد به خانه می روم و صبحانه درست می کنم در ساعت چهار بعد از ظهر دوباره بیرون می روم تا دنبال مواد غذایی بگردم و مواظب باشم که در کدامیک از مغازه ها می توانم شیر، کره، تخم مرغ و غیره پیدا کنم. به این ترتیب روزم را می گذرانم و دیگر وقت اضافی برای چیزهای دیگر باقی نمی ماند. بیش از حد خسته و گاهی هم عصبی می باشم."

زندگی در اینجا خیلی دشوار است

ساکنان تهران در تماس های تلفنی خود با خارج و یا بوسیله نامه گله کرده اند که آنها با چهل هزار ریال حقوق متوسط، به سختی می توانند زندگی خودشان را بگذرانند. این مقدار معادل ۳۷۰۰ کرون با قیمت رسمی است ولی فقط ۳۵۰ کرون در بازار سیاه ارزش دارد.

خسرو که یک کارمند دولت و پدر یک خانواده می باشد و باید پنج نفر را با یک حقوق متوسط اداره کند، می گوید: "ما در خانه تنها نان و پنیر می خوریم" کسان دیگری که در تهران زندگی می کنند می گویند که چند برابر این حقوق لازم است تا بشود راحت زندگی کرد.

یک آلترناتیو برای صف های دائمی، کمبود ارزاق عمومی و کوپن، بازار آزاد است که مقامات رژیم جلوی آنرا باز گذاشته اند کالاهای جیره بندی شده تنها چند ساعت و در روزهای مشخصی از هفته پیدا می شوند. بازار آزاد بقیه ی وقت ها فعال است. ولی قیمت ها در بازار آزاد حداقل سه برابر قیمت کوپن هاست و در این اواخر افزایش سرسام آوری کرده اند.

به این ترتیب یک کیلو گوشت رسماً ۲۵۰ ریال قیمت دارد ولی در بازار آزاد چهارهزار



گزیده مطبوعات جهان

Information

اینفرماشون - دانمارک

۲۲ ژانویه ۸۷

زندگی روزمره در پشت جبهه خمینی:

جیره بندی، کمبود ارزاق عمومی و حملات هوایی

نفت در خلیج، دولت در سپتامبر ۱۹۸۶، جیره بندی بنزین را به اجرا درآورد. مقدار سهمیه ی جیره بندی ۳۰ لیتر بنزین در ماه برای هر ماشین شخصی است، درآمد ارزی ایران به موازات سقوط قیمت نفت در بازار جهانی کاسته شده است. دفترچه ی ماهانه با کوپن جیره بندی در سراسر ایران به قیمت صد ریال در مساجد فروخته می شود.

هر عضو خانواده تنها حق دریافت یک دفترچه را دارد و همه باید شناسنامه ی خود را جهت شناسایی هویت خود نشان دهند. هر دفترچه ای دارای یک شماره است که شامل کوپن هایی برای مرغ، پنیر و ارزاق عمومی دیگر است. شماره ها را از طریق رادیو می خوانند. رادیو همچنین مکان، تاریخ و مقداری که یک خانواده می تواند بخرد را اعلام می کند. جیره ی گوشت که یک جیره ی غذایی معمولی است تنها یک کیلو در ماه است. خانم ناز که ۳۵ ساله می باشد و چهار بچه دارد تصویر غمگینی از چگونگی زندگی روزانه ی یک مادر خانه دار که بایستی با کمبود ارزاق، قیمت های سرسام آور و نبودن هیچگونه امکانات تفریحی و زندگی خانوادگی (جمع) نشان می دهد. او می گوید "من دو ساعت از صبح را در صف خرید مرغ می گذرانم بعد هم باید دنبال

مردمی که در تهران زندگی می کنند می گویند: در حالیکه بیش از ۶ سال از جنگ با عراق می گذرد، قطع جریان برق، صف های طولانی و کارت جیره بندی، جزئی از زندگی روزمره در ایران است. رژیم خمینی که بوسیله ی آخوندها اداره می شود، بدنبال بمباران دو نیروگاه برق توسط جنگنده های عراقی در ماه گذشته جریان برق را تا ده ساعت در روز قطع کرده اند. علاوه بر این مواد سوختی، بنزین و مواد غذایی جیره بندی شده است.

یک تلفن به تهران

اگر چه برای خبرنگاران غربی دریافت اجازه ی سفر به ایران مشکل است ولی به هر حال می توان چگونگی اوضاع (ایران) را ضمن صحبت کردن با یک ایرانی که بتازگی ایران را ترک کرده و یا با تماس تلفنی با مردمی که در ایران زندگی می کنند فهمید. یک شب من به خانمی زن خانه داری بنام پروانه که در تهران زندگی می کند زنگ زد: "من در تاریکی نشسته ام"، اینرا پروانه می گوید و افزود که او را به اسم کوچکش صدا می زنم. "زندگی خیلی مشکل است هوا خیلی سرد است و ما سوخت کافی نداریم". بدنبال بمباران هوایی تأسیسات نفتی ایران، منجمله دو ترمینال بزرگ

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش بر طنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید در هم شکستن رژیم در مانده خمینی

بقیه از صفحه ۱۹

آکسیون‌های بزرگداشت

سالگرد عاشورای مجاهدین در هفت شهر بزرگ جهان

در جریان برگزاری این مراسم، شرکت‌کنندگان با شعارهای "ایران رجوی - رجوی ایران، مرگ بر خمینی درود بر رجوی احساسات خود را در حمایت از مقاومت عادلانه مردم ایران و رهبری آن و همچنین خشم و نفرتشان را نسبت به خمینی و رژیم ضدبشری او ابراز می‌داشتند.

در آخرین بخش از برنامه‌های این آکسیون‌ها طی یک نمایش سمبلیک نیروهای مقاومت به همراه خلق، خمینی ضدبشر را از صحنه بدر کرده، درب زندان‌ها را گشوده و جشن پیروزی را تجسم می‌بخشیدند.

در حاشیهی محل برگزاری آکسیون‌ها اغلب میز کتاب و دیگر بدارک افشاکنندهی جنایات ضدبشری خمینی جلاد و همچنین اوجگیری مقاومت عادلانهی مردم ایران به نمایش گذاشته شده بود که با استقبال بسیار مواجه شد.

—در برن (سوئیس) ۱۰۰۰ نفر، در وین (اتریش) ۴۰۰ نفر، در لیژ (بلژیک) ۵۰۰ نفر، در آتن (یونان) نزدیک به ۴۰۰۰ نفر، در تورنتو (کانادا) ۵۰۰ نفر، در سیدنی (استرالیا) گروه کثیری از برنامه‌های آکسیون‌های برگزار شده توسط اتحادیه‌های انجمن‌های (هواداران مجاهدین خلق ایران) دیدن کردند.

—در کانادا آکسیون در هوای بسیار سرد و طوفانی برگزار شد. در این مراسم برخی از برگزارکنندگان با پوشیدن لباس‌های اقشار مختلف خلق یادآور حضور گستردهی نیروهای مختلف اجتماعی در مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی شدند. همچنین عده‌ای نیز لباس‌هایی

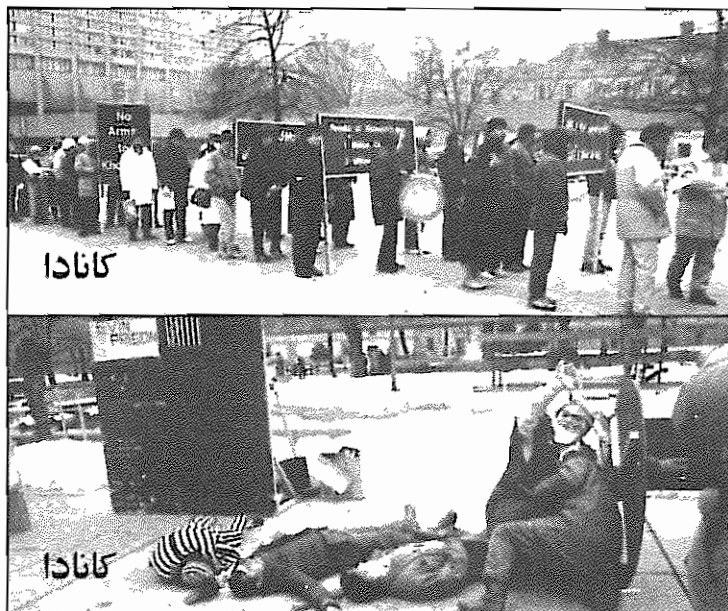
رجوی و سردار خلق و آزادی موسی خیابانی و دیگر شهیدان حماسه عاشورای مجاهدین تزیین شده بود. پلاکاردهایی نیز در رابطه با گرامیداشت پنجمین سالگرد حماسه‌ی عاشورای مجاهدین، محکومیت جنایات ضدبشری خمینی جلاد و محکومیت فروش سلاح به این رژیم ضدبشری و همچنین پلاکاردهایی در حمایت از مقاومت عادلانهی مردم ایران و رهبری پاکباز آن در اطراف محل برگزاری آکسیون‌ها پخش می‌خورد. ساعت شروع آکسیون‌ها اغلب در ساعت ۱۱ تا ۱۲ قبل از ظهر بود در آغاز برنامه سرودهایی از سازمان مجاهدین خلق پخش شد. سپس صحنه‌هایی از مقاومت سراسری و اعتلایابندهی نیروهای مجاهد خلق علیه رژیم ضدبشری خمینی جلاد، مقاومت اجتماعی مردم علیه جنگ‌طلبی خمینی و اعزام اجباری به جبهه‌های مرگ، نقض شدید حقوق بشر، زندان و اعدام و شکنجه توسط رژیم خمینی و صحنه‌هایی از اوجگیری مقاومت و قیام عمومی خلق بنمایش درآمد.

بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد شهادت سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار کبیر آزادی مجاهد شهید موسی خیابانی و همزمان با برگزاری تظاهرات سراسری در کشورهای مختلف جهان، آکسیون‌هایی نیز توسط اتحادیهی انجمن‌های دانشجویان مسلمان در ۷ شهر بزرگ جهان ترتیب یافت. این آکسیون‌ها روز جمعه ۱۷/ بهمن در شهرهای تورنتو (کانادا)، سیدنی (استرالیا)، برن (سوئیس)، آتن (یونان) و روز دوشنبه ۲۰/ بهمن در شهرهای لیژ (بلژیک) و وین (اتریش) برگزار گردید. در جریان برگزاری این آکسیون‌ها در کشورهای مختلف گروه زیادی از هموطنان مقیم این کشورها و همچنین عده‌ی کثیری از شهروندان محل برگزاری آکسیون از آن دیدار و استقبال کرده‌اند. محل برگزاری آکسیون‌ها با پرچم ایران، آرم سازمان مجاهدین و عکس‌های رهبری انقلاب نوین مردم ایران و همچنین عکس‌های سمبل زن انقلابی مجاهد خلق اشرف

در مرکز مادرید آغاز شد. در پیشاپیش صفوف راهپیمایان پرچم سه‌رنگ میهنمان، آرم سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران و تصاویر بزرگ رهبری انقلاب مردم ایران مسعود و مریم رجوی و همچنین تصاویر بزرگی از سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید آزادی موسی خیابانی در حرکت بود.

در جلوی صفوف تظاهرکنندگان عده‌ای از کودکان و نوجوانان هموطنانی که بخاطر جنگ و اختناق خمینی ضدبشر مجبور به ترک وطن شده‌اند در صفوف منظم حرکت می‌کردند و جمعیت با شور و حرارت بسیار شعارهای انقلابی و میهنی را تکرار می‌کردند.

در این تظاهرات خبرنگاران مهمترین رسانه‌های خبری اسپانیا و از جمله خبرگزاری رسمی اسپانیا (EFE)، روزنامه‌ی ال پائیس (El País)، پرتیراژترین روزنامه‌ی اسپانیا، روزنامه‌ی جا (YA)، روزنامه‌ی A.B.C و آژانس خبری لید شرکت داشتند و از این مراسم گزارش و عکس و فیلم تهیه کردند. تظاهرکنندگان پس از یک ساعت راهپیمایی، در یکی از بیادین بزرگ مادرید گرد آمدند و درحالی‌که تعداد کثیری از مردم اسپانیا نیز به آنان پیوسته بودند به قطعنامه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) به زبان‌های فارسی و اسپانیولی گوش دادند. این مراسم پرشور در ساعت ۳:۰۵ دقیقه بعد از ظهر به وقت مادرید، پایان رسید.



تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش بر طنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی



گردهمایی های پر شکوه هموطنان مقیم خارج کشور بمناسبت بزرگداشت حماسه عاشورای مجاهدین

مریم رجوی بمناسبت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین برای حضار پخش گردید که با استقبال شوراگیز جمعیت حاضر مواجه شد. سپس سرود مصور فاتحان تاریخ بنمایش درآمد که بشدت مورد استقبال هموطنان حاضر در جلسه قرار گرفت. آنگاه در حالیکه جمعیت حاضر در سالن یکپارچه شعار مرگ بر خمینی، درود بر رجوی، ایران رجوی، رجوی ایران را تکرار می کرد برادر مجاهد محمد سیدالمحدثین عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران پشت تریبون قرار گرفت و به سخنرانی پرداخت. وی در قسمتهایی از سخنرانی خود گفت:

"امروز، پنج سال پس از عاشورای بزرگ مجاهدین، روز درخشش عنصر تابناک فدا و ایثار، ما مجاهدین در اینجا جمع شده ایم. پنج سال پس از آنروزی که راهبر و آموزگار کبیر نسل ما مسعود، دو تن از نزدیکترین و بهترین و صدیقترین یارانش را، دو تن از برجسته ترین و پاکبخته ترین انقلابیون تاریخ معاصر ایران یعنی

فرانسه

روز شنبه ۱۸/بهمن ماه گردهمایی باشکوهی با حضور قریب به یکهزار تن از هموطنان آزادهی مقیم فرانسه در شهر پاریس برگزار گردید. این گردهمایی بدعوت اتحادیهی انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور (هواداران مجاهدین خلق ایران) و بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین، حماسه ی اشرف و موسی تشکیل شد. در بین شرکت کنندگان شماری از شخصیت های سیاسی و اعضاء شورای ملی مقاومت ایران از جمله آقای هدایت الله متین دفتری، خانم مریم متین دفتری، استاد جلال گنجهای، آقای مهدی سامع و آقایان حسین نقدی، پرویز خزایی و مهدی صدیق زاده (نمایندگان شورا در ایتالیا و کشورهای اسکاندیناوی) نیز حضور داشتند.

این مراسم در ساعت ۵ و ۳ دقیقه بعد از ظهر با اجرای دستجمعی سرود مصور ایران زمین آغاز شد و سپس پیام خواهر مجاهد

یاری رساندن نیروهای مقاومت در منطقه ی مرزی هستم.

آکسیون های مزبور همچنین مورد توجه رسانه های خبری در کشورهای مختلف جهان قرار گرفت و تعداد زیادی خبرنگار و فیلمبردار برای تهیه ی گزارش خبری از این آکسیون ها حضور داشتند. منجمه در سوئیس خبرنگاران خبرگزاری آسوشیتدپرس (A.P)، خبرگزاری سوئیس (SAD) و تلویزیون سوئیس در محل آکسیون دیده می شدند. در اتریش خبرگزاری آسوشیتدپرس و خبرگزاری اتریش (APA)، در محل آکسیون عکس و خبر تهیه می کردند. در سایر نقاط نیز واحدهایی از خبرنگاران رسانه های خبری در محل آکسیون به تهیه ی گزارش و عکس و فیلم از صحنه های آکسیون مشغول بودند. آکسیون های مزبور با قرائت قطعنامه ی سراسری تظاهرات میتینگ ها و آکسیون های اتحادیه ی انجمن های دانشجویان مسلمان خارج کشور بمناسبت پنجمین سالروز حماسه ی "موسی و اشرف" و اجرای دستجمعی سرودهایی از سازمان مجاهدین خلق به پایان رسید.

پوشیده بودند که یاد ۵۰ هزار شهید و ۱۴۰ هزار اسیر مقاومت در سیاهچال های رژیم خمینی را زنده می نمود.

در یونان مقاومت اجتماعی در مقابل اعزام اجباری به مسلخ جنگ توسط خمینی را با نمایش صحنه ای از یک کلاس درس به نمایش گذاشتند که مورد استقبال شدید بازدیدکنندگان آکسیون قرار گرفت. همچنین فیلم مانور نظامی رزمندگان مجاهد خلق و تعدادی از سرورده های مصور سازمان توسط ویدئو نشان داده شد.

در مراسم اتریش بطور سمبلیک تکیه ی رژیم خمینی بر ابزارها و سلاح های جنگی و جنگ طلبی خمینی از یکطرف و اعتراضات مردمی در مقابل جنگ از طرف دیگر بنمایش درآمد. همچنین چشم انداز صلح و آزادی با سرنگونی رژیم خمینی ضدبشر عرضه شد. که تأثیر زیادی روی بازدیدکنندگان از آکسیون داشت. یک هموطن ایرانی در این مراسم می گفت: من می خواهم بروم و با خمینی بجنگم و خواهان رفتن و



تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش بر طنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی

افکنیم و این لکهی ننگ تاریخ بشریت، این لکهی ننگ تاریخ ایران را برای همیشه از صحنه وجود پاک سازیم...

چند ماه پیش نیز رژیم خمینی، نه تنها رژیم خمینی بلکه امپریالیسم و ارتجاع با هم فکر می‌کردند که با تحت فشار قرار دادن رهبری مقاومت و با تحت فشار قرار دادن مجاهدین در فرانسه، عرصه را بر مجاهدین تنگ خواهند کرد و از این طریق عمر رژیم ننگین خمینی را چند صباحی بیشتر خواهند کرد. ولی چندی نگذشت که همهی خواب و خیال‌های آنها باطل از آب درآمد و یکبار دیگر به مصداق "عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد" انقلاب خلق قهرمان ایران با انتقال مقر ستاد فرماندهی‌اش به کنار مرزهای ایران وارد مرحله جدیدی از رشد و اعتلای مستمر خود گردید و اقدامات رژیم نتیجه‌ای جز شکست و ننگ برای رژیم و متقابلاً آبرو و حیثیت و پیروزی بیشتر برای مقاومت و سازمان مجاهدین، دربرداشت. نقطه عطفی بود بسیار تعیین‌کننده و جا دارد که باز هم بیشتر رویش صحبت بشود. آثار مختلف سیاسی- نظامی و تشکیلاتی‌اش هنوز در بسیاری از ابعاد بازگو نشده که در این فرصت کوتاه مجال بحث روی آنرا نداریم. عزیمت مسعود به خاک عراق طلسم جنگ‌طلبی رژیم خمینی را کاملاً درهم شکست و می‌بینیم که امروز رژیم خمینی در امر جنگ و در درون رژیمش با چه بحران‌هایی مواجه است...

برادر مجاهد سید محمد سیدالمحدثین در قسمت پایانی سخنرانی خود از هم‌میثان آزاده‌ی حاضر در جلسه خواست در درجه‌ی اول به یاری نیروهای رزمنده‌ی مجاهد خلق در صفوف مقدم جبهه‌ی نبرد، در نوار مرزی ایران و عراق بشتابند و یا با پیوستن و همکاری با انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور (هواداران

سراسر جهان اکثریت مردم آزاده‌ی روی زمین خمینی را بعنوان سمبل گشتار و خونریزی و بعنوان سمبل جنگ و سمبل شکنجه و اعدام و اختناق و سمبل پستی و شیطان‌مفتی می‌شناسند. خمینی تا آنجا نجس و پلید و بدنام شده که هر کس هم که دور از چشم دیگران زیر بال و پر او را بگیرد بالاخره مجبور خواهد شد که در ملاءعام از خمینی تبری بجوید. امروز کمتر جمع بین‌المللی و سازمان و ارگان بشردوست و صلح‌طلبی است که عفریت آدمخوار جماران را محکوم نکرده باشد...

رژیم فکر می‌کرد که پس از ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ کار مجاهدین تمام خواهد شد. اما اکنون پس از سال‌ها بوضوح می‌توان دید که رؤیای شوم خمینی نقش بر آب شده و مجاهدین همچنان پرچم عزت و شرف و مقاومت یک خلق را بر دوش می‌کشند. در سراسر ایران پرچم پرافتخار مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی را حمل می‌کنند. اگرچه رژیم تاکنون سعی کرده بیشترین ضربات را به ما بزند، ولی ما همچنان روز بروز قوی و قوی‌تر شده‌ایم و امروز بیش از هر زمان دیگر آمادگی آنرا داریم همچنانکه رژیم خمینی را در عرصه‌های ایدئولوژیک و سیاسی و اجتماعی شکست داده‌ایم، در عرصه‌ی نظامی نیز دشمن ضد خلقی را به خاک



فرانسه

امروز بدون هیچ شبهه‌ای منفورترین دیکتاتور گره‌ی زمین است. اگر یگروز با ربودن رهبری انقلاب ما و با تزویر و دجالیت، خود را به خلق ایران تحمیل نمود، امروز از شاه در آخرین روزهای حکومتش، صدار منفورتر است و در معرض لعن و طعن و نفرین مردم ایران قرار دارد. امروز به یمن کار افشاگرانه‌ی عظیم و شبانه‌روزی مجاهدین در

اشرف و موسی را برای رهایی خلق قهرمان ایران از زنجیر سال‌ها ستم و استثمار و دیکتاتوری و خفقان از دست داد... در مورد اشرف و در مورد موسی و در مورد نقشی که در تاریخ میهن ما ایفا کردند و نقشی که برای نجات انقلاب مردم محروم ما از انهدام خمینی ایفا کردند و در مورد شان عقیدتی و سیاسی آنان بیان من قاصر است. البته مایه‌ی سعادت بود که لحظاتی پیش آنچه را که شنیدنی بود در پیام رهبر و علمان مریم شنیدیم و خدا کند که ما نیز افتخار و سعادت آنرا داشته باشیم که در راه خدا و خلق سرفراز و رستگار شویم... امروز، بعد از پنجسال مناسبت دارد که نگاهی به گذشته بیندازیم و ببینیم که پنج سال پس از شهادت سمبل زن انقلابی مجاهد و سردار بهید خلق، ما در چه نقطه‌ای هستیم و دشمن ضد بشری در چه قطه‌ای است... بعد از گذشت این سال‌ها، خمینی که بالاتر دید یگروز حیوب‌ترین رهبر در جهان بود،



پاریس

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش پرطنین مقاومت عادلانه و بیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم درمانده خمینی

استقبال شد.

در آخرین قسمت این مراسم گروه هنری عارف چند ترانه اجرا کرده و در پایان این برنامه قطعنامه‌ی سراسری تظاهرات- میتینگ‌ها و آکسیون‌های انجمن‌های دانشجویان مسلمان (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) بمناسبت پنجمین سالروز عاشورای مجاهدین حماسه‌ی اشرف و موسی توسط نماینده‌ی انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه قرائت گردید.

این مراسم در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه شب در میان ابراز احساسات پرشور شرکت‌کنندگان نسبت به رهبری انقلاب نوین مردم ایران بپایان رسید.

آمریکا

یکهزاروپانصد تن از هموطنان ایرانی مقیم آمریکا، در میتینگ باشکوهی که پس از تظاهرات ۳ هزار نفره‌ی ایرانیان در گرامیداشت پنجمین سالروز تاریخی ۱۹ بهمن در واشنگتن برگزار گردید، شرکت کردند.

در این میتینگ که روز جمعه ۱۷/ بهمن، در محل سالن سخنرانی دانشگاه "هاوارد" برگزار گردید، با اجرای جمعی سرود مصور ایران زمین آغاز شد. سپس ویدئوی پیام خواهر مجاهد مریم رجوی

سازمان مجاهدین خلق ایران) در زمینه‌های مالی- تدارکاتی و تبلیغاتی افشاگرانه، به وظایف مبرم مرحله‌ی کنونی انقلاب نوین ایران پاسخ مثبت دهند.

در طول سخنرانی، جمعیت بارها با کف‌زدن‌های ممتد و با غریو فریادها و شعارهای خود عواطف عمیق و پیوند ناگسستنی‌شان را با مسعود و مریم ابراز کردند.

در قسمت دوم برنامه گروه هنری عارف وابسته به اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) تئاتری از صحنه‌های مقاومت مسلحانه علیه رژیم ضدبشری خمینی دژخیم را بنمایش گذاشت.

سپس، ویدئوی منتخب خاطراتی از سمبل زن انقلابی مجاهد خلق شهید اشرف رجوی و سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی بنمایش گذاشته شد. که با ابراز پرشور احساسات حاضرین و شعارهای خون اشرف می‌جوشد، رجوی می‌خروشد- قسم به خون اشرف، قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی ز پا نشینیم- و همچنین با کف‌زدن‌های ممتد از آن

پخش شد که بکرات با ابراز احساسات شدید و همراه با کف‌زدن‌های ممتد حضار روبرو گردید.

سپس مادر رضائی‌های شهید سخنان خود را در بزرگداشت شهدای ۱۹ بهمن آغاز کرد و در قسمتی از آن گفت: "از شما انتظار دارم با پیگیری هرچه بیشتر آرمانی که شهدای گرانقدر ۱۹ بهمن برای تحقق آن، جان خود را فدا کردند، گام‌های هرچه مؤثرتر در راه سرنگون‌کردن رژیم در حال احتضار خمینی بردارید و با پیوندزدن قریادهایتان به فریاد رسای مسعود و مریم، دین خود را نسبت به مردم رنج‌دیده و خون‌های پاک به زمین ریخته‌شده‌ی شهیدانمان ادا کنید."

پس از آن برادر مجاهد سرهنگ خلیان بهزاد معزی در رابطه با جنگ خانمانسوز خمینی بعنوان سرپوش بحران‌های رژیم، سخنانی ایراد نمود.

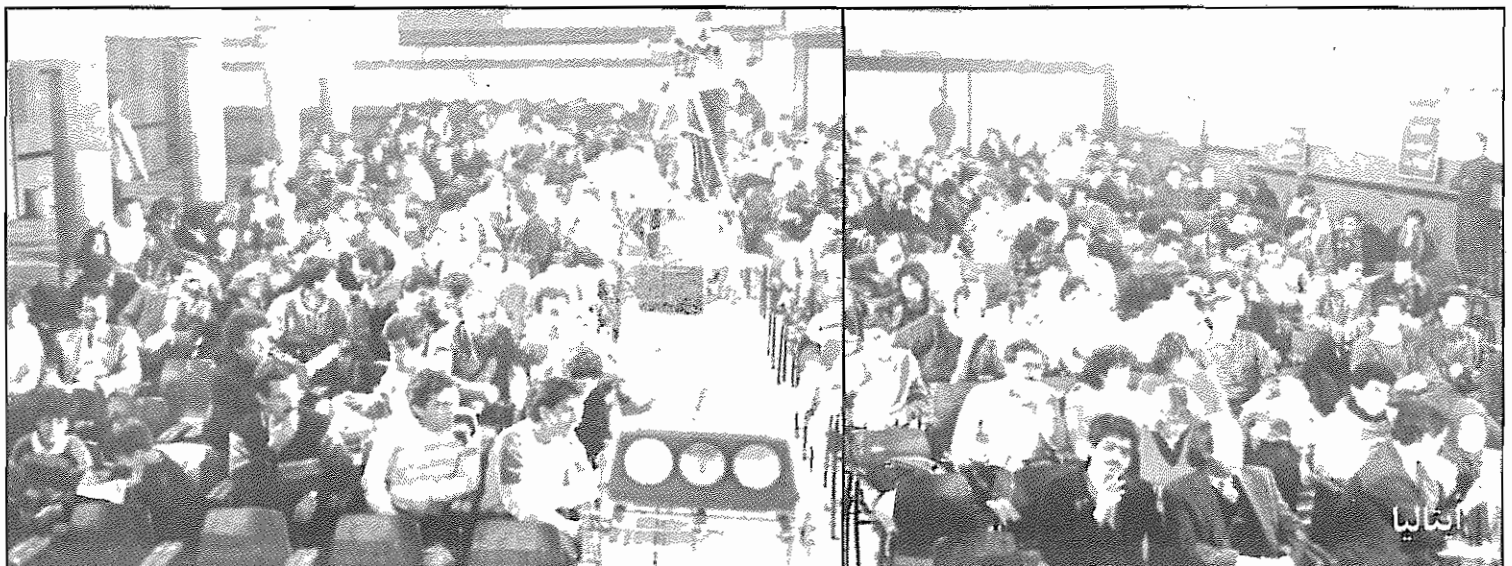
آنگاه برادر مجاهد محسن رضائی سخنرانی کرد و پس از جمع‌بندی حرکت‌های سیاسی سازمان در ماه‌های اخیر و تأثیرات بین‌المللی و داخلی تظاهرات سراسری ایرانیان در خارج کشور در حمایت از مقاومت انقلابی و رهبری انقلاب نوین ایران، رابطه‌ی مردم و سازمان مجاهدین خلق ایران را یک گنجینه‌ی ملی که ثمره‌ی مبارزات

قهرمانانه‌ی خلق ستمکشیده‌ی ایران است توصیف کرد و تأکید نمود برای تسریع پیروزی بر رژیم ضدبشری خمینی، ما می‌بایستی این رابطه را بیش از پیش تعمیق کنیم. در قسمت دوم این میتینگ پس از پخش سرود پرواز رهایی، پروفسور هادی مهابادی عضو شورای ملی مقاومت ایران به سخنرانی پرداخت و ضمن بررسی مراحل مبارزه‌ی مقاومت نشان داد که چگونه ترسیم خطوط روشن مبارزه برای کسب آزادی و استقلال دست همه‌ی مدعیان آزادیخواهی و استقلال‌طلبی را رو کرده و بساط میانه‌بازی و دودوزه‌بازی را از میان برداشته است.

میتینگ بزرگ و باشکوه هموطنان ایرانی در واشنگتن پس از ۵ ساعت و درحالی‌که شرکت‌کنندگان با شعارهای ایران رجوی- رجوی ایران، حمایت‌های پرشور خود را از رهبری انقلاب نوین مردم ایران ابراز می‌داشتند، بپایان رسید.

ایتالیا

بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین، گروه‌هایی باشکوهی به دعوت اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان (هواداران مجاهدین خلق بقیه‌در صفحه‌ی ۴۳



تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی

قطعه نامه سراسری تظاهرات، میتینگ‌ها و آکسیون‌های سراسری انجمن‌های دانشجویان مسلمان

بمناسبت ۱۹ بهمن پنجمین سالروز عاشورای مجاهدین «حماسه اشرف و موسی»

بنام خدا

و بنام خلق قهرمان ایران

و

بنام مسعود و مریم رهبری انقلاب نوین ایران

و

با یاد سبیل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف

رجوی

و

سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی

پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین را در شرایطی برگزار می‌کنیم که رژیم ضدبشری خمینی در مسیر فروپاشی محتوم خود با بن‌بست‌های علاج‌ناپذیر در درون و بیرون این رژیم متزلزل روبروست: رشد و اعتلای روزافزون مقاومت مسلحانه‌ی مردمی، شکست مرگبار حملات کشورگشایانه‌ی اخیر که بیش از یکصد و پنجاه هزار کشته و زخمی فقط در طرف ایران بر جای گذاشت، بر ملا شدن اقتضای عالمگیر روابط پنهانی با "شیطان بزرگ" و اسرائیل و دریافت کمک‌های مستمر تسلیحاتی و اطلاعاتی از آمریکا و اسرائیل، اوجگیری جنگ قدرت بین جناح‌های داخلی رژیم که همچون گرگان هار به دریدن یکدیگر پرداخته‌اند و حذف منتظری ابله از ولایت‌عهدی خمینی، افشاء تمام‌عیار سیاست‌های جنگ‌افروزان و سرکوبگرانه و ایزولاسیون تام و تمام بین‌المللی این رژیم ضدبشری.

اما در جانب دیگر، "پرواز تاریخ‌ساز صلح و آزادی" و استقرار رهبری مقاومت انقلابی در جوار خاک میهن بمنظور فرماندهی مستقیم نیروهای مقاومت، موجب ورود مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی به مدار جدیدی از رشد و گسترش شده است که نویدبخش سقوط محتوم رژیم جنگ و اختناق خمینی و پیروزی انقلاب نوین مردم ایران در چشم‌اندازی شورانگیز و نزدیک است.

ما شرکت‌کنندگان در تظاهرات، میتینگ‌ها و آکسیون‌های ۱۹ بهمن سالروز عاشورای مجاهدین و "حماسه اشرف و موسی" ضمن تجدید پیمان با آرمان سرخ شهیدان این روز، اعلام می‌داریم:

۱- ما رهبری پاکباز انقلاب نوین ایران مسعود و مریم رجوی را پیام خون اشرف و موسی و تبلور آرمان همه‌ی شهیدان انقلاب نوین و

تجلی مقاومت عظیم و رنج و شکنج اسیرانمان می‌دانیم و اعلام می‌کنیم جز در سایه‌ی این رهبری هیچ تضمینی برای تحقق اهداف استقلال طلبانه و آزادیخواهانه‌ی خلق قهرمان ایران وجود ندارد.

ما ضمن تجدید عهد با میثاق خونین بیش از ۵۰ هزار شهید که با شعار "مرگ بر خمینی، درود بر رجوی" بر طناب دار و بر تیرک اعدام بوسه زدند و یا در زیر شکنجه این فریاد در گلویشان خشکید و همچنین با یاد ۱۴۰ هزار اسیر مقاوم که در شکنجه‌گاه‌های خمینی ضدبشر به بند کشیده شده‌اند، فریاد می‌زنیم: "با مسعود با مریم همسنگر هم‌پیمان، می‌جنگیم تا پایان" ما بار دیگر تکرار می‌کنیم که در راه صلح و آزادی و تحقق آرمان رها نبخش شهیدان و اسیرانمان تا پایان راه به مبارزه‌ی خود ادامه خواهیم داد.

۲- بن‌بست‌های علاج‌ناپذیر رژیم مرگ‌زده‌ی خمینی که انعکاس مقاومت اعتلایابنده‌ی انقلابی در درون این رژیم درمانده است، روند فروپاشی رژیم خمینی را تشدید کرده است. حذف منتظری ابله و جنایتکار از جانشینی او آخرین مهر تایید بر بی‌آیندگی و بی‌ثباتی رژیم محسوب می‌گردد.

این رژیم هیچ چاره‌ای جز تسلیم در برابر حکم تاریخ و انقلاب ندارد و در برابر اراده‌ی سترگ خلق قهرمان ایران و فرزندان مجاهدش در آینده‌ی نزدیک به زیر کشیده خواهد شد.

۳- آشکار شدن روابط مخفیانه و بندوبست‌های مستمر رژیم خمینی با آمریکا و تغذیه‌ی تسلیحاتی و اطلاعاتی از "شیطان بزرگ" ماهیت رژیم خمینی و ضدامپریالیست‌نمایی‌های آنرا هرچه بیشتر آشکار کرد. مضمون مانو‌های احمقانه و ژست‌ها و سخنان متعدد ملیجک دربار خمینی رفسنجانی کثیف و جنایتکار نیز چیزی جز عجز و لایه برای دریافت اسلحه از آمریکا و استمداد از دولت‌های مختلف برای همدست شدن با رژیم ضدبشری خمینی علیه مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، نیست. ما هرگونه تغذیه‌ی تسلیحاتی رژیم خمینی برای ادامه‌ی جنگ خانمانسوز ایران و عراق را محکوم می‌دانیم.

قابل توجه است که بیست ماه پیش وزارت خارجه‌ی آمریکا، همزمان با آغاز روابط پنهانی

خود با رژیم خمینی، موجی از تبلیغات سیاسی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران براه انداخت که اکنون پس از افشای این روابط مضمون سیاسی آن اقدامات بهتر درک می‌شود. و بار دیگر روشن می‌شود که چگونه طبق معمول خمینی دجال پیش‌شرط تجدید رابطه‌اش را ضدیت با مجاهدین قرار داده است. همچنین متذکر می‌شویم که فشارهای سال گذشته رژیم تروریست خمینی به دولت فرانسه برای محدود کردن مقاومت ایران، با انتقال ستاد فرماندهی این مقاومت در مرز ایران و عراق برای خمینی ضدبشر نتیجه‌ی معکوس داده و گشایش فوق‌العاده‌ای را در پیشرفت امور نظامی و تشکیلاتی و ارتباطات اجتماعی مقاومت مسلحانه موجب شده است.

۴- در اثر افشای دست‌نشانده‌ی مدعیان سلطنت و تمامی بازماندگان رژیم شاه و همچنین افشای وابستگی مدعیان "میانه‌روی" و استحاله‌ی رژیم خمینی کارت سلطنت برای همیشه در ایران سوخت و استحاله‌گرایی نیز به آخر خط خود رسید. از سوی دیگر با حذف منتظری ابله از دور ولایت‌عهدی خمینی، عهد و روزگار کسانی نیز که با آویختن به عبای منتظری چشم به استحاله‌ی رژیم خمینی دوخته بودند، بطور قطعی بسر آمده است. و به این ترتیب خیانتگرانی همچون امینی و بختیار و بنی‌صدر و مدنی و بازرگان با شاه یا خمینی هم‌سرنوشت شدند. یعنی هم "کارت" سلطنت و هم "خط" استحاله‌گرانی که با نامزد شدن در انتصابات ریاست‌جمهوری خمینی و یا با نامه‌نگاری‌های ننگین به شخص خمینی، قصد خزیدن به زیر قبای "ولایت فقیه" دژخیم خون‌آشام جباران را داشتند "برگ خاتمه‌ی خدمت" خود را دریافت کردند!

به این ترتیب در میهن اسیرمان امروز در یک سر رژیم خمینی است و جهل و جنگ و سرکوب و در سوی دیگر سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت که آرمان صلح، آزادی و حاکمیت و استقلال ملی را نگاهبانی می‌کنند.

۵- ما نیرویی مترقی و مبارز، خارج از میدان عمل و مبارزه‌ی انقلابی با دشمن ضدبشری یعنی خمینی خون‌آشام نمی‌شناسیم و

تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

خروش پرطنین مقاومت عادلانه و نیرومند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی

قطعه‌نامه سراسری تظاهرات، میتینگ‌ها و آکسیون‌های سراسری انجمن‌های دانشجویان مسلمان بمناسبت ...

باشند.

۶- حملات جنون‌آمیز رژیم خمینی موسوم به گریلای ۴ و ۵ و ۶ به خاک کشور عراق که با شکست خفت بار خمینی همراه بود و بیش از یکصد و پنجاه هزار تن تلفات برای مردم محروم ایران به ارمغان آورد، جنگ را وارد دور جدیدی گرد که جنگ فاجعه‌بار شهرها و گشتار مردم بیگناه دو کشور یکی از آثار آن است. با توجه به تلاش‌های گسترده‌ی مقاومت ایران در زمینه‌ی امر خطیر صلح که در نهایت به دیدار صلح در بغداد انجامید و با توجه به نهضت صلح‌خواهی مردم ایران و جهان و محکومیت جنگ‌طلبی رژیم خمینی از سوی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان، انگیزه‌ی خمینی برای ادامه‌ی جنگ چیزی جز جلوگیری مقطعی از تلاشی درونی خودش نیست. ما ضمن افشای تاکتیک "صدور بحران" رژیم خمینی از کلیه‌ی نیروها و کشورهای جهان مصرأ خواستاریم که با تحریم تسلیحاتی رژیم خمینی دست او را در تجاوز و گشتار مردم

هر حرکتی را که در جهت مقاومت انقلابی و مسلحانه‌ی مردم ایران و پشت‌جبهه‌ی آن در خارج کشور نباشد، تلاشی بیپوده، مذبحانه و نامشروع می‌دانیم و آنرا تحت هر عنوانی که باشد اعم از ترقی‌نمایی و ملی‌گرایی پوشالی تا اسلام‌پناهی و چپ‌نمایی ارتجاعی بنفع دشمن قسم خورده‌ی خلق یعنی خمینی ضدبشر و علیه منافع مردم ایران ارزیابی می‌کنیم.

باندها و مهره‌های سوخته و آبرویافته‌ی ضدانقلابی که در خارجه جا خوش کرده‌اند و با دریافت "موجب" و "مستمری" یا بدون جیره و موجب، فرصت را غنیمت شمرده و با مجاهدین چنگ درجنگ شده‌اند و به این ترتیب خود را برای فروش بهتر و بیشتر به امپریالیزم عرضه می‌کنند، باید بدانند که اینگونه سوداها در نهایت برای آنان سودی ندارد و همه‌ی آنها در آینده بایستی پاسخگوی اینگونه اعمال ضدانقلابی خود در پیشگاه خلق قهرمان ایران

محروم ایران و عراق ببندند.

۷- با گرامیداشت مجدد خاطره‌ی شهدای عاشورای مجاهدین و تمامی شهدای خلق، یادآور می‌شویم که اعتلای مقاومت مسلحانه ورود آن به فاز جدید که تحقق قیام مسلحانه‌ی مردمی را در پی خواهد داشت. وظایف انقلابی سنگینی را در برابر ما قرار داده است. تنها راه پایان دادن به حاکمیت سیاه و ضدبشری خمینی امداد نیروهای رزمنده‌ی مجاهد خلق است. کمک‌رسانی و یاری به آنان مهمترین وظیفه‌ی ملی و میهنی هر ایرانی آزاده محسوب می‌شود بدینوسیله کلیه‌ی هموطنانمان را به امداد هرچه بیشتر رزمندگان مجاهد خلق فرا می‌خوانیم.

مرگ بر خمینی - درود بر رجوی
سلام بر خلق - مرگ بر امپریالیسم
اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج
از کشور
هواداران مجاهدین خلق ایران
*

گردهمایی‌های پر شکوه هموطنان مقیم خارج کشور ...

بقیه از صفحه ۴۱

رهبر انقلاب نوین مردم ایران برادر مجاهد مسعود رجوی در مقاطع مختلف ۸ سال مبارزه‌ی خونین و درخشان بر علیه رژیم ضدبشری خمینی است، نمایش داده شد که مورد استقبال شدید حضار قرار گرفت. سپس پیام خواهر مجاهد مریم رجوی همدیف مسئول اول و فرماندهی عالی سازمان مجاهدین خلق بمناسبت ۱۹ بهمن حماسه‌ی اشرف و موسی پخش گردید که جمعیت با غریو شعارهای ایران، رجوی - رجوی، ایران از پیام خواهر مجاهد مریم رجوی استقبال نمودند.

قسمت دوم برنامه با سخنرانی خواهر مجاهد فاطمه رمضانی عضو هیئت اجرایی و دبیر روابط بین‌المللی سازمان مجاهدین خلق ایران شروع شد. سخنرانی خواهر مجاهد فاطمه رمضانی چندین بار با شعار مرگ بر خمینی - درود بر رجوی و کف‌زدن‌های جمعیت قطع

سوسیالیست ایتالیا نیز سخنرانی نمود وی در سخنرانی‌اش از مقاومت مردم ایران به رهبری برادر مجاهد مسعود رجوی حمایت نمود او در قسمتی از سخنرانی خود با یادآوری شرکت برادر مجاهد مسعود رجوی در کنگره‌ی قبلی حزب سوسیالیست بر همبستگی این حزب با مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران برای صلح و آزادی تأکید نمود.

میتینگ باشکوه ایرانیان مقیم ایتالیا با قرائت قطعه‌نامه‌ی سراسری تظاهرات انجمن‌های دانشجویان مسلمان بمناسبت ۱۹ بهمن پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین، حماسه‌ی اشرف و موسی ادامه یافت. همه‌ی بندهای این قطعه‌نامه با دست زدن و شعار دادن مورد تأیید قرار گرفت. آنگاه بعد از پخش سرود ایران زمین گردهمایی ایرانیان مقیم ایتالیا در میان ابراز احساسات شدید و با غریو شعارهای "ایران رجوی - رجوی ایران، قسم بخون اشرف، قسم به عزم موسی که تا رهایی خلق دمی ز پا نشینیم" به پایان رسید.

گردید. در این سخنرانی خواهر مجاهد فاطمه رمضانی با اشاره به آثار عزیمت تاریخساز رهبری انقلاب نوین مردم ایران به عراق و به کنار رزمندگان مجاهد خلق، گفت: "فرماندهی مستقیم رهبری مقاومت ایران در امر سازماندهی و هدایت نیروهای مقاومت در حال به ثمر نشستن است و امروز ما از بیشترین آمادگی برای رویارویی نهایی با رژیم ضد مردمی خمینی برخورداریم". وی آنگاه به تظاهرات و اعتراضات اجتماعی علیه جنگ و سرکوب خمینی و از جمله تظاهرات شکوهمند مادران اسرای مجاهد خلق که طی ماههای گذشته دشمن ضدبشر را شدیداً درمانده و مستأصل کرده است اشاره کرد و گفت: "مقاومت مسلحانه‌ی مردم ایران اکنون بخوبی خواهد توانست استقبال اجتماعی از این مقاومت و نفرت اجتماعی از رژیم خمینی را در جاده‌ی قیام مسلحانه‌ی مردمی سازمان دهد" در این میتینگ آقای "پاگائو" مسئول روابط خارجی جوانان حزب

ایران) در تاریخ ۱۷/ بهمن در سالن آویلاهی شهر رم برگزار شد. در این گردهمایی حدود ۵۰۰ تن از ایرانیان شریف و آزاده از دهها شهر مختلف ایتالیا شرکت کردند. سالن جلسه با عکس‌های رهبری انقلاب و پلاکاردهایی در رابطه با بزرگداشت ۱۹ بهمن، عکس‌های بزرگ قهرمانان عاشورای مجاهدین اشرف و موسی که حلقه‌های گل دور آن بود بطرز باشکوهی تزیین شده بود. این میتینگ در ساعت ۵ بعد از ظهر با پخش سرودهای مصور "گل توفان اشرف" و "فرمان موسی" شروع شد سپس ویدئوی منتخبی از تظاهرات بزرگداشت ۱۹ بهمن اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور در سال ۶۴ پخش گردید. بدنبال آن، ویدئوی "بانگ مسعود" که شامل گوشه‌هایی از سخنرانی‌های پرشور

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

بقیه از صفحه ۷

۳ سال بود جدی کل کشور است. بنا به اعتراف روزنامه های خودش، رژیم فقط از توزیع قلم های بشل نارنجک در بین دانش آموزان در اسفندماه گذشته جهت به جیب زدن عیدی آنها، مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان اخاذی کرده است. (۱)

کارخانجات تحت پوشش زندان های خمینی نیز ۱۰۰ میلیون تومان پرداخت کردند. (۲)

فقط از زندانیان اصفهان ۲۰۰،۰۰۰ تومان اخاذی شده. (۳)

مسئول بسیج ضد خلقی خمینی در اوایل آبان امسال اعلام کرد که طی ۶ ماه اول سال ۶۵ چهار میلیارد تومان بصورت نقدی و جنسی از مردم دریافت کرده است. (۴)

برخی دیگر از اقلام اخاذی ها بشرح زیر است:

از اولیاء دانش آموزان ۱۲ میلیون تومان (۵)، از آموزشیاران و نوسوآدان یک میلیون تومان (۶)، از کارکنان معدن طرزه (۷)، مجموعاً حدود ۳۵ میلیون تومان، از کارکنان وزارت معادن و فلزات مجموعاً ۴۳۰ میلیون تومان (۸)، از شرکت ملی صنایع ایران در ۹ ماهه اول سال ۶۵ حدود ۱۹ میلیون تومان (۹) و از مردم عادی (اخذ شده توسط کمیته ای امداد خمینی) حدود ۱۱۳ میلیون تومان (۱۰) و...

اما اخاذی خمینی از مردم فقط منحصر به پول و اشیاء مختلف نیست. بلکه خون هم می خواهد. روزنامه های خمینی را که ورق بزنید، انبوهی نمونه ها خواهید یافت. آنها را هم که نمی تواند به تنور جنگ بفرستد بخشی از خونها را در شهرها و روستاهای مختلف بزور و اجبار دریافت می کند و با منتهای وقاحت ضد بشری اخبار آنها را هم با آب و تاب منعکس می کند. گوش کنید:

خون گیری از آموزشگاه نابینایان (۱۱)، خون گیری از زندانیان ندامتگاه دژبان مرکز (۱۲)، خون گیری از مهاجرین عراقی (۱۳)، ۳۰،۰۰۰ CC خون از روستای زنگی آباد گرمان (۱۴)، ۲۸،۰۰۰ CC خون از دهستان اشکنان (۱۵)، ۵۲۵،۰۰۰ CC خون از مردم ایلام (۱۶)، بیش از ۴۴،۰۰۰ کیسه خون از مردم جهرم (۱۷)، بیش از

اخاذی ها و اجبارات جنگی خمینی حلقات بیشتر دارد و با انواع و اقسام تحمیلات همراه است. یک شیوه ای استثمارگرانه ای دیگر اینست که فی المثل برای تأمین خورد و خوراک مزدورانش اصناف مختلف را به نوبت در جبهه به بیگاری می آورد. مثلاً صنف گلاب پرها هر ۱۵ روز بایستی ۱۰ آشپز جهت تهیه حلیم برای پاسداران به جبهه ها اعزام کنند. یا کارگران و کارمندان جهان پیت مجبور شدند تحت شعار "مرگ بر آمریکا" در دیماه گذشته به دو شیفت کار فوق العاده مبادرت نموده و حاصل آنها که حدود ۷۰۰،۰۰۰ تومان می شود به حساب جبهه ها واریز کنند. به کارخانجات دیگر نیز با همین

۱۳،۰۰۰ کیسه خون از واحدهای ستار مستقر در ادارات و شرکت ها در مهرماه سال ۶۵ (۱۸).

ضمناً بد نیست بدانیم که خون کشیدن از سربازان در جبهه های جنگ به ازای دادن مرخصی امر رایجی است. نمونه های متعددی وجود دارد که اگر نمی شده مانند پادگان جلدیان به اجبار از سربازان خون گرفت، فی المثل در شهر اهواز در قبال هر ۱۰۰ CC خون یک روز مرخصی و در لشکر موسوم به حمزه به ازای ۳۰۰ CC خون سه روز مرخصی داده می شده است.

راستی مگر در دوران حکومت خمینی با اینهمه فقر و گرانی و گمبایی چه میزان خون در بدن های مردم ایران تولید شده

تلفات این جنگ ضد میهنی اکنون تنها در طرف ایران به ۱/۵ میلیون کشته و مجروح و معلول بالغ شده است.

تنها در تهاجم "ضد کربلای" ۵، که البته هنوز رسماً پایان نیافته، خمینی حدود ۱۰۰،۰۰۰ کشته و مجروح و معلول بر جای گذاشت.

۲ هفته قبل از آن ۵۰،۰۰۰ کشته و مجروح و تلفات تنور جنگ خمینی در سال ۶۵ علاوه بر اینها ۳۰،۰۰۰ کشته و ۶۰،۰۰۰ مجروح و تلفات دیگر را نیز در بر می گیرد که مربوط به "ضد کربلای" های قبلی است.

در سال ۶۴ نیز خمینی مبادرت به تهاجماتی تحت عناوین "قدس" و "ظفر" و باصطلاح "عاشورا" و "الفجر" نمود که حدود ۴۵،۰۰۰ کشته و ۸۵،۰۰۰ مجروح و تلفات بر جای گذاشت. روندی که در تمامی سال ۶۳ و قبل از آن نیز ادامه داشت.

شعار مرگ بر آمریکا در ۱۳ آبان گذشته یک شیفت ۶ ساعته اضافه کاری تحمیل شد. بگذریم که وقتی کارگران زحمتکش با شعار "مرگ بر آمریکا" برای تنور جنگ خمینی بیگاری می دادند لابد خمینی و ملیجک دربارش مشغول چنگ و دندان زدن به "کیک" اهدایی بوده اند!

که او اینهمه را به ناحق بر خاک می ریزد و اینهمه را هم بزور و اجبار از بدن ها بیرون می کشد؟

ننگ تبار ای دؤخیم خون آشام، لعنت یک تاریخ بر تو باد و بر هر آنکه دست در دست تو دارد و یا به رژیم تو نظر دوخته است و بر هر آنکه در مقابل تو سکوت گرد و سازش نمود.

پاورقی:

- (۱) - روزنامه جمهوری رژیم - ۶۵/۷/۱
- (۲) - اطلاعات خمینی - ۶۵/۱۰/۲۰
- (۳) - اطلاعات خمینی - ۶۵/۱۰/۱۳
- (۴) - رادیو رژیم - ۶۵/۸/۳
- (۵) - جمهوری رژیم - ۶۵/۷/۱
- (۶) - کیهان خمینی - ۶۴/۴/۹
- (۷) - جمهوری رژیم - ۶۵/۶/۸ (از آغاز جنگ تا پایان سال ۶۴ کسری یک روز حقوق)
- (۸) - وزیر مربوطه، اطلاعات خمینی - ۶۵/۷/۳
- (۹) - اطلاعات خمینی ۶۵/۱۰/۸
- (۱۰) - رسالت رژیم ۶۵/۹/۸
- (۱۱) - اطلاعات خمینی ۶۵/۸/۱۸
- (۱۲) - صف شماره ۸۳ آبان ۶۵
- (۱۳) - خراسان ۶۵/۹/۲
- (۱۴) - جمهوری ۶۵/۵/۲۲
- (۱۵) - رسالت ۶۵/۱۰/۱۰
- (۱۶) - جمهوری ۶۵/۵/۲۲
- (۱۷) - جمهوری ۶۵/۵/۲۲
- (۱۸) - رسالت ۶۵/۸/۸

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

اندر فواید اعزام دانش‌آموزان به جبهه‌های جنگ گفته است: "دانش‌آموز خودش است و کت و شلوارش، می‌رود لباس بسیجی می‌پوشد، کلاش برمی‌دارد و دیگر تمام است..."

*

هموطنان عزیز، می‌بینید که خمینی بر آن است تا تمام هستی ایران را در تنور جنگ بسوزاند یعنی مسئله‌ی جنگ و صلح مسئله‌ی هست و نیست اوست. اخیراً یکی از ایادی خمینی گفت: "مردم باید جبهه‌ها را فعال نگهدارند، آنچه مایه‌ی هستی ماست، جنگ است" (۵)

درست است! برآستی جنگ مایه‌ی هستی خمینی و صلح راهگشای آزادی ما مردم ایران است. بی‌جهت نیست که مقاومت عادلانه‌ی مردم ما از آغاز شعارهای استراتژیکی "صلح و آزادی" را برگزیده و هیچگاه برای اباطیل میانه‌بازان و چپ‌نمایان پرتافتاده از این میهن و کسانی که با فرومایگی تمام وجه‌المصالحه قراردادان مجاهدین در این رابطه را پیشنهاد می‌کردند، پشیزی ارزش قائل نبوده است.

ما از آغاز اعلام کردیم که تا خمینی هست جنگ و اختناق هم هست و خمینی جز در شرایط ضعف مطلق - که او را ضمناً در آستانه‌ی سقوط قرار می‌دهد - تن به صلح نخواهد داد. چرا که صلح همانا به نابودی او و رژیمش منتهی می‌شود. از اینجا می‌توان به نقش تاریخساز شعار صلح که پیوسته نصب‌العین شورای ملی مقاومت ایران بوده است راه برد. شعاری که البته برای مطرح کردن، جا انداختن و پیش بردن آن و گسترش داخلی و بین‌المللی‌اش بهایی بس گزاف پرداختیم. بی‌مبالغه می‌گویم مصیبت‌ها کشیدیم و خون‌جگرها خوردیم و برچسب‌ها تحمل کردیم تا طلسم "جنگ" درهم شکست. خمینی با همین طلسم راه "آزادی" را سد کرده بود و درست در همین نقطه بوده است.

پاورقی:

(۱) - رسالت - ۶۵/۷/۱۴

(۲) - کیهان خمینی - ۶۵/۷/۶

(۳) - رسالت - ۶۵/۸/۴

(۴) - اطلاعات خمینی - ۶۵/۱۰/۱۳

(۵) - آخوند جوادی آملی - قم - ۶۵/۱۱/۵

قرار گرفته است.

قسمت عمده‌ی توانایی و کار این اداره مستقیماً در خدمت ایجاد تأسیسات و رساندن تدارکات به جبهه‌های جنگ است. که در سه ماه اول سال جاری فقط در یک مورد چهارمیلیون تومان هزینه برداشته، پس از آن نیز بیش از ۲۵۰ قلم لوازم یدکی و ماشین‌آلات از جمله بیل‌های مکانیکی و جرثقیل و سایر ماشین‌آلات به جبهه‌ها ارسال شده است. البته از چند سال پیش خمینی دستور داده بود تمام امکانات شهرداری‌ها را در خدمت جنگ بگذارند. فی‌المثل استاندار رژیم در خراسان در مردادماه سال ۶۲ اعلام کرده بود که بنا به خواست خمینی "اگر لازم باشد شهرداری‌های ما مهمترین پروژه‌های

خمینی در به باد دادن امکانات عمومی کشور در تنور جنگی‌اش نیز بیداد می‌کند از جمله:

- اختصاص دادن پنجاه درصد گوشت وارداتی کشور به جبهه‌ها و نیروهای نظامی و انتظامی

- اختصاص دادن پنجاه درصد تولیدات کمپوت و هشتاد درصد کنسرو به جبهه‌های جنگ (۱)

- اختصاص دادن چهل درصد از تمامی تولیدات وزارت صنایع سنگین به کار جنگ (۲)

- قرار گرفتن پانصد کارخانه‌ی تحت پوشش صنایع ملی در خدمت جنگ. این سازمان دربرگیرنده‌ی هفتاد درصد صنایع

ما از آغاز اعلام کردیم که تا خمینی هست جنگ و اختناق هم هست و خمینی جز در شرایط ضعف مطلق - که او را ضمناً در آستانه‌ی سقوط قرار می‌دهد - تن به صلح نخواهد داد. چرا که صلح همانا به نابودی او و رژیمش منتهی می‌شود. از اینجا می‌توان به نقش تاریخساز شعار صلح که پیوسته نصب‌العین شورای ملی مقاومت ایران بوده است راه برد. شعاری که البته برای مطرح کردن، جا انداختن و پیش بردن آن و گسترش داخلی و بین‌المللی‌اش بهایی بس گزاف پرداختیم. بی‌مبالغه می‌گویم مصیبت‌ها کشیدیم و خون‌جگرها خوردیم و برچسب‌ها تحمل کردیم تا طلسم "جنگ" درهم شکست. خمینی با همین طلسم راه "آزادی" را سد کرده بود و درست در همین نقطه میانه‌بازان استحاله‌گرا همراه با ملی‌گرایان پوشالی و بقایای سلطنت مدفون و بسیاری چپ‌نمایان در برابر سیاست انقلابی "صلح" ما برای تنور جنگ خمینی هیزم‌کشی می‌کردند.

خود را بخوابانند تا وسایل موردنیاز جبهه را تأمین کنند، این کار را خواهیم کرد."

*

ملاحظه می‌شود که در ایران خمینی‌گزیده همه‌چیز یا در خدمت جنگ است و یا سرکوب. خمینی این هیولای آدم‌خوار از بچه‌های مردم هم در نمی‌گذرد. اعزام اجباری دانش‌آموزان یکی از ننگین‌ترین و زشت‌ترین وجوه این جنگ ضد میهنی را بزملا می‌کند. رژیم خود اعلام کرده است که سال گذشته بیش از صد هزار دانش‌آموز و ۳۰۰۰ معلم را به جبهه‌ها فرستاده است. تماویز گلاس‌های خالی که حکایت از پرپر شدن هزارها نوجوان دارد و اغلب توسط روزنامه‌های خود رژیم منتشر می‌شود، برآستی جگرخراش است. جز برای پیرگفتار خون‌آشام جماران که لعنت خدا و خلق خدا بر او باد. برآستی که خمینی مظهر قساوت و شقاوت حداکثر است. اخیراً شنیدم یکی از زعمای رژیم

دارویی، هفتاد درصد صنایع روغن‌نباتی و چهل درصد صنعت قند در کل کشور است (۳)

- بکار گرفتن امکانات فنی هنرستان‌ها برای ساختن مین و انواع خمپاره و جعبه‌های مهمات (۴)

- بکار گرفتن کامل کارخانه‌ی ماشین‌سازی اراک برای کارهای جنگی از قبیل ساختن قطعات پل سه شیف در شبانه‌روز

- بکار گرفتن بخش عمده‌ی امکانات حمل‌ونقل کشور در جهت اعزام نیرو و سلاح و وسایل به جبهه‌های جنگ توسط سپاه پاسداران خمینی. از جمله امکانات شرکت حمل‌ونقل ایران‌تانکر همراه با راننده‌های کامیون‌ها و تریلی‌های آن. - بکار گرفتن مهمترین امکانات راه‌سازی و پل‌سازی کشور برای جنگ چه در وزارت راه و چه در شهرداری‌های مختلف.

- بکار گرفتن امکانات و مایملک شهرداری‌ها برای جبهه‌های جنگ از جمله شهرداری تهران که بخش‌های مهمی از آن از قبیل ترابری مشخماً در خدمت جنگ

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

برای پیدا کردن شیرخشک به آن دست نیافته بود، طفل شیرخوار خود را در داروخانه از فرط استیصال و ناراحتی بر زمین گشت و گشت. در چنین شرایطی وزیر بهداشت و درمان خمینی جلاد با وقاحت اعلام کرد "۹۸٪ مادران قادرند شیر مورد نیاز کودکان خود را تامین کنند اما در اثر فرهنگ غلط میزان استفاده از شیرخشک سرسام آور شده!" اما واقعیت اینست که مگر خمینی برای مردان ما خون و برای زنانمان شیر باقی گذاشته؟ مگر هر دو را خشک نکرده؟ وزیر بهداشت خمینی همچنین در آبانماه گذشته اعلام کرد: "اینطور نیست که شیرخشک جزء نیازهای اساسی بهداشتی باشد!" (۲)

الی ۵۰ برابر افزایش یافته است. چندی پیش وزیر کشاورزی خمینی اعلام کرد که هم اکنون کشور به حدود ۹/۵ میلیون تن گندم و ۱/۶ میلیون تن برنج در سال نیاز دارد. (۱) همین وزیر، خود در اواخر آبان اعلام کرده بود میزان خرید گندم مازاد بر نیاز کشاورزان در کل کشور حدود ۲/۵ میلیون تن می باشد. از اینجا می توان به ابعاد شگفت انگیز گندم وارداتی و همچنین به ابعاد انهدام و تخریب کشاورزی ایران و فشارهای طاقت فرسایی که بر کشاورزان و دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی در دوره ی خمینی وارد شده پی برد. برحسب آمار رژیم، امسال

میانهازان استحاله گرا همراه با ملی گرایان پوшالی و بقایای سلطنت مدقون و بسیاری چپنمایان در برابر سیاست انقلابی "صلح" ما برای تنور جنگ خمینی هیزم گشی می کردند. در این جهت و درست رودرروی مقاومت مسلحانه ی انقلابی بسیاری از بلندگوها و رسانه های استعماری نیز که در ادامه ی جنگ ایران و عراق منافع کلان داشتند، هیزم گشان را علیه ما همراهی کردند. روشن تر بگویم: سیاست عملی صلح که مشخصاً در شکستن ظلم جنگ از طریق بیانیه ی صلح، طرح صلح شورای ملی مقاومت و دیدار صلح در بغداد پایه گذاری شد و در سراسر جهان و بویژه در داخل ایران گسترده ترین حمایت های مردمی را حاصل نمود، از هوشیاری و سرشت ضدبهره گشانه ی انقلاب نوین ایران و از شجاعت سیاسی فوق العاده ی مقاومتی ناشی شده بود که قبل از هر چیز مرزهای تاریخی خود با بورژوازی استثمارگر را (چه در اشکال سنتی و چه حتی در تظاهرات و رگه های چپنمایانه ی آن) جدا کرده بود. همان بورژوازی که هیچگاه در طول تاریخ معاصر جسارت و جرات جداسازی تام و تمام خود از جنگ های غیرعادلانه را که در پوشش های ملی و وطنی عرضه می شوند نداشته است. اما مقاومت انقلابی ایران بلحاظ تاریخی و ایدئولوژیک بسا خالص تر و مردم گراتر از این بود که در چنین دام هایی گرفتار آید.

سیاست عملی صلح که مشخصاً در شکستن ظلم جنگ از طریق بیانیه ی صلح، طرح صلح شورای ملی مقاومت و دیدار صلح در بغداد پایه گذاری شد و در سراسر جهان و بویژه در داخل ایران گسترده ترین حمایت های مردمی را حاصل نمود، از هوشیاری و سرشت ضدبهره گشانه ی انقلاب نوین ایران و از شجاعت سیاسی فوق العاده ی مقاومتی ناشی شده بود که قبل از هر چیز مرزهای تاریخی خود با بورژوازی استثمارگر را (چه در اشکال سنتی و چه حتی در تظاهرات و رگه های چپنمایانه ی آن) جدا کرده بود. همان بورژوازی که هیچگاه در طول تاریخ معاصر جسارت و جرات جداسازی تام و تمام خود از جنگ های غیرعادلانه را که در پوشش های ملی و وطنی عرضه می شوند نداشته است. اما مقاومت انقلابی ایران بلحاظ تاریخی و ایدئولوژیک بسا خالص تر و مردم گراتر از این بود که در چنین دام هایی گرفتار آید.

قبل از این تاریخ در تیرماه اعلام شده بود که "با توزیع کارت ها خانواده ها هر پانزده روز یکبار می توانند سه قوطی شیرخشک برای کودکان تا یکسال، بگیرند" (۳)

در همین ایام مدیرعامل سازمان بهداری استان فارس اظهار لحنیه کرد که: "شرعاً و عرفاً و از نظر علمی بررسی شده که شیرخشک تا یکسالگی برای بچه لازم است. فقط برای کودکانی کارت صادر می شود که سن آنها بین یک روز تا یکسال تمام باشد." (۴)

بحث اصلی مان درباره ی تولیدات و محصولات کشاورزی را ادامه بدهیم: شگفت انگیز است که از کل روغن نباتی مصرفی در کل کشور که ۴۳۰،۰۰۰ تن است

۷۰۰،۰۰۰ تن برنج، ۶۰۰،۰۰۰ تن شکر، ۴۰۰،۰۰۰ تن روغن نباتی، یک میلیون تن ذرت، حدود ۳۰۰،۰۰۰ تن گوشت، ۸۵،۰۰۰ تن پنیر و بیش از ۵۰،۰۰۰ تن کره از خارج وارد گردیده است.

بسیاری از این اقلام مانند پنیر و کره به هیچوجه کفاف مصرف داخلی را نمی دهد و در سال های گذشته خیلی بیشتر وارد می گردید. دلیل تنزل واردات این اقلام در سال جاری تقلیل شدید درآمد نفت یعنی بی پولی و کمبود ارز خارجی است. واردات شیرخشک مثال دیگری در همین زمینه است. در آبانماه گذشته وزیر بهداشت خمینی اعلام کرد که بودجه ی مربوط به واردات شیرخشک که سال گذشته ۱۲۰ میلیون دلار بوده امسال به نصف و حوالی هفتاد میلیون دلار کاهش یافته است. البته می دانیم که کمبود شیرخشک آثار فوق العاده سوئی بر تغذیه ی کودکان و وضع و حال مادران دارد. فکر می کنم همه شنیده باشند که چندماه پیش چگونه مرد بیچاره ای که پس از تلاش های بسیار

تا آنجا که من می فهمم مضمون اجتماعی و سیاسی انقلاب درونی مجاهدین در سال ۶۳ در یک کلام تصفیه و تعالی ضدبهره گشانه و رهایی هر چه بیشتر و عمیق تر از همین عنصر استثمارگر بورژوازی و در پهنه های مختلف است. پیام نهایی این انقلاب ایدئولوژیک درونی را که از "رهایی زن" آغاز شد می توان در بازشناختن ضرورت و نقش تعیین کننده ی "رهبری" در نیل به رهایی و یگانگی خلاصه کرد. اکنون باز هم اجازه بدهید بیلان حکومت خمینی را پیگیری کنیم.

۴- انهدام کشاورزی و کشاورزان ایران از دیگر ارمغان های شوم حکومت ۸ ساله ی خمینی است. در این سال ها واردات کالاهایی نظیر گندم و برنج ۴۰

(۱) - اطلاعات خمینی - ۶۵/۹/۱۱

(۲) - اطلاعات خمینی - ۶۵/۸/۸

(۳) - کیهان خمینی - ۶۵/۴/۱۲

(۴) - خبر جنوب - ۶۵/۴/۱۲

پاورقی:

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

سنگین در سال ۶۱ حدود ۴ میلیارد دلار، در سال ۶۲ بیشتر از ۳ میلیارد دلار، در سال ۶۳ بیش از ۲ میلیارد دلار و در سال ۶۴ حدود یک میلیارد دلار بود، اما امسال تا آذر ماه، بنابه تصریح وزیر مزدور آن، بیش از ۳۰ میلیون دلار نصیبش نشده بود. در همین زمینه نمونه های زیرین هم قابل توجه است: - تولیدات کارخانهی آلومپارس ساوه طی ۸ ماه اول سال جاری ۶۰ درصد کاهش نشان می دهد. این کارخانه تنها تولیدکنندهی گازذ آلومینیم دار در ایران است.

- کارخانهی سرم سازی تهران که پیش از این ۳۶۰ نوع سرم تولید و حتی صادر می کرد در معرض تعطیلی است و تنها دو نوع سرم برای جبهه های جنگ تولید می کند. - کارخانهی مزدا تولید وانت را تعطیل کرده است.

- سگورهای شماره ۱ ذوب آهن اصفهان کلاً بحالت تعطیل درآمده است.

- بنابه تصریح وزیر صنایع رژیم تولیدات سازمان گسترش صنایع امسال ۶۰ درصد کاهش نشان میدهد

- شهر صنعتی البرز در قزوین با حدود ۱۵۰ کارخانه تقریباً بحالت تعطیل درآمده است

- در ۶ ماه اول سال جاری ۵۷۰۰ تن از آمار پرسنلی ایران - ناسیونال گاسته شده و از کار بیگار شده اند. از ۷۰۰۰ نفر موجود نیز ۱۷۰۰ نفر را به جبهه های جنگ فرستاده اند. خط تولید اتوبوس، مینی بوس و وانت تقریباً تعطیل شده و تولید پیگان از ۴۰۰ دستگاه در روز اکنون به ۶۰ دستگاه کاهش یافته.

- شرکت ارج خط تولیدی خود را به یک شیفت ۷ ساعته کاهش داده و تولیدات خود را به حداقل رسانده است.

- شرکت های تولیدکنندهی تلویزیون از قبیل فلیپس، پارس، شهاب و شرکت های کابل سازی نظیر ساوه و باختران یا تولید خود را به حداقل رسانده و یا فعلاً تعطیل شده اند.

پاورقی:

(۱) - معاون طرح و برنامه ی وزارت صنایع -

جمهوری اسلامی - ۶۵/۹/۱۸

(۲) - اطلاعات ۶۴/۱۲/۱

(۳) - بهزاد نبوی - اطلاعات - ۶۵/۱۰/۱۰

راجع به زنبور عسل و وضعیت کندوها نیز کافی است خاطرنشان کنیم که فی المثل در شهر آمل بعثت دریافت نکردن دارو، تلفات کندوها در یک فاصله ی ۶ ماهه (از پائیز ۶۴ تا بهار ۶۵) بیش از ۵۵٪ بوده و از ۲۵،۰۰۰ به ۱۱،۰۰۰ کندو کاهش یافته است.

۵- درهم شکستگی صنایع و عقبگرد صنعتی بسیار شدید و فشار فوق العاده بر کارگران و زحمتکشان، یکی دیگر از بارزترین وجوه حکومت ۸ ساله ی خمینی است که بوضوح نشان می دهد وی تا گجا دشمن حرث و نسل یعنی دشمن نسل ها و گشت و تولید ایران است.

چنانکه در سال های گذشته نیز بعرض رساندم، کارشناسان اقتصادی رژیم خود معترفند که طی حکومت او تولید ملی

فقط ۳۰ هزار تن (حدود ۷٪) آن در داخله تهیه می شود (۱) و مابقی بطرق مختلف از خارج وارد می گردد.

همچنانکه سال گذشته نیز به عرض رساندم زعمای رژیم خود معترفند که در حکومت خمینی تولید داخلی محصولات اساسی کشاورزی دستکم پنجاه درصد تنزل کرده است و حدود ۴/۱ از ۵۱ میلیون هکتار اراضی قابل کشت معطل و بلااستفاده افتاده است. در اوایل سال جاری یکی از رسانه های رژیم بعنوان نمونه اعتراف نمود که طی چند سال اخیر حدود ۴۰۰،۰۰۰ هکتار از اراضی قابل کشت نیز تخریب شده و در نتیجه ۱/۷ میلیون تن محصولات اساسی کشاورزی از دست رفته است. (۲)

زعمای رژیم خود معترفند که در حکومت خمینی تولید داخلی محصولات اساسی کشاورزی دستکم پنجاه درصد تنزل کرده است و حدود دوسوم از ۵۱ میلیون هکتار اراضی قابل کشت معطل و بلااستفاده افتاده است. در اوایل سال جاری یکی از رسانه های رژیم بعنوان نمونه اعتراف نمود که طی چند سال اخیر حدود ۴۰۰،۰۰۰ هکتار از اراضی قابل کشت نیز تخریب شده و در نتیجه ۱/۷ میلیون تن محصولات اساسی کشاورزی از دست رفته است.

سطح جنگل های غرب کشور نیز طی همین مدت در اثر تخریب و تبدیل، از ۱۲ میلیون هکتار، تقریباً به نصف کاهش یافته است. بنحوی که تولیدات آن فقط برای تعلیف ۲۰٪ از دامهای کشور کفایت می کند. به همین دلیل قرار بر اینست که در سال جاری حدود ۲/۵ میلیون تن علوفه و خوراک دامی از خارج وارد شود. چندی پیش وزیر صنایع رژیم در همین باره گفت: "دامداری هم در این کشور وابسته است، چون تمام خوراک دام و علوفه و خوراک طیور از خارج می آید. بخاطر کمبود گازوئیل صنعت مرغداری نیز به خارج وابسته است" (۳)

سطح جنگل های غرب کشور نیز طی همین مدت در اثر تخریب و تبدیل، از ۱۲ میلیون هکتار، تقریباً به نصف کاهش یافته است. بنحوی که تولیدات آن فقط برای تعلیف ۲۰٪ از دامهای کشور کفایت می کند. به همین دلیل قرار بر اینست که در سال جاری حدود ۲/۵ میلیون تن علوفه و خوراک دامی از خارج وارد شود. چندی پیش وزیر صنایع رژیم در همین باره گفت: "دامداری هم در این کشور وابسته است، چون تمام خوراک دام و علوفه و خوراک طیور از خارج می آید. بخاطر کمبود گازوئیل صنعت مرغداری نیز به خارج وابسته است" (۳)

شیلات کشور نیز وضعی بهتر از دآمداری ندارد. درآمد شیلات در بودجه ی امسال حدود ۵۵ درصد به نسبت سال گذشته کاهش نشان می دهد. وضع شیلات جنوب خیلی خرابتر است و از ۱۰ میلیون تومان درآمدی که پارسال داشت، امسال هیچ خبری نیست.

کشور ۲۵ تا ۳۵ درصد پائین آمده و از توان تولیدی و سرمایه ی ثابت داخل کشور نیز ۸۳ درصد گاسته شده است. سهم کالاهای صنعتی در کل کشور از رقم تقریبی ۳۰ درصد در سال ۵۷ قویاً تنزل یافته و اکنون حتی به ۵ درصد هم نمی رسد. به جرات می توان گفت که صنعت کنونی ایران هیچ سهم مهمی در تولید ناخالص ملی ندارد.

بویژه در سال جاری به خاطر کاهش درآمد نفت و فقدان ارز خارجی، صنایع کشور که ۸۰ درصد مواد اولیه ی آن از خارج وارد می شود اغلب تعطیل و یا نیمه تعطیل بودند.

آمار وزارت کار و امور اجتماعی حاکی از این است که بیش از ۱۲،۰۰۰ کارگاه (اعم از کارگاه کوچک و بزرگ) در کل کشور از دولت سر خمینی به تعطیل دائم گشاده شده اند.

در مورد آثار فقدان ارز، خوب است اضافه کنیم سهمیه ی ارزی وزارت صنایع

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

آسمان می‌ساید.

گیاه‌خوارند و یا باید از دولت سر خمینی تا مرحله‌ی علق‌خواری هم جلو بروند! نخست‌وزیر خمینی هم در مورد گوشت ده‌روز پیش گفت: "هیچ کشور در حال جنگ، سیصد میلیون دلار خودش را در موقعی که برای جنگ احتیاج دارد، نمی‌دهد برای اینکه گوشت وارد کند و ملت گوشت بخورد."

قبل از او نیز رفسنجانی گفته بود: "وقتی جنگ با این وسعت می‌خواهد انجام بشود، در شرایط فشار اقتصادی تحقیقات فشار می‌آورد روی ارزاق عمومی، روی سوخت، روی ترابری، روی راه، روی طرح‌های عمرانی." خوب است گلام آخر در این زمینه را از آخوند جنایتکار دیگری بنام مشکینی نقل

از ۴۵۰۰ قلم دارو که قبل از خمینی در بازار موجود بود ۳۸۰۰ قلم آن دیگر اساساً یافت نمی‌شود.

نحوه‌ی توزیع نفت و بنزین دولتی فقط باعث جنگ اعصاب است. یک فروشنده‌ی نفت که سال گذشته ۱۴۰۰۰ لیتر روزانه فروش داشته می‌گوید که امسال فقط ۲۰۰۰ لیتر سهمیه دارد.

در تبریز رژیم فقط قادر است یک چهارم نفت مورد نیاز مردم را تأمین کند.

جالب این است که در چنین شرایطی زعمای رژیم دو قورت و نیم‌شان هم باقیست! فی‌المثل چندماه پیش منتظری ولیعهد سفیه خمینی صراحتاً گفت: "سابق که نفت نبود مردم چطوری

— شرکت زامیاد برخی خطوط تولیدی خود را تعطیل و کارکنان آنرا بازخرید کرده است.

— معدن سرب و روی انگوران در زنجان حدود یک میلیارد تومان به بانک به‌هکار است و دستمزد کارگران آن ماهها به عقب می‌افتد. ضمناً از وسایل امدادی برای کارگران و آمبولانس و پزشک نیز هیچ خبری در این معدن نیست.

براستی که خمینی آنقدر در صنعت پاسدارسازی و در معدن جنگ‌افروزی فرو رفته، که جایی برای سایر صنایع و معادن و رسیدگی باقی نگذاشته است! و البته بدیهی است که بار اینهمه فشار قبل از همه بر دوش طبقه‌ی کارگر ایران است.

۶ — گرانی سرسام‌آور و گشوده و کمبودهایی که پیوسته تحت عنوان "جنگ" توجیه می‌شود، یکی دیگر از سرفصل‌های بی‌لان حکومت ننگین خمینی است.

در بازار سیاه تهران پنیر کیلویی کمتر از صد و پنجاه تومان و گوشت کیلویی کمتر از ۲۳۰ تومان بدست نمی‌آید. قیمت برنج هر کیلو صد تومان، گره کیلویی ۴۸۰ تومان و صابون هر قالب ۳۵ تومان است. برای یک عدد تخم‌مرغ باید بیش از ۴ تومان پرداخت. گوپن دملی‌تری بنزین نیز صد تومان معامله می‌شود.

کارمندی که ماهیانه با اضافه‌کاری و صرفه‌جویی هشت‌هزار تومان درآمد خالص دارد اخیراً طی نامه‌ای نوشته بود که روزدرمیان بایستی ۱۸۰ تومان برای "سرلاک" بچه بپردازد که ماهیانه ۲۷۰ تومان می‌شود.

بعضی از کارکنان دولت روزانه ۱۶ ساعت کار می‌کنند تا بتوانند تعادلی بین دخل و خرج خود ایجاد کنند. فشار روی اقشار کم‌درآمد منجمده معلمین فوق‌العاده زیاد و واقعاً طاقت‌فرسا است.

طی ۸ سال حکومت خمینی هزینه‌ی حمل‌ونقل تا بیست‌برابر افزایش یافته است. قیمت لوازم‌التحریر ضمن یکسال اخیر حدود ده‌برابر ترقی کرده و یک دفترچی صدف‌رنگی جلد پلاستیک بیش از هشتاد تومان به فروش می‌رسد.

طبق تحقیقات گروه تجارت بین‌المللی، تهران از نظر گرانی سومین شهر جهان است. آجاره‌مسکن که بیش از ده‌برابر افزایش یافته برای اقشار کم‌درآمد سر به

درهم شکستگی صنایع و عقب‌گرد صنعتی بسیار شدید و فشار فوق‌العاده بر کارگران و زحمتکشان، یکی دیگر از بارزترین وجوه حکومت ۸ ساله‌ی خمینی است که بوضوح نشان می‌دهد وی تا کجا دشمن حرث و نسل یعنی دشمن نسل‌ها و کشت و تولید ایران است. چنانکه در سال‌های گذشته نیز بعرض رساندم، کارشناسان اقتصادی رژیم خود معترفند که طی حکومت او تولید ملی کشور ۲۵ تا ۳۵ درصد پائین آمده و از توان تولیدی و سرمایه‌ی ثابت داخل کشور نیز ۸۳ درصد کاسته شده است. سهم کالاهای صنعتی در کل کشور از رقم تقریبی ۳۰ درصد در سال ۵۷ قویاً تنزل یافته و اکنون حتی به ۵ درصد هم نمی‌رسد. به جرات می‌توان گفت که صنعت کنونی ایران هیچ سهم مهمی در تولید ناخالص ملی ندارد.

کنیم که در نماز جمعه گفت: "باید سجده‌های طولانی کنید، با خدایان راز نیاز کنید، نگوئید جنس گران شد، نگوئید چنین و چنان شده والله سالم‌ترین کشور، کشور شاست."

خانه‌های به هنگام بی‌لان دادن درباره‌ی عملکردهای حکومت خمینی از درهم‌گوبیدن ثروتمندان و رسیدگی به مستضعفان سخن گفته بود. به همین مناسبت بد نیست بدانیم بیش از ۹۵ درصد کل نقدینگی کشور متعلق به سهرصد مردم است.

جالب توجه است که در همین شرایط دولت خمینی دائماً اسکناس بی‌پشتوانه چاپ و به جریان می‌گذارد. گفته می‌شود که دولت خمینی در سال جاری بمنظور جبران گسر بودجه باز هم درصدد چاپ ۷۰ میلیارد تومان اسکناس اضافی بوده است. پس عجب نیست که نرخ برابری

زندگی می‌کردند. ما باید فرض کنیم که نفت نداریم و به سمت اقتصاد منه‌ای نفت پیش برویم!!

درباره‌ی گوشت نیز ولیعهد سفیه خمینی گفت: "سابق اینقدر گوشت نمی‌خوردند اصلاً این برای ما ننگ است که گوشت از آرژانتین و زلاندنو بیاورند و معلوم نیست که چه کوفتی است اینها را به ملت بدهند. باید مصرف را کم کرد."

خلخالی جانی در همین رابطه گفته است: "آنکه گفته من ۸ یا ۶ ماه است گوشت نخورده‌ام، شاید گیاه‌خوار بوده است. آدم گیاه‌خوار ممکن است ۴ یا پنج سال هم گوشت نخورد" (*) وی یکبار دیگر نیز در مجلس گفته بود: "باید کاری کنیم تا جنگ را پیش ببریم. ما انقلاب نکرده‌ایم که نخود و لوبیا و مرغ و گوشتان مرتب و منظم باشد و هر وقت هم کمبودی شد بز نیم بر سر دولت"

ملاحظه می‌کنید که از نظر خمینی و جلادان رژیم کارگر و دهقان و عموم زحمتکشان و مردم ایران یا تماماً

پاورقی:

(*) — اطلاعات ۲۱/۱۰/۶۴

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

بصراحت اعلام کرد که حدود پانزده درصد از قبولی‌های دانشگاه بخاطر نداشتن "صداقت اخلاقی و اسلامی" مردود شده‌اند. (۲)

به موجب "بند ج" آئین‌نامه‌ی گزینش اخلاقی داوطلبین ورود به دانشگاه‌ها مشخصات کامل داوطلبان بایستی برای نظرخواهی ابتدا به ساواک خمینی و دادستانی ضدانقلاب و دادرای عمومی او برود و تنها پس از تایید این مراجع، ورود داوطلب به دانشگاه بلامانع است. آنهم تازه در صورتی که "گزارش منفی مستندی از منبع موثق دیگر درباره‌ی وی واصل" نشده باشد. بگذریم که در سر کلاس درس نیز اعضای ساواک خمینی و انجمن‌های ضداسلامی دانشجوی را آسوده نمی‌گذارند. منجمله ۱۵۰۰ تن عوامل انجمن‌های ضداسلامی را تحت عنوان دانشجوی فقط به دانشگاه تهران قالب کرده‌اند.

در آموزش و پرورش نیز وضع بهتر از دانشگاه‌ها نیست. یک قلم هفتاد هزار معلم کم است. معلمینی که اغلب ضمن ۴-۵ سال گذشته حقوقشان همان است که بود. بیست هزار روستا مدرسه ندارد. در مناطقی مثل بم و کهنوج و نورماشیر و خیلی جاهای دیگر دانش‌آموزان روی پیت حلبی می‌نشینند. در سال ۶۵ بخاطر جنگ احداث آموزشگاههای جدید را ممنوع اعلام کردند. مدارس سه شیفته و دو شیفته خیلی زیاد است. یک قلم ۲۱,۰۰۰ کمبود کلاس برآورد شده. در نقاطی مثل گرمان مدارس هست که گاه در زمستان بچه‌ها را به خاطر سردی کلاس و فقدان سوخت به حیاط مدرسه می‌آورند، بلکه در اشعه‌ی آفتاب جانی بگیرند. در عوض تا بخواهید مزدوران انجمن‌های ضداسلامی و امور ضدترابیتی در همه‌ی فضای آموزش و پرورش پرسه می‌زنند و یکی از وظایف آنها اعزام بچه‌ها برای ادامه‌ی تحصیل! به فاو و دیگر جبهه‌های جنگ است. راجع به سانسور کتب درسی و تحریف حقایق تاریخی و علمی و سانسور سایر کتاب‌ها نیز چون فکر می‌کنم حاجت به بیان ندارد فقط یک نمونه مربوط به

فشار قرار دادن مردم، اخذ مالیات را به کمیته‌های سرکوبگر واگذار کرده‌اند و محرومیت‌های اجتماعی متعددی برای کسانی که مالیات ندهند در نظر گرفته شده است. در عین حال شگفت‌انگیز است که حدود ۹۷٪ مالیات‌های اخذشده در سال گذشته مربوط به کارمندان و مزدبگیران و اقشار کم‌درآمد بوده است. ۷- وضعی که خمینی در طول حکومت خود بر سر دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر و مطبوعات آورده است نیازمند توصیف نیست. از کودتای سیاه ضد فرهنگی، از انبوه تصفیه‌های ارتجاعی، از سانسور کتب درسی، از تحریف حقایق تاریخی و از گسترش ارگان‌های ارتجاعی و سرکوبگر در دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش و مدارس،

ریال با دلار دائماً افزایش می‌یابد. هم‌اکنون در بازار آزاد بیش از ۹۰ تومان باید برای یک دلار پرداخت. چندی پیش "واحد اطلاعات اقتصادی" لندن اعلام کرد که ارزش واقعی پول ایران به یک‌دهم ارزش رسمی آن رسیده است.

شایان ذکر است که در چنین وضعیتی دولت خمینی از یکسو دائماً هم سود بازرگانی کالاها و هم میزان مالیات‌ها را به زیان مردم محروم افزایش می‌دهد و از سوی دیگر از کمک‌هزینه‌های مرسوم دولتی برای تأمین برخی کالاها ی اساسی می‌کاهد. در نتیجه این زحمتکشان و صاحبان اقشار کم‌درآمد ما هستند که فی‌الواقع بایستی نصف بخورند و نصف ببوشند ولی مضاعف بپردازند...

گفته می‌شود که دولت خمینی در سال جاری بمنظور جبران کسر بودجه باز هم درصد چاپ ۷۰ میلیارد تومان اسکناس اضافی بوده است. پس عجب نیست که نرخ برابری ریال با دلار دائماً افزایش می‌یابد. هم‌اکنون در بازار آزاد بیش از ۹۰ تومان باید برای یک دلار پرداخت. چندی پیش "واحد اطلاعات اقتصادی" لندن اعلام کرد که ارزش واقعی پول ایران به یک‌دهم ارزش رسمی آن رسیده است.

شایان ذکر است که در چنین وضعیتی دولت خمینی از یکسو دائماً هم سود بازرگانی کالاها و هم میزان مالیات‌ها را بر زیان مردم محروم افزایش می‌دهد و از سوی دیگر از کمک‌هزینه‌های مرسوم دولتی برای تأمین برخی کالاها ی اساسی می‌کاهد. در نتیجه این زحمتکشان و صاحبان اقشار کم‌درآمد ما هستند که فی‌الواقع بایستی نصف بخورند و نصف ببوشند ولی مضاعف بپردازند.

همگان مطلعند. پس از باز شدن دانشگاه‌ها آنهم در چنبره‌ی افکار سیاه خمینی، پیوسته درصد چشمگیری از ایادی رژیم و ارگان‌های سرکوبگر او به کلاس‌های درس تحمیل گردیده‌اند. خمینی برآستی خصم علم و فرهنگ و دشمن آشتی‌ناپذیر آگاهی و آزادی است. هم‌اکنون دانشگاه‌های ما به اعتراف خود رژیم شش‌هزار عضو هیئت علمی کمبود دارد. بخصوص که در اثر اختناق هزاران تن از متخصصین و اساتید و اعضای هیئت‌های علمی بناگذاشته‌ی جلالی وطن نموده‌اند.

از نظر کمی نیز تعداد دانشجویان موجود هنوز نسبت به آخرین سال قبل از حکومت خمینی (که دانشگاه‌ها و مدارس عالی حدود ۱۷۰,۰۰۰ دانشجو را دربرمی‌گرفت) ده‌ها هزار تن کمتر است. امتحانات ورودی دانشگاه‌ها خود مظهري از جهل و ابتذال رژیم قرون وسطایی است. ماه گذشته یکی از کارگزاران خمینی

چندی پیش در همین رابطه حتی صدای یکی از نمایندگان مجلس ضدخلق (۱) نیز بلند شد و گفت "سود بازرگانی را که ۱۸۵ میلیارد بود، ۸۰ میلیارد در مجلس اضافه کرده‌اند، یعنی اینکه تمام کالاها یی که وارداتی هست و دارای تعرفه‌های مختلف هست قیمت‌ها نیز افزایش پیدا کند، آنطرف قضیه هم یک ۱۰۵ میلیارد بابت سوبسید فی‌الواقع حذف شده، نتیجه چه می‌شود؟ بنابراین ما قیمت کالاها را دوباره بالا بردیم..." ضمناً اخذ مالیات که فشار آن مستقیماً و بر گرده‌ی محرومترین اقشار جامعه وارد می‌شود، امسال افزایش یافت و در بودجه‌ی سال جاری ۳۱ درصد گل درآمدهای مندرج در بودجه‌ی رژیم خمینی را تشکیل داد. (حدود ۱۲۰ میلیارد تومان). اما اخیراً وزیر برنامه و بودجه‌ی خمینی اعلام کرد در بودجه‌ی سال آینده مالیات‌ها به پنجاه درصد (درآمد گل) افزایش خواهد یافت. ضمناً برای تحت

پاورقی:

- (۱) - بنام الویری
- (۲) - محمد مهدی املشی

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

۸ برابر بیشتر مواد مخدر کشف گردیده است.

یک کارشناس قضایی که سالیان طولانی است در دادگستری کار می کند می گوید که این میزان از فساد و دزدی و فحشاء و اعتیاد که از دولت سر خمینی رواج یافته، هیچگاه سابقه نداشته و سنگسار کردن ها و دست بردن ها و تیرباران قاچاقچیان نیز هیچ فایده ای ندارد.

مقابلاً مقامات رژیم در بولتن ها و گزارش های داخلی خود نگرانی شان را از پائین آمدن میزان مطالعه نشریات و مجلات باصطلاح حزب الهی و بالا رفتن مطالعات مربوط به سرگرمی ها و تفریحات و مطالعات غیرمجاز ابراز می کنند. در یکی از گزارشات داخلی مربوط به زعمای رژیم ابراز تأسف شده است که چرا "پیام

گاهش درآمد نفت در مطبوعات رژیم این پیشنهاد مطرح شد که خوب است بیش از ۲ میلیون نفر را به لیبی و کشورهای حوزه خلیج فارس بفرستند... (۴) یک نماینده مجلس ضد خلقی ضمن ابراز نگرانی از افزایش شمار بیگاران گفت: "اسال از ۵۸۲,۰۰۰ نفر شرکت کننده در آزمون دانشگاهها تعداد ۵۲۰,۰۰۰ نفر به شمار بیگاران خواهند پیوست." (۵)

۹- افزایش شگفت انگیز انواع و اقسام فساد و بلایای اجتماعی یک نکته بسیار چشمگیر دیگر در بیلان حکومت خمینی است، مفاسد زنجیره ای ناشی از جنگ و اختناق و بیگاری نیازمند شرح و بسط نیست. تنها به برخی نکات اشاره می کنیم:

راستی که در ایران هیچکس و هیچ چیز از ستم خمینی در امان نیست. از استاد و دانشجو و معلم و محصل گرفته تا متخصصین و هنرمندان و شعرا و نویسندگان و فیلم سازان و هنرمندان تئاتر و سینما و خوانندگان و نوازندگان و موسیقی دانان ملی. از نقاشان و طراحان گرفته تا اطباء و پرستاران و خبرنگاران و باستان شناسان. آخر خمینی نه فقط در محیط کار بلکه در زندگی خصوصی نیز آنها را آسوده نمی گذارد و لذا است که اگر دستگیر و زندانی نباشند یا گروه گروه ترک وطن می کنند و یا خانه نشین می شوند و استعداداتشان حبس می شود. ای ننگ بر خمینی که همه چیز و همه کس را در میهن ما به بند کشیده، باشد که بندهای ارتجاع بگسلد و استعدادات و خلاقیت اقشار مختلف مردم ایران در حاکمیت مردمی خودشان با آزادی کامل شکوفا شود.

انقلاب" فقط ۱۹۰۰ نسخه، "شاهد" ۹۰۰ نسخه، "امید انقلاب" ۳۰۰ نسخه "راه مجاهد" (متعلق به لطف الله میثمی همکار ارگان های امنیتی رژیم) ۲۰۰ نسخه، "پاسدار اسلام" ۲۰۰۰ نسخه و "اقتصاد اسلامی" (وابسته به انجمن های ضد اسلامی بازار) فقط ۲۰۰ نسخه فروش می رود. در همین مبحث باید تأکید نمود که آخوندهای خمینی صفت خود مهمترین و عمده ترین مروجان فساد و فحشاء هستند و این حقیقتی است که امروز از چشم هیچکس در ایران پنهان نیست.

۱۰- وضعیت بهداشت و درمان نیز

نرخ رشد جرائم عادی از قبیل دزدی و قتل و تخلف بیش از صد درصد است. از پارسال تا اسال حدود ۱۴ هزار تن بر تعداد زندانیان عادی صرف نظر از تعداد کثیر آزادشدگان افزوده شده و تعداد زندانیان عادی به حدود هفتاد هزار تن می رسد. فی المثل در زندان عمومی بابل که فقط ۶۰۰ نفر ظرفیت دارد ۲۶۰۰ نفر را جا داده اند.

بر حسب گزارش فرماندهی کمیته های ضد خلقی فقط در ۵ ماه اول سال ۱۷,۴۰۰ نفر در ارتباط با باصطلاح منکرات اخلاقی دستگیر شده اند.

بر اساس گزارش شهربانی در ۹ ماه اول سال ۶۵ تنها در حوزی اختیارات شهربانی ۱۲,۸۵۰ فقره سرقت روی داده است.

کشف مواد مخدر در استان هرمزگان ۳۰ برابر بیشتر از سال ۵۸ است.

در تهران نسبت به ۲ سال پیش

تکامل طبیعی را یادآور می شوم:

آخوند یزدی نماینده مجلس خمینی در تابستان گذشته بصراحت گفت که: "کتاب هایی که در مسئله خلقت گفتگو کرده و مثلاً فلسفه داروین را مطرح می کنند... نمی تواند آزاد باشد. چرا که اینگونه کتب گمراه کننده بود و عقاید مردم را از بین می برد.... (۱)

راستی که در ایران هیچکس و هیچ چیز از ستم خمینی در امان نیست. از استاد و دانشجو و معلم و محصل گرفته تا متخصصین و هنرمندان و شعرا و نویسندگان و فیلم سازان و هنرمندان تئاتر و سینما و خوانندگان و نوازندگان و موسیقی دانان ملی. از نقاشان و طراحان گرفته تا اطباء و پرستاران و خبرنگاران و باستان شناسان. آخر خمینی نه فقط در محیط کار بلکه در زندگی خصوصی نیز آنها را آسوده نمی گذارد و لذا است که اگر دستگیر و زندانی نباشند یا گروه گروه ترک وطن می کنند و یا خانه نشین می شوند و استعداداتشان حبس می شود. ای ننگ بر خمینی که همه چیز و همه کس را در میهن ما به بند کشیده، باشد که بندهای ارتجاع بگسلد و استعدادات و خلاقیت اقشار مختلف مردم ایران در حاکمیت مردمی خودشان با آزادی کامل شکوفا شود.

۸- بیگاری گسترده که خود معلول جنگ و سرکوب و اوضاع اقتصادی ناشی از آن است یکی دیگر از بارزترین وجوه بیلان ننگین خمینی است و خمینی در این زمینه هم براساسی رگورددار است. تعداد بیگاران به حدود ۶ میلیون تن می رسد.

چندی پیش اداره ی کل آمار رژیم اعلام کرد که ۱۲ درصد از روستائیان و ۲۰ درصد شهرنشینان بیگارند. سال گذشته در حالیکه یکی از وزرای رژیم به نقل از سرپرست برنامه و بودجه تعداد بیگاران را ۶ میلیون اعلام کرده بود. (۲) معاون وزیر کار خمینی اظهار کرد: "نرخ بیگاری از ۱۰٪ تا ۶۰٪ اعلام شده است اما اینکه کدامیک صحیح بوده و متکی به داده های آماری مستند است، تابحال نتوانسته ایم این امر را تعیین کنیم" (۳) اما اسال برای حل مشکل بیگاری و

باورقی:

- (۱) - رسالت - ۶۵/۵/۲
- (۲) - اطلاعات - ۶۴/۱/۲۲
- (۳) - کیهان - ۶۴/۲/۵
- (۴) - کیهان - ۶۵/۳/۱۳
- (۵) - اطلاعات - ۶۵/۴/۲۱

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

بسیار ننگین دیگری در حاکمیت هشت‌ساله‌ی خمینی است. از آنجا که این واقعیت هر روز در گوشه‌ها و خیابان‌ها از مسئله‌ی حجاب گرفته تا آزار و اذیت‌ها و توهینات متعدد دیگر بر همگان مشهود و معلوم است، نیازی به شرح و بسط آن نمی‌بینم. فقط بایستی متذکر شد که این خمینی همان کسی است که در آغاز فعالیت سیاسی‌اش جز مخالفت با انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان برای نمایندگی مجلس که آنرا خلاف شرع و کفرآمیز می‌دانست حربه‌ی دیگری نداشت. اگرچه اکنون به اجبار زمانه‌ی یکی - دو زن را هم در مجلس ضدخلقی‌اش جا داده است. اما چه زنانی! یکی از اینان در مجلس خمینی آشکارا تقاضا می‌کند که "تحصیل در رشته‌های حسابداری، بازرگانی و مهندسی کشاورزی برای زنان باید ممنوع شود" (۲) بگذریم که در قانون اساسی خمینی حق ریاست‌جمهوری و ولایت و قضاوت نیز از زن سلب شده است.

شگفت‌انگیز است که در شرع ناپاک خمینی حق تیرباران شدن، حق شکنجه شدن تا سرحد مرگ، حق اعدام در حالت بارداری و حق استئمار شدن گاری و جنسی برای زن بسا بیشتر از مرد برسمیت شناخته شده و بیدریغ اعمال می‌شود. اما از این تساوی در جاهای دیگر و در هر آنچه مربوط به اعتلاء و رهایی است خبری نیست! برآستی که در شرع و مرام حیوانی خمینی و دارودسته‌ی فرومایه‌ی او زن هیچ چیز جز یک مقوله‌ی جنسی نیست.

همان مرام و مسلک ننگ‌آلود ارتجاعی که مبتن حسیض بی‌ناموسی عقیدتی و وجدانی است. دور نیست روزی که زنان مجاهد و مبارز این مرزوبوم بند از بند این رژیم فاسد و لثیم جدا کنند.

به دؤخیمان و اراذل خمینی بویژه به شکنجه‌گران خواهران و زنان ما اخطار می‌کنم که از آتش بنیان‌سوز مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی گریزی نخواهند داشت و دیر یا زود شعله‌های خشم خروشان خلق دامنگیرشان خواهد شد.

ادامه دارد

پاورقی:

(۱) - اطلاعات - ۶۴/۶/۳

(۲) - نقل از مریم بهروزی نماینده‌ی مجلس ضدخلقی

- شهر توپس‌رگان با ۱۲۰،۰۰۰ نفر جمعیت فقط یک داروخانه دارد.

- دارو بسیار گران و کمیاب است. اگرچه می‌توان در بازار سیاه که سرخ آنرا کارگزاران رژیم خود بدست دارند شربت "آنسفاپول" (مخصوص ناراحتی‌های مغزی کودکان) را که قیمت رسمی آن ۳۲/۵ ریال است با پرداخت ۸۵۰ تومان بدست آورد. همچنین می‌توان آمپول "دپروپانکس" را که قیمت رسمی آن ۱۳/۵ ریال است با پرداخت ۹۰۰ تومان در بازار سیاه بدست آورد.

۱۱- مهاجرت از روستاها به شهر و مهاجرت بی‌نظیر از داخل به خارج کشور که آمار و ارقام تکان‌دهنده‌ای دارد، یکی دیگر از ارمغان‌های حکومت خمینی است. باین‌ترتیب علیرغم آنکه رئیس‌جمهور

در دوران حاکمیت خمینی بسیار رقت‌بار است. خمینی بخش اعظم ظرفیت درمانی و بهداشتی کشور را صرف جنگ نموده و این روزها همگان می‌دانند که در اغلب شهرها بخاطر کثرت زخمی‌های جنگ جای سوزن انداختن در بیمارستان‌ها نیست. می‌گویند که به خیلی از معلولین نیز برای دریافت دست و پای مصنوعی ۵ و یا حتی ۱۰ سال بعد نوبت داده‌اند. ۳ سال پیش که جنگ مثل اینروزها شد و حدت نداشت و خمینی "سال سرنوشت" اعلام نکرده بود وزیر بهداشتی رژیم اعلام کرده بود "برای عمل بچه‌هایی که دچار فلج اطفال هستند در بیمارستان شفاپنجایان تا ۶ سال بعد وقت می‌دهند!" فکرش را بکنید که حالا بعد از ۳ سال چه

تحقیر و سرکوب مضاعف زنان بمثابه یک فاجعه‌ی ملی و تاریخی برگ بسیار ننگین دیگری در حاکمیت هشت‌ساله‌ی خمینی است... در قانون اساسی خمینی حق ریاست‌جمهوری و ولایت و قضاوت نیز از زن سلب شده است.

شگفت‌انگیز است که در شرع ناپاک خمینی حق تیرباران شدن، حق شکنجه شدن تا سرحد مرگ، حق اعدام در حالت بارداری و حق استئمار شدن گاری و جنسی برای زن بسا بیشتر از مرد برسمیت شناخته شده و بیدریغ اعمال می‌شود. اما از این تساوی در جاهای دیگر و در هر آنچه مربوط به اعتلاء و رهایی است خبری نیست! برآستی که در شرع و مرام حیوانی خمینی و دارودسته‌ی فرومایه‌ی او زن هیچ چیز جز یک مقوله‌ی جنسی نیست.

همان مرام و مسلک ننگ‌آلود ارتجاعی که مبتن حسیض بی‌ناموسی عقیدتی و وجدانی است. دور نیست روزی که زنان مجاهد و مبارز این مرزوبوم بند از بند این رژیم فاسد و لثیم جدا کنند.

خبر است! وزیر بهداشتی رژیم همچنین ۳ سال پیش در آبان ۶۲ گفته بود:

"... بعد از انقلاب حتی یک وسیله هم برای وزارت بهداشتی خریداری نشده است و تمام خودروهای وزارت بهداشتی را هم که زیر پای افراد بوده تبدیل به آمبولانس کرده‌ایم و به جبهه فرستاده‌ایم که وزارت بهداشتی هر چهار روز یک آمبولانس در جبهه از دست داده است" و حالا ۳ سال پس از آن تاریخ وضع بعرا تب بدتر شده است از جمله:

- در خیلی نقاط کشور برای هر ۱۰ الی ۵۰،۰۰۰ نفر فقط یک پزشک وجود دارد. (۱)

- برای رسیدن به یک وضعیت متعادل تقریباً یکصد هزار تخت در بیمارستان‌ها کم است. هم‌اکنون در بیمارستان‌های ۵۰ تخت‌خوابی تا ۳۰۰ مجروح بستری می‌کنند. - بیش از ۲۰،۰۰۰ بیمار در لیست انتظار نوبت جراحی در بیمارستان قلب تهران قرار دارند.

خمینی رسیدگی به امور روستاها را در صدر "دستاوردهای" هشت‌ساله‌ی رژیم توصیف می‌کند، بخاطر بیگاری و انهدام میانی کشاورزی، سیل مهاجرت از روستاها به جانب شهرها ادامه دارد.

اما در رابطه با مهاجرت از داخل به خارج کشور در اثر جنگ و اختناق و سرکوب عمومی، ابعاد آن از بسیاری جهات در تاریخ ایران بی‌نظیر است. تعداد مهاجرین و پناهندگان و آوارگان ایرانی در خارج از کشور را حدود دویلمیون نفر برآورد می‌کنند که اغلب دور از شهر و دیار و میهن خود در شرایط ناراحت‌کننده‌ای بسر می‌برند و با مشکلات مختلف دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بسیاری از این هموطنان بخاطر جنگ یا اختناق ناگزیر از ترک میهن شده و آوارگی و دربدری را بر هرگونه گنار آمدن با رژیم خمینی ترجیح داده‌اند. ۱۲- تحقیر و سرکوب مضاعف زنان بمثابه یک فاجعه‌ی ملی و تاریخی برگ

اعمال فشارهای ضد بشری خمینی

اسیران جنگی عراق بمنظور تغییر مذهب آنان

به گزارش رادیوی رژیم در ماهی که روز دوشنبه ۱۳ بهمن ماه با شرکت نماینده های دجال در شورایی عالی، رئیس خود فروخته ستاد ارتش و جمعی از رانی که رژیم برای نمایشات خود به تهران آورده بل گردید، گفته شد که ده هزار و پانصد نفر از اسرای مسلمان عراقی توسط ایادی تغییر عقیده و مذهب داده اند. انتشار خبر مزبور در شرایطی ماهیت ارتجاع منحط و وسطایی خمینی دجال و نیز بات و ستمگریهای خمینی شر در حق مردم ایران اعم از ان و یا پیروان سایر مذاهب و دات، با تمامی ارزش ها و سن بخش اسلام در تضاد است، از هر چیز بیانگر فشارها و فاتی است که مزدوران رژیم تغییر عقیده و مذهب این اسرا ن وارد آورده اند.

این موضوع پیش از این نیز در گزارشات صلیب سرخ جهانی در مورد اردوگاههای اسرای عراقی در ایران تحت عنوان "فشارهای ایدئولوژیک و سیاسی که رژیم خمینی بر اسرا تحمیل می کند" مورد تأیید قرار گرفته و صلیب سرخ جهانی از اعمال فشار بر اسرای عراقی برای تغییر عقیده و مذهبشان بعنوان یکی از موارد نقض حقوق بشر و نقض کنوانسیون های بین المللی در مورد اسرا که باعث درگیری های مرگبار و منجمله کشته شدن تعدادی از اسرای اردوگاه گرگان در مهرماه ۶۳ گردید، نام برده است.

رادیوی رژیم در ادامه ی خبر خود همچنین از نیت شوم کارگزاران جنگ و جنایت خمینی دایر بر اعزام اسرای عراقی به جبهه های جنگ خمینی، با این بهانه که اسرای مزبور طی طوماری از سران رژیم تقاضای رفتن به جبهه را کرده اند پرده برداشت.

گرامی باد خاطره تابناک شهیدان مجاهد خلق

مجاهد شهید

مهندس محمد علی متقی



از زندانیان سیاسی رژیم شاه خائن و رئیس سابق ذوب آهن ایران که در بهمن ماه ۶۰ همراه با ۴۲۰ نفر دیگر از فرزندان دلیر خلق بدست مزدوران خمینی جلاد در زندان اوین تیرباران گردیده

شهید مقدس

مجاهد قهرمان حسین بابائی



در ۲۹/بهمن/۶۱ طی یک عملیات فداکارانه ی حسینی بمنظور مجازات طبسی جنایتکار نماینده ی خمینی دژخیم در خراسان جان پاکش را فدیهای رهایی خلق در زنجیر ایران نموده

انهدام ۱۰۰ گردان از نیروهای رژیم در تهاجم ضد کربلای ۵

- عباس رنجی، فرماندهی گردان ضد حضرت سجاد از لشکر ۱۰ ضد سیدالشهدا
- علی محمدی، فرماندهی گردان ۴۱۸ از لشکر ۴۱ موسوم به ثارالله
- ذکاوت، فرماندهی گردان فتح از لشکر ضدامام حسن
- اسماعیلی، فرماندهی گردان تخریب از لشکر موسوم به ثارالله
- فتح الله نصرتی، فرماندهی گردان فتح از لشکر ۳۳ موسوم به المهدی
- احترامی، فرماندهی گردان فتح از لشکر ۸ موسوم به نجف
- عباس حسن پور، فرماندهی گردان ضمالکاشتر از تیپ ضدامیرالمؤمنین
- مجید شکوه، معاون دوم گردان ضمالکاشتر از تیپ ضدامیرالمؤمنین
- نیکو کلام، فرماندهی کاتیوشا توپخانه ی ضد حضرت خاتم
- هاشمی، فرماندهی گردان از لشکر ضدامام حسین
- رحمت الله علی پور، فرماندهی گردان از لشکر ۳۱ ضداشورا
- عادل نسب، فرماندهی گردان ضدامیرالمؤمنین از لشکر ۳۱ ضداشورا
- ناشینی، فرماندهی گردان از لشکر ضدامام حسین

رادیو صدای مجاهد در اخبار چهارشنبه ۱۵ بهمن ماه خود اعلام کرد: به گزارشات موثق دریافتی، در جریان تهاجم شکست خورده ی ربلائی ۵، حدود ۱۰۰ گردان از نیروهای خمینی منهدم شده است. یکه تعدادی از لشکرهای سپاه ضدمردمی هم بلحاظ بدنه و هم بلحاظ دهان نابود شده و از بین رفته است. منجمله لشکر ۴۱ موسوم به له بطور کامل متلاشی شده و معدود نفرات باقیمانده از این لشکر به جبهه منتقل شده اند.

لشکر موسوم به نصر، لشکر ۱۰ ضد سیدالشهدا، تیپ ضد قمر بنی هاشم، موسوم به یازها از لشکر ۸ و تیپ مستقل ۱۲ ضد حضرت قائم نیز تلفات سنگینی شده و به افراد باقیمانده آن مرخصی داده اند. ات دریافتی همچنین از غرق شدن شمار زیادی از نفرات تیپ ربنی هاشم خبر می دهد.

ر همین حال گزارشات رسیده در مورد انبوه مجروحین جنگی ت که از طریق بیمارستان بقائی که سرپل اصلی تخلیه و انتقال عین تهاجم ضد کربلای ۵ بود تنها در روز اول عملیات بیست هزار جنگی منتقل شده اند. و این در حالی است که بسیاری از مجروحین بیمارستان نبرده و مستقیماً به ستاد تخلیه ی مجروح موسوم به منتقل کرده اند.

ر میان مجروحین تهاجم تجاوزکارانه ی ضد کربلای ۵، گروهی از هان جنایتکار سپاه ضدمردمی نیز بوده اند که اسامی برخی از بارست از:

محمد نوری، فرماندهی ستاد

پاسخ برادر مجاهد مسعود رجوی به سوال خبرنگار رادیو صدای مجاهد درباره پیام اخیر خمینی دجال و لجن پراکنی یزید پلید جماران علیه مجاهدین

نقل از: «صدای مجاهد»

در پاسخ به پیام روز ۱۶/ بهمن ماه یزید پلید جماران درباره ی قربانیان جنگ که طی آن به لجن پراکنی علیه مجاهدین مبادرت کرد، برادر مجاهد مسعود رجوی به خبرنگار صدای مجاهد اظهار داشت:

«یزید پلید جماران در آخرین دجالگری که دیروز بمناسبت پنجمین روز از «دهه ی ظلماتش» بعمل آورد، به لاف و کذاف‌های مضحکی دست یازیده که بیش از پیش مبین ضعف و درماندگی و حاکی از اضمحلال و میرندگی خود او و رژیم ضدبشری‌اش می‌باشد. وی همچنین از فرط گبن و غضب افسارگسیخته ی خود در قبال جنبش عمومی صلح خواهی مردم ایران و اینکه مردم می‌دانند صلح و آزادی چگونه با هم گره خورده، به لجن پراکنی علیه مجاهدین پرداخت که البته جز بر افتخارات ما نمی‌افزاید و ما همچنان با برافراشتن پرچم صلح عادلانه‌ای که کاملاً در دسترس است و با آتش مقاومت عادلانه‌مان تیشه به ریشه ی رژیم‌شان خواهیم زد.

دژخیم پابگور در پیامی که در گورستان بهشت‌زهرای تهران خوانده شد از جمله مدعی گردیده که از یک «حکومت اسلامی و مردمی و صدردست تثبیت شده و دارای هواداران بیشمار» برخوردار می‌باشد. یعنی فقط در یک عبارت، ۴ دروغ بزرگ گفته است. زیرا که: - هر وجدان منصفی که کمترین اطلاع واقعی از اسلام و مسلمانی و از قرآن و سیره ی پیامبر اکرم و روش ائمه ی اطهار داشته باشد بوضوح می‌داند که حکومت جهل و جنایت خمینی که در هلاک حرث و نسل ایران یکصدبار روی دست رژیم شاه بلند شده دقیق‌ترین مصداق الدال‌الخضام در قرآن مجید است. یعنی خمینی دشمن‌ترین دشمنان خدا و قرآن و پیامبر اکرم است. چون خونریز و سرگوینگر و برباددهنده ی جان و مال ایران و ایرانی است.

- همچنین همه ی مردم ایران برغم ادعای خمینی مبنی بر مردمی بودن حکومتش می‌دانند که حکومت خمینی از قضا ضد مردمی‌ترین حکومت تمام ادوار تاریخ ایرانست. زیرا تاریخ ایران بیاد ندارد که مردم ما تحت حکومت یک چنین شیخ مشکوکی که اصل و نسبش هم مشبوه و مشکوک است و معلوم نیست استعمار کهنه از کی او را در سلک

مرتجعین قم در آستین داشته، به این اندازه رنج و عذاب تحمل کرده باشند. حالا شیخ ضد مردمی ادعای مردمی بودن هم می‌کند! - مضحک‌تر از همه این است که خمینی ادعا کرده حکومتش صدردست تثبیت شده است! ملاحظه می‌کنید که از صدردست حتی یک‌درصد هم حاضر نیست کوتاه بیايد!! اگر حکومت تو صدردست تثبیت شده است پس به این اعدام‌ها و تیرباران‌های روزمره و به اینهمه سیاهچال و شکنجه‌گاه چه نیازی داری و چرا از سیاست اختناق حداکثر پیروی می‌کنی؟ چرا حتی نمایندگان مجلس ضد مردمی خودت اگر یک وقت ناغافل ناپرهیزی کنند و خارج از خط، سؤالی از یکی از وزرای تو بکنند اینطور پاچه‌شان را می‌گیری؟! اگر حکومت تو صدردست تثبیت شده پس فلسفه ی اینهمه جنگ افروزی چیست و چرا تن به صلح نمی‌دهی؟! پس واضح است و حالا همه ی دنیا نیز فهمیده‌اند که خمینی و رژیمش مثل بیمار لاعلاج و پابگوری است که در مثل برای راه رفتن دوتا چوب‌دست زیر بغلش زده و بدون آنها یک لحظه سرپا نخواهد بود. یکی چوب‌دست جنگ و دیگری هم اختناق. که بدون اینها خمینی و رژیم متزلزل او هرگز دوام نخواهد آورد.

- و اما جالب‌تر از همه، این ادعای خمینی است که حکومتش را دارای هواداران بیشمار توصیف می‌کند! خوب اگر حکومت تو هواداران بیشمار دارد و دروغ نمی‌گویی چرا به اینهمه دستگیری و سربازگیری اجباری دست می‌زنی؟! آیا نمونه‌ای هست که علی علیه‌السلام به سربازگیری اجباری دست زده باشد؟ وانگهی اگر هواداران بیشمار داری و ضرب و زور در کارت نیست چرا محصل‌های مدارس را بالاجبار به جبهه‌های جنگ اعزام می‌کنی؟ بنابراین حکومت لرزان، فرتوت، نامشروع و ننگین خمینی نه اسلامی است، نه مردمی و نه تثبیت شده و محبوب مردم ایران.

شیخ دجال در سخنان دیروز خود باز هم با وقاحت و رندی خاص خودش آمریکا را در رأس مفاسد عالم خوانده است. باید به او گفت چگونه است که تو و رژیم اینهمه از جانب همین شیطان بزرگی که در رأس مفاسد عالم قرار دارد امداد غیبی و ارتزاق

تسلیماتی شدید و گیگ و گلت گرفتید؟ با اینهمه خمینی در سخنان دیروزش گماکان سلاح‌های اسرائیلی و آمریکایی را به حساب امدادهای غیبی و عنایات ویژه ی الهی که رژیم وی از آن متنعّم گردیده است گذاشت. و حال آنکه خودش هم بخوبی می‌داند که مدت‌ها است دستش برای همه ی مردم ایران رو شده و اکنون در هیچ خانه و خانواده و محفلی نیست که مردم از کوچک و بزرگ به ریش او و رژیم گندیده‌اش نخندند و در هر فرصتی حتی در تاکسی و اتوبوس اراجیف او را مورد استهزاء قرار ندهند. البته وقاحت و بلاهت دژخیم حدوحصر ندارد. گماینکه در اوج درماندگی و استیصال خودش و رژیمش در همین حرف‌های دیروز بطرز احمقانه‌ای مدعی شده که «حکومت نه شرقی - نه غربی» را در اکثر کشورهای جهان پایه‌ریزی خواهد نمود. باید به او گفت قاچ زین رژیم را که در آتش مقاومت و انزجار عمومی دارد می‌سوزد و خاکستر می‌شود، بچسب! اسپه‌سواری در عرصه ی بین‌المللی و گسترش حکومت گشیف و ضدبشریات به اکثر کشورهای جهان، پیشکش!

آخرین نکته ی قابل توجه در لا طائلات روز گذشته ی خمینی این است که هنوز از به‌گشتن دادن و به‌تنور ریختن بیش از یکصد هزار نفر اتباع کشورمان در تنور جنگ ضد مردمی‌اش در این ضدکربلای شماره ۵ فارغ نشده، در منتهای زبونی و مظلوم‌نمایی آخوندی - که از شکست فجیع او در جبهه‌ها در ایام اخیر خبر می‌دهد - از جوانان کشور درخواست گرد که به جبهه‌ها هجوم ببرند و تنور پیرگفتار مرگ و تباهی را دیگر بار از اجساد خود پُر کنند. دجال خون‌آشام در همین مورد افزود:

«یقیناً احساس همدردی این خدمتگزار و پدر پیر خود را درک می‌کنید که من ویرانی خانه‌های شما را، ویرانی خانه‌ی خود و شهادت و جراحت فرزندان و عزیزان شما را شهادت و جراحت فرزندان خود می‌دانم.» حق این بود که خمینی آشکارا اعتراف می‌کرد که درحالی‌که مسئول این گشته‌ها و خانه‌خراشی‌ها و غم‌ها و مصیبت‌های مردم خود اوست، چگونه بیشترین و بالاترین امکانات را برای حیات ننگین خود فراهم

نامه ای از يك خانم آمريكايي هوادار مجاهدين به خواهر مجاهد مريم رجوي

ايدئولوژيك كه تو و برادر مسعود به ما داديد، ازدواج يك ازدواج واقعي شد. قبل از اينكه تو بندهايمان را پاره كني من و شوهرم روزبروز مي كشيديم، ولي از طريق آنچه تو و برادر مسعود براي ما فدا كرديد من و شوهرم توانستيم حقيقتاً به وحدت برسيم. همچنين بخاطر تو و برادر مسعود و اين سازمان زيبا بود كه من توانستم گذشتهام را به فراموشي بسپارم و تصورات غلطی كه از زندگي قبلي با خود داشتم اکنون براي هميشه مرا ترك كرده اند. البته من آدم شيريني نبودم فقط گمراه بودم، در جامعه ای كه به انحراف كشيده شده. اکنون من از آنچه بدان اعتقاد دارم احساس افتخار مي كنم و براي هميشه مديون تو خواهم بود. مي دانم كه همي خواهران و برادرانم احساس مشابهي نسبت به تو و برادر مسعود دارند بويژه "خارجي ها"ي درون سيستم. درون اين سازمان عزيز تعداد فزاينده ای از مليت هاي مختلف وجود دارند. من چيزهاي زيادي راجع به يك خواهر فرانسوي كه در اين مسير رشد كرده شنيدم. همچنين خواهران هلندي، چيني و... در آمريكا ما هشت نفر هستيم و حتي يك برادر آمريكايي هم داريم كه اخيراً آمده چون او هم چيزي ديده بود كه مي خواست تجربه كند. اين خيلي خوب حقانيت راهي را كه برگزيده ايم نشان مي دهد. هر شب قبل از اينكه بخوابم سعی مي كنم درد و رنج فدای تو و برادر مسعود را همراه با همي عزيزان شهيد و شكنجه شده مان از خواهر و برادر و مادر و پدر و فرزند براي خودم تصوير كنم. اين كار را با اين اميد مي كنم كه موجب شود روز بعد حتي كمی هم شده بيشتر كار كنم. همچنين سعی مي كنم جامعه ای عاری از هرگونه بي عدالتي براي نسل هاي آينده مان را در نظر بياورم.

خواهر مريم من دارم سعی مي كنم آنچه در درون وجودم مي گذرد براي بنويسم؛ عشق و دين پاين ناپذيري كه نسبت به تو و برادر مسعود در خودم احساس مي كنم. بخاطر همي كارهايي كه برايم كرده ايد، از صميم قلب و روحم از تو تشكر مي كنم.

با خالصانه ترين آرزوها

براي روزي كه همگان برآستي آزاد باشند

جولي...

*

بنام خداوند بخشنده

و

بنام مجاهدين مسعود و مريم

۴/ دسامبر/ ۱۹۸۶

خواهر مريم عزيز؛

مدتهاست كه مي خواهم اين نامه را براي بنويسم و خوشحالم كه بالاخره توانستم آنرا تكميل كنم. ايكاش مي دانستم از كجا شروع كنم. اگر چندماه پيش كسي از من مي پرسيد كه راجع به تو و برادر مسعود چه مي انديشم، مي گفتم كه شما را بعنوان رهبري مجاهدين ستايش مي كنم و محترم مي شمارم. اين پاسخ از طرف يك زن ۲۸ ساله ي آمريكايي كه هرگز به ايران نرفته و درد مستقيم مردمی را كه دهها سال است تحت اختناق قرار دارند نچشيده و متأسفانه اطلاعات يا شناخت لازم بزي برداشتي متفاوت را نداشته، اشكالي ندارد؛ حتي مي شود گفت كه قابل فهم است.

اما اکنون تقريباً يكسال است كه با انجمن هستم و در معرض چنان كيفيت، شرف، فداكاري و عشق قرار گرفته ام كه نمي توان با كلمات بيان كرد. به من چنان امتياز بزرگي تعلق گرفته كه تنها اميدوارم افرادی از ساير مليتها هم بتوانند اينقدر خوششانس باشند و مي دانم كه حتي اين هم به مرور زمان محقق خواهد شد. من واقعاً معتقدم كه از خدا هديه ای دريافت كرده ام و آن اجازه ي ورود به اين خانواده بود. من از طريق يك كاتاليزور - يعني شوهرم - وارد روابط شدم اما بخاطر تو خواهر مريم، و برادر مسعود ماندم. بخاطر خودم ماندم و نه بخاطر همسرم. چقدر زيباست كه بتوانم بگويم كه روحم روزبروز رشد ميكند و مي توانم حس كنم كه انسانيت در وجودم منتشر مي شود. من دارم مي آموزم. مي آموزم كه فدا چيست، جامعه چيست. خيلي چيزها است كه بايد بيايوزم اما هر وقت به عكس تو نگاه مي كنم يقين مي كنم كه تدريجاً و به مرور زمان خواهم آموخت. قدری خجالت مي كشم كه به تو كه اين راه را از قبل برايم گشوده ای، راجع به اين قدم هاي كوچك اوليه ي خودم بگويم. من از مجاهدين بخاطر كاري كه با زندگي من كرده اند بسيار سپاسگزارم منجمله در رابطه با ازدواجم. صادقانه مي گويم كه بعد از انقلاب

پاسخ برادر مجاهد

مسعود رجوي

به سوال خبرنگار راديو

صدای مجاهد درباره پیام

اخير خميني دجال و ...

بقیه از صفحه ی قبل

كرده و در پشت انواع دژها و انواع پناهگاهها، صدها و هزارها ميليون دلار از دسترنج مردم ستمديده ي ما را صرف حفاظت و امني و آسايش خود مي كند و به دور از گمترين فشارها و مصائب جنگي كه فقط خودش خواستار آنست، ميليونها تن از مردم را بي پناه و بي دفاع دم برق بمب و موشك مي گذارد.

از طرف ديگر همه مي دانند كه اين دژخيم سفاك و خونريز كه اکنون ذليلانه و در كسوت يك پير بي آزار دعوی خدمتگزار ي به مردم ايران مي كند، همان جانور درنده ای است كه تا ديروز نعره مي زد رای فرد او بر تمامي آراء ملت ايران ارجحيت و تقدم دارد. اما اگر در وجود اين جانور قرون وسطايي ذره ای انسانيت و مروت مي بود اينقدر فرزندان و عزيزان مردم را سر نمي برید و تيرباران و شكنجه نمي كرد، اينقدر بچه هاي مردم را از سر گلاس درس به ميدان هاي مين نمي فرستاد و گوشت دم توپ تلقی نمي كرد. اينقدر مردم را خانه خراب و آواره نمي كرد و اينقدر حرث و نسل ايران را به تباهي نمي كشيد. چندي پيش از قول يكي از اطباء شخصي او مي گفتند كه از اخبار اعدام رشيد ترين جوانان و فرزندان اين آب و خاک كه سر صبحانه به او مي دهند، نه فقط خمي به ابرو نمي آورد بلكه به هيچان مي آيد و اشتهاي مارگونه اش مضاعف مي شود. راستي كه در وجود خميني جز شقاوت و دجالگري نيست و اين دژخيم پلید از ذره ای شرف و عاطفه و انسانيت برخوردار نيست و اين را اكثريت قريب به اتفاق مردم ما خيلي خوب فهميده اند و براي همين همگان به رژيم نامشروع و منقور او، به حكومت او، و به جنگ طلبی و سرگوبگري او پشت كرده اند. پس دور نيست كه ايران زمين و خلق قهرمانش اين طرقي ارتجاعی و استعماري را سرنگون ساخته و خاكستر او و رژيمش را در 'تش فروزان مقاومت به باد بدهد. مطمئن باشيد كه خميني در آينده در خاك ايران جايي به اندازه ي يك قبر نيز نخواهد يافت و بنازه اش را خاك ايران هم قبول نخواهد كرد."

۱۷/ بهمن ماه/ ۱۳۶۵

آدرس های ارتباطی انجمن ها و واحدهای هوادار مجاهدین

نام کشور نام شهر	تلفن روابط عمومی انجمن			آدرس پستی
	شماره تلفن	کد شهر	کد کشور	
فرانسه - پاریس	۴۸۴۱۲۶۷۹	۱	۳۳	A.E.M B.P 49 - 75462 Paris - Cedex 10 France
انگلستان - لندن	۲۰۳۵۸۵۵	۱	۴۴	BM BOX 9270 London WC1N 3XX England
سوئد - استکهلم	۷۶۰۷۹۸۵	۸	۴۶	M.S.F BOX 7041 16307 Spanga Sweden
آمریکا - واشنگتن، دی. سی.	۸۲۳۰۴۳۰	۷۰۳	۱	M.I.S.S P.O. BOX 57245 Washington, D.C 20037 U.S.A
آمریکا - لس آنجلس	۸۳۹۸۳۹۵	۲۱۳	۱	M.I.S.S P.O. BOX 4549 Culver City, CA. 90231 U.S.A
آلمان - کلن	۲۴۲۸۰۵	۲۲۱	۴۹	M.S.V Postfach: 420531 5000 KOLN 41 West - Germany
کانادا - تورنتو	۷۶۳۰۴۷۲	۴۱۶	۱	M.I.S.S 719 Yongest Suite 205 Toronto, ONT M4Y2B5 Canada
عراق - بغداد	۷۱۸۳۰۳۳	۹۶۴	۱	مندوق البرید ۱۲۰
پاکستان - کراچی	۴۶۴۱۶۱	۲۱	۹۲	ROOM NO 20 BLOCK 4 - EQBAL HOSTEL UNIVERSITY OF KARACHI P.O.BOX NO. 132 G.P.O - KARACHI 1

گنگ های مالی خود را به یکی از حساب های زیر واریز نموده
و حواله ای آنرا به یکی از آدرس های مقابل ارسال دارید:

Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ England
A-Khodabandeh N. 91082078

انگلستان

BANK SOCIETE GENERAL
N°: 50114313 Mr. SAHELI MORAD
AX. TRINITE PARIS FRANCE

از خارج فرانسه

B.N.P. PONTOISE 1269652

در داخل فرانسه

اخبار... ورود ادهای سیاسی

ر ادامه ی موج محکومیت اصرار خمینی بر ادامه ی جنگ، پژان پل دوم رهبر کاتولیک های جهان، ابوبکر عطاس رئیس جمهوری دمکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی)، ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان و معاون بخش خاورمیانه در کمیته ی مرکزی نذب کمونیست شوروی و همچنین کمیسیون خاورمیانه ی بین الملل سوسیالیست خواهان پایان بخشیدن به این جنگ بیرانگر شدند.

وزنامه ی کریستین ساینس مانیتور با استناد به گزارش کمیته ی اطلاعاتی مجلس سنای آمریکا نوشت: "به مقامات اطلاعاتی آمریکا دستور داده شده بود که اطلاعات پُرارزشی را به نشانه ی حسن نیت ایالات متحده در قبال ایران در اختیار منوچهر قربانی قرار دهند... و دو هفته پس از آن در دهم فوریه ۱۹۸۶ نیروهای ایرانی جنوب عراق را مورد حمله قرار دادند و بندر نفتی استراتژیک فاو را تصرف کردند."

محاصره ی چندین ماهه ی غذایی و دارویی اردوگاههای هزاران آواره ی فلسطینی در لبنان توسط گروه مزدور امل با حمایت رژیم خمینی، اسرائیل و سوریه شرایط مرگباری را برای هزاران آواره ی ساکن اردوگاههای رشیدیه و برج البراجنه بوجود آورده است بطوریکه برای زنده ماندن خوردن گوشت سگ و گربه را آغاز کرده اند.

نیویورک تایمز ۱۲/ بهمن نوشت: "وزارت دفاع اسرائیل فروش ۵۰ میلیون دلار اسلحه ی ساخت اسرائیل را تقریباً دو ماه قبل از اولین درخواست گزارش شده ی آمریکا برای کمک اسرائیل به نزدیک شدن به تهران تایید نمود."

به گزارش فرماندهی بخش ارتش در سازمان مجاهدین خلق ایران بر اثر سقوط یک فروند هواپیمای "فالکون" بعثت شلیک پدافند نیروهای خود رژیم در منطقه ی امیدیه اهواز، یک مهره ی مهم رژیم و همچنین رئیس مهندسی سپاه جنگ و جنایت خمینی در جنوب بهلاکت رسیدند.

خبرگزاری رویتر: رژیم خمینی از آغاز تهاجم ضدکربلای ۵ که با هدف تصرف بصره آغاز نمود، تاکنون بیش از ۱۵۰ هزار نفر تلفات متحمل شده است. (در صفحات ۲۴ تا ۲۴)

گزیده مطبوعات جهان

* آمریکا - میامی هرالده * سوئد - آفتون بلادت
* ایتالیا - ایل ژورناله * پرتغال - دیاریود نیوتیسیاس
- تلویزیون سراسری شبکه ی ۳ * نروژ - داگبلادت
- رادیو جی اتره * دانمارک - اینفرماشون

(در صفحات ۲۲، ۲۳ و ۲۴ تا ۲۷)

مصاحبه سیمای مقاومت با خانم مریم متین دفتری

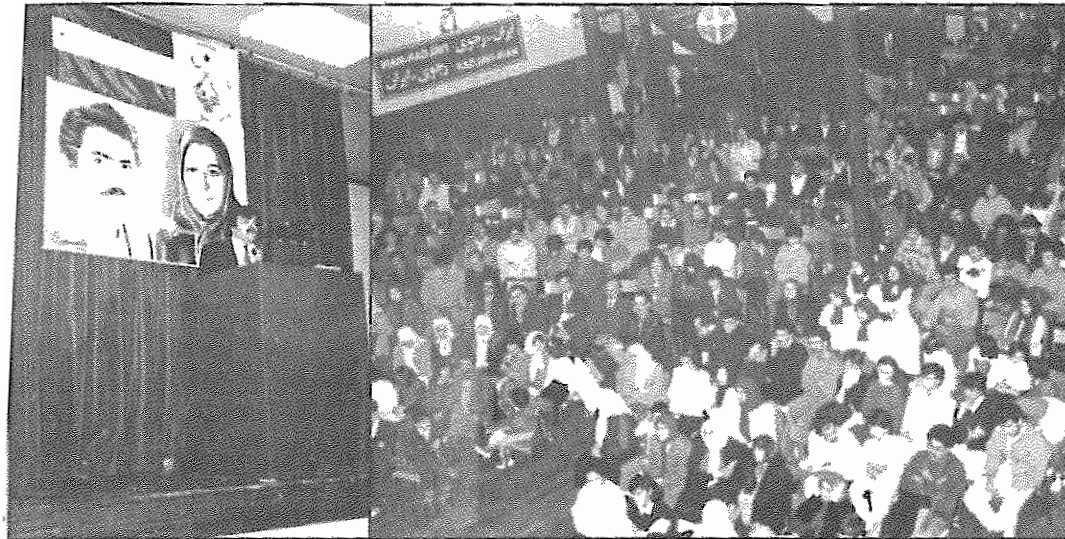
در صفحه ی ۲۰

آخرین طرح های جنایتکارانه رژیم

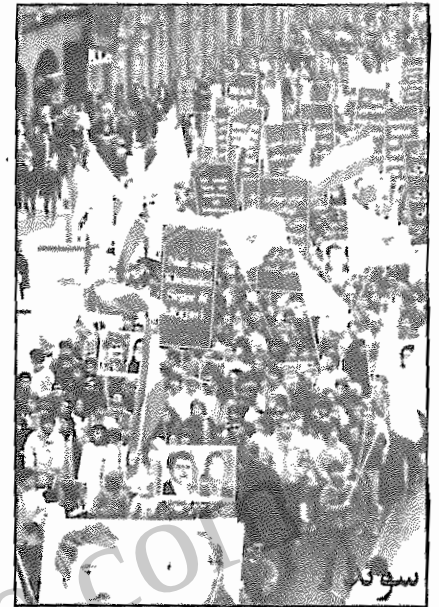
به منظور اعزام اجباری و به کشتن دادن هر چه بیشتر

دانش آموزان در جبهه های مرگ در صفحه ی ۱۰

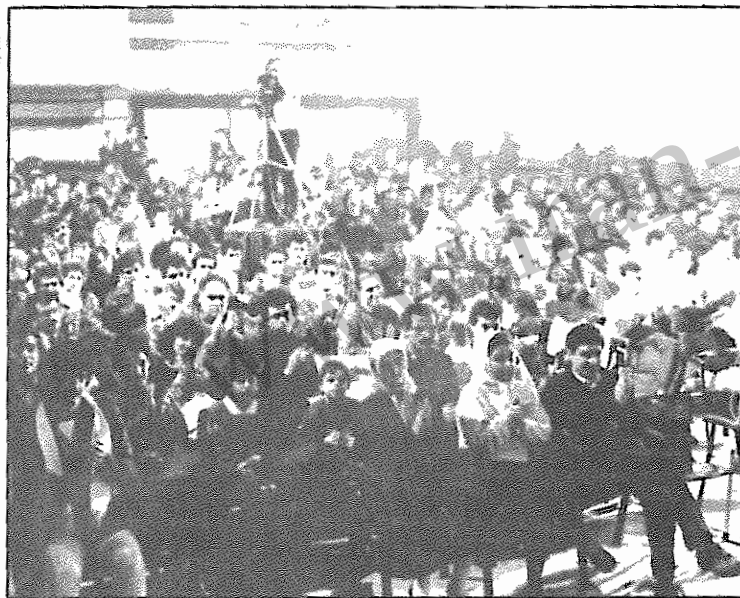
تظاهرات جهانی عظیم و بی سابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین خروش بر طنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق و نوید درهم شکستن رژیم در مانده خمینی



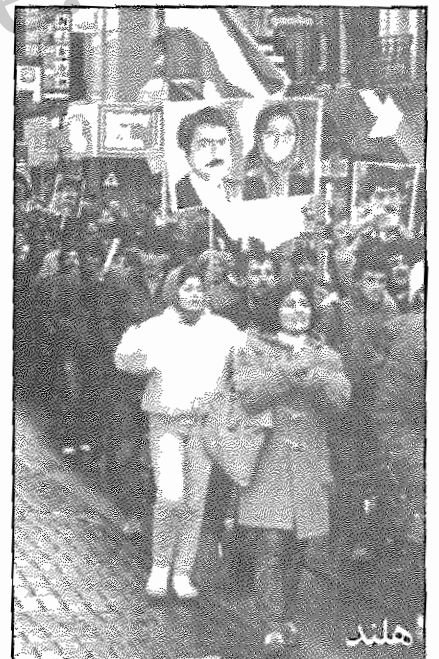
برادر مجاهد محمد سیدالمحدثین عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین در حال سخنرانی در میتینگ پاریس



سوئد



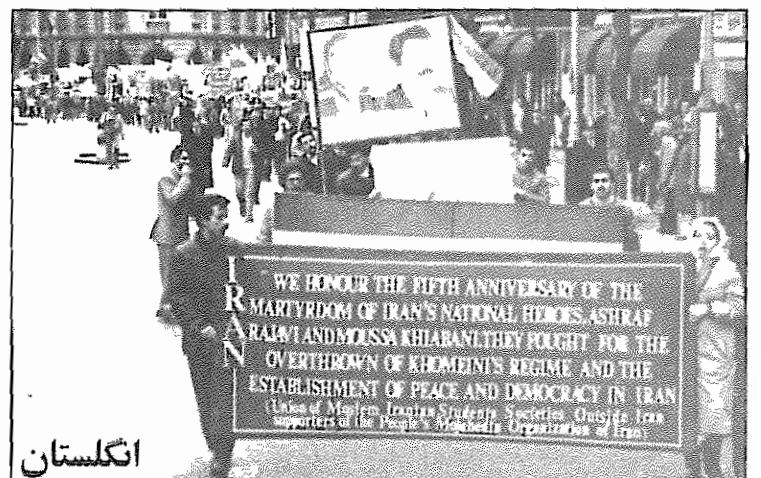
خواهر مجاهد فاطمه رمضان عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین در حال سخنرانی در میتینگ رُم



هلند



دانمارک



انگلستان